ژوندون

اطلاعات و کلتور

پنجشنبه ٢٤ میزان ١٣٥٤
١١ شوال ١٣٩٥ـ١٦ اکتوبر
١٩٧٥
قیمت یك شماره ـ١٣ـ افغانی

شماره ٣٠
سال ٢٧

ښاغلی محمد داود رئیس دولت‌وصدراعظم موقعیکه دنگتاش رهبر ترکی زبان های قبرس رادر قصر ریاست جمهوری پذیرفتند وباوی صحبت می نمایند .

ښاغلی رئیس دولت وصدراعظم هنگامیکه‌فضانوردان ایالات متحدهٔ امریکا رادر قصر ریاست جمهوری پذیرفتند .

ښاغلی رئیس دولت وصدراعظم موقعیکه‌ښاغلی پیترسن آمر عمومی پروگرام انکشافی ملل متحد رادرقصرریاست جمهوری پذیرفتندوباوی صحبت مینمایند .

اعلیحضرت غازی نادرشاه شهید که وطن رااز‌یك بحران داخلی نجات دادند.

اختصار وقایع مهم هفته

درداخل

• • •

ښاغلی محمد داود رئیس دولت وصدراعظم ساعت یازده قبل ازظهر ۲۲ میزان ښاغلی روف دنکتاش رهبر ترکی زبانهای قبرس را درقصر ریاست جمهوری پذیرفتند .

ښاغلی روف دنگتاش رهبر ترکی زبانهای قبرس که بسلسله مسافرت بیکعده کشور ها برای بازدید دوستانه ای ازافغانستان بکابل آمده بود ساعت هفت ونیم صبح روز۲۳میزان ازکابل عزیمت کرد .

پوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات وکلتور، معاون تشریفات وزارت امور خارجه، عده‌ای ازاعضای انجمن دوستی افغان وترك وسفیر کبیر وبرخی ازاعضای سفارت کبرای ترکیه مقیم کابل بابناغلی دنگتاش وداع نمودند .

* * *

باپیام ښاغلی محمدداود رئیس دولت و صدراعظم وحامی جمعیت افغانی سره میاشت که شب ۲۳میزان ازرادیو افغانستان نشر گردید سرازپنجشنبه ۲٤ میزان هفته‌مخصوص سره میاشت آغاز ودر سراسر کشور ازاین هفته تجلیل بعمل می آید .

وزرای عدلیه، معارف، صحیه، اطلاعات وکلتور، رئیسه میرمنو ټولنه ورئیسه‌زیژنتون بالنوبه بیاناتی ازطریق رادیو افغانستان باین مناسبت ایراد خواهند کرد .

ښاغلی محمد داود رئیس دولت وصدراعظم ساعت چهارونیم عصر دگروال ستیوارت الن روزا ودگروال ویلیم ریدپوگ کیهان‌نوردان امریکایی رادر قصر ریاست جمهوری برای ملاقات پذیرفتند .

ښاغلی محمد نعیم وبعضی از اعضای کابینه عصرروزشنبه فلم های مسافرت های اپولوی چارده وسکای لاب چارم رادر تالار رادیو افغانستان مشاهده نموده وتوضیحات کیهان نوردان امریکایی راپیرامون مسافرت های

* * *

ښاغلی محمد داود رئیس دولت وصدراعظم ساعت چار ونیم عصر ۲۲ میزان ښاغلی پیترسن آمر عمومی پروگرام انکشافی ملل متحد رادر قصر ریاست جمهوری پذیرفتند .

* * *

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد، به تعداد ۳۵ نفر بلوچ دیگر نسبت‌ظلم وتعدی حکومت پاکستان وحملات بیرحمانه قوای عسکری آنکشور بخاك افغانستان پناه آورده اند .

• • •

موسسه کشور های صادر کننده نفت (اوپك) اکنون مشغول مطالعه درباره تاسیس یك صندوق وجهی امدادی پنج ملیارد دالری برای کشور های روبه انکشاف فاقد نفت میباشند .

پیک ژوندون

> سه‌پیکار بزرگ ملت افغانستان در برابر تجاوز استعمار گواه بز ر گ وانکار ناپذ یر یست از فدا کاری وطن دوستی و عزم شکست نا پذیر مردم ما.
>
> ازبیانات رئیس‌دولت و صدراعظم

پنجشنبه ۲۴میزان ۱۳۵٤ـ ۱۱شوال ۱۳۹۵ـ ـ۱٦ اکتو بر ۱۹۷۵

روز نجات

مردم افغانستان پس از سه‌پیکار بزرگ و مبارزات متداوم علیه استعمار،استقلال سیاسی واقتصادی کشوررابدست‌آورده وسر نو شت مملکت را بدست گرفتند . مر دم ترقیخواه ووطنپر ست کشور تـ ازه در شا هراه انکشاف و تر قی گا م می نهادند و می خواستند باایجاد طرح‌های تازه مملکت را در جهت ترقی و رفاه سوق د هند ، که‌یکبار دیگر دیو استعمار با حیل‌ودسایس شو میکه همزاد اوست ، د ست به توطئه ز ده و مملکت ما را بطر ف اختناق کشانیدند .

دسایس و تو طئه های استعمار کشور ما رابطرف یك بحران داخلی برد. بحر اینکه با لها ی سیاه آن در یك مدت ز مانی کو تاه در بسی نقاط کشور و در همه شئون‌حیاتی واجتماعی سا یه افگند .

مملکت ما ازنظر اقتصادی و اجتماعی دچار آشفتگی گردید و تاثیرات منفی این آشفتگی چون مرض خانمانسوز بالای ز ند گی اجتماعی و فر هنگی مردم ا ثر افگند و اثرات این بحران و ا ین آشفتگی اجتماعی بقدری منفی و مزمن بود که بالای معارف ومکاتب تاثیر ناگوار نمود ، ز یرا استعمار بانیرنگ بازی های محیلا نه ا ش عملا در واژه های فر هنگ‌ومعارف را بروی مردم بست و در کار های فرهنگی و کلتوری بطور وا ضح و مشهودرکودرونما گردید. استعمار میخواست ازین راه یکبار د یگر ذهنیت هارا دگر گو نه سا خته و بطرف‌فسادوتفرقه سوق دهد. ولی آنها این بار نیز اشتباه میکرد ند وراه خطا می پیمودند و از در سی که مردم ما در گذشته باین قوه مغرور داده بودند عبرت د ر ست نگرفته بود .

استعمار فرا موش کرده بود که مردم تر قیخواه ووطن پر ست افغانستان فریب هیچگو نه نیر نگ استعماری را نمی خورند و با ین آسانی ها زیر بار نمی روند .

باین اساس مردم ما یکبار د یگر هو شیارانه برای زدود ن این بحران داخلی قیام کردند و در همین موقع حساس ونازك بود که‌اعلیحضر ت محمد نادرشاه شهید فرزند فدا کار افغانستان که او ضاع کشوررا از خارج‌بررسی و مطالعه میکردند ، برای ر هایی کشور ازین بحرا ن مهیب داخلی به افغانستان آمده‌وبه کمك مردم شتافتند و بهمرا ی ترقیخوا هان و طنپر ست د ست بکارشده و پس از یك‌مجادله‌مملکت را از کشمکش ها و بحران دا خلی نجات بخشیدند .

بارهایی کشور از چنگال ا ین بحران داخلی دو باره نقشه ها ی عرفانی و عمرانی وانکشافی برا ی ترقی و پیشر فت طرح گردیدوروح تازهٔ در حیات اقتصادی و اجتما عی کشور ما د میدن گر فت .

از همین سبب است که روز ۲۳ میزان در تاریخ کشور ما ر و ز شکوهمند ونقطه پر افتخاری است. روز نجات و ر هایی مردم ما از یك اختناق داخلی است . روز ر ها یی از جهل است و ر هایی ازآشفتگی های گو ناگون اجتماعی وفر هنگی.

روی این ملحوظ ما باتذکر ازین روز تاریخی و یاد بود از فدا کاری های اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید به روح این مرد فدا کا ر اتحاف دعا فر ستاده و تر قی افغانستان را تحت ر هبری قا ید ورهبر ملی خویش بناغلی‌محمدداؤد رئیس دو لت و صدراعظم ، درپرتو نظام خجسته و متر قی جمهوریت تمنا میکنیم .

خبر هفته

* * *

بیش از ۲٤ میلیون افغانی وهفتصد هزار دالر فابریکه سمنت جبل السراج درشش ماه اول امسال ازفروش سمنت درداخل و خارج کشور بدست آورده است .

یك منبع آن فابریکه گفت: از شروع‌امسال تااخیر سنبله ۱۸ هزارتن سمنت درفابریکه تولید گردیده است . منبع اضافه کرد : درشش ماه اول امسال ۱٦ هزار تن سمنت درداخل کشور .....۲٤٤٥ـ افغانی بفر وش رسیده ، همچنان ۱۰ هزارتن سمنت درهمین مدت بخارج صادر گردیده که از فروش آ ن هفتصد هزار دالر بدست آمده است .

منبع متذکر شد: درفروش سمنت شش‌ماه اول امسال هشت هزارتن سمنت تولیدی سال گذشته نیز شامل میباشد .

• • •

کمپاین فابریکه پنبه وروغن نباتی هلمند ازفصل جدید پخته دیروز آغاز گردید .

یك منبع آن موسسه گفت: خریداری پنبه‌دانه دار ازفصل امسال شروع شده وانتقال آن بفابریکه ادامه دارد. منبع اضافه کرد : در شروع امسال ۱۸۵٦ تن تخم بذری پخته به زارعان ولایت هلمند، قندهار وفراه توزیع گردید، که ا ین مقدار برای زرع بیش از ۱۸۹ هزار جریب زمین کفایت نموده است .

منبع حاصلات پخته رااطمینان بخش خوانده اظهار امید کردکه حاصلات امسال به ۲۸هزار تن بالغ میگردد .

• • •

صدویکمین سالگره تا سیس اتحادیه بین المللی پستی شام ۱۷میزان ضمن محفلی درکابل تجلیل گردید .

جمع آوری پخته ازمزارع ولایات کندز، تخار وبغلان شروع شده است .

ښاغلی محمد داؤد رئیس دو لت‌وصدراعظم وحامی بزرگ جمعیت افغانی سره میاشت

پیام ښاغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم بمناسبت هفته مخصوص جمعیت افغانی سره میاشت

خواهران وبرادران گرامی:

مسرت دارم از اینکه هفته مخصوص جمعیت افغانی‌سره میاشت تحت لوای رژیم جمهوریت جوان وطن عزیز مطابق به تعا مل‌جمعیت های جهانی که بارو حیه دین‌مقدس اسلام و شعایر ملی ما مطا بقت دارد آغاز می‌گردد.

هفته مخصوص سره میاشت نه تنها کارکنان و مربو طین‌جمعیت افغانی سره میاشت رابیش از پیش متوجه وجایب انسانی شا ن می گرداند ،بلکه‌فرصت آنرا مید هد تامردمان نوع دوست وبا عاطفه ما درین ایام فرخنده وخیریه سهیم شوند وروحیه تعاون شانرا بیش ازپیش که ازسجایای عا لی‌اسلا می ولازمه حیات اجتماعی است دریک سطح عالی تری تقویه نمایند .

تمدن امروز بشر و پیشرفت علم‌و تخنیك اگر بسا دشواری ها را از بین‌برده‌اما باز هم نتوا نسته است حوادث سماوی و مصایب طبیعی ازقبیل فقر، مرض، و دیگر حوادث ناگوار را جلوگیری نماید با فهم این واقعیت هایك عده ازمرد مان صلح پسند جهان در صدد تشکیل وتوسعه انکشاف انجمنها و مجا مع خیریه برآمدند تابتوانند درموا قع بروز حوادث ناگوار از آسیب دیدگان دستگیری نمایند و از الام آنها بکا هد .

دولت جمهوری افغا نستان مساعی جمعیت های صلیب احمر بین المللی هلال‌احمر ها و شیر و خورشید . سرخ را درگذ شته و آینده‌میستا ید ومتو جه آن است که مؤسسه‌افغانی سره میاشت بیشتر تقو یه یابد تا بتواند فعالیت خو یش را بیش ازپیش بافعالیت این ساز ما نها توحید بخشد .

توقع میرود آمال بشر دوستی ونتایج حاصله از کنفرانس صلح جهانی جمعیتهای صلیب و هلال احمر بین المللی منعقده بلگراد درجلسات بورد گونر های اتحاد یه صلیب احمر بینا لمللی که قرار است به تاریخ بیست اکتو برمطابق بیست و هشتم میزان ٥٤ در ژنیو دایر شود بیش ازپیش‌موردتایید وتطبیق قرار گیرد .واعمال‌نفاق وشقاق جای خودرابه تساندوتعاون وحس نوع پروری گذاشته کتله‌های بشریت در سرا سر جهان بانیك اندیشی ها در صلح وصفا زیست کنند .

امیدوارم‌خداوندمردمان صاحب‌نظرو، مخصوصا قشرجوان‌وطبقه منور وطن محبوب ماراتوفیق نصیب گرداندتا باعزم متین وصفای نیت در صلح وسلم زند گی کنند وبارو حیه ای تربیت ملی وتعاون اجتماعی که‌از نیاکان وپدران‌شان بارث برده اند از همکاری مثمر و همدرد ی با هموطنان بینوای خود دریغ ننما یند وباوحدت نظر و عمل جمعیت‌افغانی سره میاشت را باکمك مادی‌ومعنوی خویش بیشتر تقویه‌بخشند تا این مؤسسه خیریه بتواند در پر تو عنایات خداوندی و پیروی‌ازارشادات دین مبین اسلام و پرنسیپ های اساسی سره میاشت و صلیب‌احمر بین المللی خد مات مؤثر و ارزنده‌تری به همنوعان بینوا و مستمند خویش در سا حه ملی‌وبین المللی انجام دهد .

ومن‌الله توفیق

درین شماره

عکس روی جلد از نوشین خوا ننده‌جوان عکس های‌نوشین ازیحیاآصفی

پیام بخوانندگان

تاریخ خود را بخوا نید ، یعنی تاریخ افغانستان را مطالعه کنید وآنگاه بو ضاحت خواهد دید روزی که این ملت یکدست و یك ز بان بود موفق و پیروز بود . و فقط به وحدت عمل واتحاد فکر تمام ملت ، پیشرفت میسر شده میتواند و این یگانه کلید سعادت ا فغا نستان شمرده میشود .

اصلا حات اجتماعی یکی بعد دیگر عملی خواهد شد امید وا ر م که نتایج آن برای آیندهٔ ملت‌افغان مفید ثابت شود . بار دیگر یاد آور میشو یم که ما نمی خوا هیم برای عدهٔ خاص و محدود و یا برای یك جمعیت خاص کا ر کنیم ، بلکه میخواهیم هر قدم ما و اهداف ما بالتر از همه متو جه اکثر یت مردم افغانستان باشد .

در ظرف یکسال و چندماه سعی کامل بعمل آ مد تاازنگاه اقتصادی واجتماعی به لطف خداوند قدمهای مهمی بر داشته و برای‌آیندهٔ کشور ونسلهای آ ینده آن کاری ا نجا م دهیم .

ونیز پلان هائی برای‌بهبود وضع اجتماعی روی دست بوده که یکی بعد دیگر عملی خواهد شد .

قانون اساسی افغانستان بمیا ن خواهد آمد و در افغانستان حز بی نیز بوجود خوا هد آمد .

یك نظام و یك حکو مت و قتی استوار و زنده بوده می‌تواند که ملت آن زنده باشد و در عقب آ ن با تمام قوت خود پایداری کند .

وقایع

مهم

سیاسی

هفته

تفاهم ایتالیا ـ یوگوسلاویا

از شفیع «راحل»

بعد از(سی) سال‌مناقشهٔ‌سیاسی که‌چند مرتبه نزدیك‌بودمنجر بجنگ خونین بین ایتالیا و یو گو سلاویا گردد بالا خره این دو مملکت درهفته جاری تصمیم گرفتند مو ضوع مورد اختلاف شانرا که (تریست)باشد بکلی حل و فصل نمایند .

صدراعظم ایتالیا (الدو مو رو) ووزیر خارجهٔ آن مملکت(مارینورو- مور) در هفتهٔ جاری رسماً ا علام کردند که یو گو سلاویا و ا یتالیا تصمیم گرفته اند مو ضوع‌تریست را که برای سی سال کامل ما نع توسعهٔ روابط حسنه ذات البینی بوده از طر یق‌مسا لمت آمیز حل کنند .

یگا نه ا عترا ض در مقابل این اعلامیه از حزب(ام . اس . آی) یا نیوفاشیست‌های‌ایتالیا برخواست آنها حکو مت را متهم بخیا نت نمود . ا ما‌اکثریت مردم و احزاب دیگر موقف حکو مت را تائید کرد زیرا این احساس بشکل‌روزافزون درایتالیا قوت میگرفت که بتا سی از موافقتنامهٔ هلسنکی و د یتا نت عمومی جهانی که مخصو صاً د ر اروپا باعث تشئید صلح و سلم گردیده لاینحل ماندن مو ضو ع تریست مفید نمی‌باشد .

تاریخچه :

تریست یکی ازبنادر مهم و آزاد (مانند جینووا ومار سیل) بو ده ودرد هانه‌عر ادریاتیك قراردارد این شهر بندری در (١٨٤٠) تو سط یك (بارون) آلمانی که بروك نا م داشت از یك قر یهٔ ما هیگیری سلوواکی بیك بندر مهم در دا خل امپراطوری آ ستر یا ، هنگری‌مبدل سا خته شد. تجار ایتا لوی دراین بندر ساکن گردیده و دلیل مو جه برای ادعای حا کمیت بندر تو سط ایتالیا شدند .

در وقت جنگ عمومی اول د ر (١٩١٥) برای اینکه ایتالیا را به طرفداری شان‌کشیده باشند‌برتانیه وفرانسه حاکمیت‌ایتالیا رابرتریست پذیرفتند . معا هدهٔ (را پالو) که‌در ختم جنگ عمومی اول منعقد گردید این حاکمیت را باوجود مخا لفت امریکا که ادعا داشت تریست‌جزئی از خاك یو گو سلا ویا است تثبیت نمود .

مگر در ختم جنگ عمومی د و م تحت معاهدهٔ صلح پاریس(فروری ١٩٤٧) ایتالیا حصهٔ از تر یست‌را از دست داد و نه‌تنها منطقهٔ ا خیر الذکر بلکه تمام حوزهٔ (ایستر یا) بحیث مناطق آزاد اعلام‌شد . منطقهٔ تریست موقتاً بدو حو زه تقسیم شد :

حوزهٔ (ای) که شامل شهر تریست بود تحت حکو مت نظا می امریکا و بر تانیه قرار گرفت‌وحوزهٔ (بی) یاجنوب تر یست که تحت ادارهٔ حکو مت نظامی یو گو سلاویا قرار داده شد . دول غربی د ر (١٩٤٨) پیشنهاد کردند تا تمام حوزه را به ایتالیا واگذار شوند اما درهمان مو قع یو گو سلا و یا ا ز بلاك شوروی خارج شد و دول‌غربی دو باره تغییر عقیدت دا دند .

تحت یك پرو تو کول تفا هم که بتاریخ پنج اکتو بر ١٩٥٤ عقد شد امریکا ، بر تانیه ، ایتالیا و یوگوسلاو یا موافقه کردند تا به حکومت نظامی خاتمه بد هند. باین ترتیب ادارهٔ حوزهٔ (ای) که ا مروز در حدود نیم ملیون نفوس دا ر د ونود فیصد آن ایتالوی می باشد به ایتالیا تعلق گرفت و ادارهٔ حو زهٔ (بی) که در حدود یکصدو پنجاه‌هزار نفوس دارد و شصت فیصد آ ن سلوواك می باشد به یو گو سلاویا سپرده شد .

اما این تقسیم پرابلم را حل ننمود . ایتالیا در ادعای خود برای ضم ساختن حوزه (بی) تر یست پافشاری نمود و از آن تاریخ به‌بعد وقتاً فو قتا مو ضوع تریست‌بحیث یك مناقشهٔ داغ عرض اندام نمو ده است .

فیصله :

البته علاوه بر تأثیر عمیق‌معاهدهٔ هلسنگی وروحیهٔ دیتانت بین شرق وغرب دلایل دیگر نیز وجود دا ر د که روم را وادار به قبو لی پذیرفتن تقسیم تریست نموده است .

بحیث یك عضو ناتوایتالیا نمی-خواهد موقف آ زاد و بیطر فا نهٔ یو گو سلا ویارا تغیر دهد . یوگوسلا و یا تحت ر هبری مارشال تیتو تقسیم فعلی را پذیرفته است اما امکان داشت یو گو سلا و یا ی بعد ازمار شال تیتو به این تقسیم تن در ند هد و تمام تریست ر ا بخواهد .

علاوه بر آن نفوذ روز افزو ن جناح چپ در سیاست داخلی‌ایتالیا امکان داشت باعث بروز اشکال جدید در موضوع تر یست‌میگردید.

گذشته از همهٔ این‌دلایل نه‌ایتالیا ونه یو گو سلاویا حاضربودندجنگ سرد شانرا بر مو ضوع تر یست بکدام محاربهٔ خو نین که شا ید به مو فقیت هیچ یك تمام نمیشدمبدل سازند.

نمای از شهر غزنی با ستان که‌از فراز کوه عکاسی شده است .

غرفه های نساجی وصنایع‌دستی افغانستان

گزارش از: مریم‌محبوب‌افسری (تهران-ایران)

صنایع افغانستان در سومین نمایشگاه بین‌المللی آسیائی

سومین نمایشگاه بین‌المللی تهران باشرکت ٤٤ کشور جهان بروز بیست ودوم میزان درتهران افتتاح گردید تاسیسات این نمایشگاه برمساحتی بوسعت ۰۰۰ر۰۰۳ر۱ متر مربع نمایشگر عظیم ترین نمایشگاهی است که تاکنون درمحل دایمی نمایشگاه های‌تهران تشکیل شده است .

این نمایشگاه از ساعت ۸ صبح بعدازظهر بروی تماشاچیان بازبود و هرگونه وسایل ارتباط جمعی، برای سهولت درکار وجلوگیری ازاتفاقات ناگوار دراختیار مردم قرار داشت . قبل ازاینکه تماشاچی وارد محوطه نمایشگاه میشود، ازفاصله های چند متری بیرق ٤٤ کشور دنیا باتزئینات خاص خود شان، توجه بیننده راجلب میکند. بیرق افغانستان باعظمت وجلال ، همردیف بابیرق ایران وسویس قرار داده شده است .

داخل محوطه مملو از هیاهوی تماشاچیان دادوفریاد کودکان ، آواز خنده ها وقهقهه های تماشاچیان است.گاه بگاه صدای‌دلنشین

دروازهٔ دخولی نمایشگاه صنایع‌افغانستان درتهران

صنعت‌دستی افغانستان باردیگر علاقمندان بیشتری کسب کرد.

بیرق های کشور های اشتراك کننده

نمایی‌ازنمایشگاه بین‌المللی تهران

مهستی فضاراصمیمی تر میسازد ودل ها را شادتر ، بسوی نمایشگاه می کشاند. این جا وآنجا به فاصله های هرچند قدم، غرفه های کشور های گوناگون قرار دارند که با آرم مخصوص کشور ایران مزین گردیده است . بداخل هریك ازاین غرفه هادخترها با خنده مليح خويش ازتماشاچیان پذیرایی میکند و باجبین بازبه سوالات شان پاسخ میگوید .

دراین محوطه بزرگ وبی سروپا همه‌چیز مساعد است . تماشاچی هیچ زمانی دچار اشکال نمی شود وبه خوبی میتواند به‌کمک راهنماغرفه مورد نظر راپیدا کند .

من بالاخره بعدازدیدن چند غرفه‌کشورهای مختلف موفق میشوم ازغرفه صنعت دستی افغانستان دیدن کنم. این جابازهم غرفه افغانستان وایران ردیف هم قرار دارند . ازدحام تماشاچی درهردو غرفه زیاد است . مردم بلاوقفه دررفت وآمدند. به‌مشکل میشود راه رابازکرد وداخل غرفه شد. صدای گرم احمدظاهر فضاء سالون راانباشته بود . گاه‌گاه هم آهنگ ملامحمد جان مهوش همه را بسویش معطوف می ساخت .

به هریکی ازغرفه های صنایع دستی‌افغانی دخترایرانی فروشنده بود وایرانی هاخریدار. همه صنایع که به نمایش گذاشته شده بود، بفروش مردم رسید. مردم تلاش میکردند ، تاجنس خوبتری رابه قیمت نازلتر دستگیر کنند .

خانمها به محل لباسهای ملی افغان وزیور آلاتش یورش برده بودند . دختر خانم هاهر کدام بنوبه خود پوستینی رابدست داشتند وبدقت بسویش مینگریستند. از موقع‌استفاده کردم نزدخانمی که لباس افغانی را قیمت میکرد نزدیك شدم، خواستم نظرش رادرمورد صنعت دستی افغانی بپرسم . خانم اول‌خنده کرد، مثل اینکه غافلگیر شده باشد. نگاهی به دودختر جوان‌که بغل دستش ایستاده‌بودند افگند بعد گفت :

لطفاً ورق بزنید

قالین های افغانی علاقمندی همه‌ای تماشا چیان رابخود جلب‌نموده بود.

پوستین افغانی بازار گرمی داشت وخانم‌هاباخریدن خویش این گرمی رادوچندان ساخته بودند
صدای مهوش افغانی باردیگر در گوش ها طنین اندازشد وعلاقمندان خویش رابه‌اطرافش جمع کرد
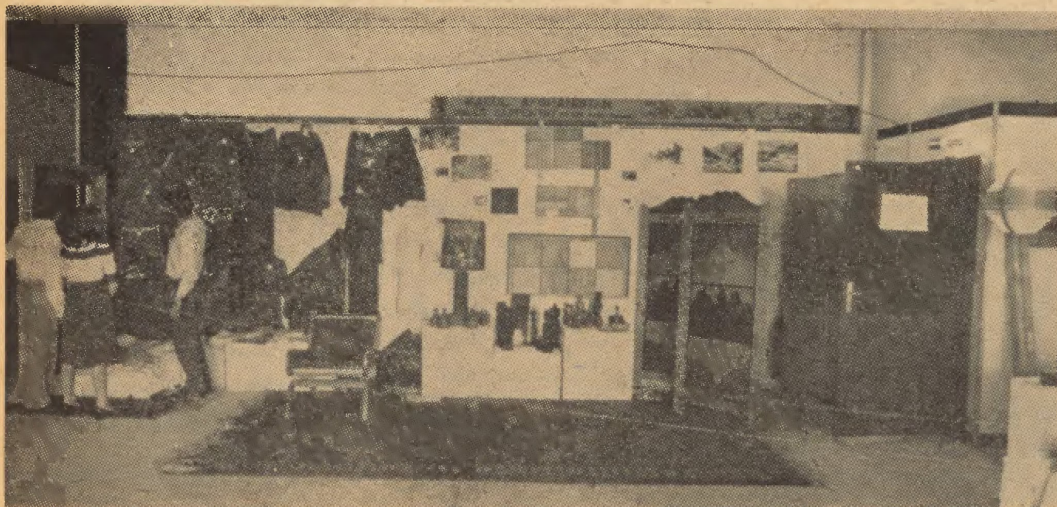
صنایع دستی وسوزن دوزی افغانستان

- والا... صنعت دستی افغانستا خیلی قشنگ است. اماخیلی هم گران.

بعد گفت :

شاید حقشان باشدکه قیمت گزافی بالای جنس گذاشته اند .

پرسیدم :

کدام یك ازاین ساخته های دستی را می پسندید؟زن که تقریبا چاق‌هم بود،خواست پاسخ بدهدکه‌ناگهان‌یکی ازآن‌دخترهاصدازد.

- قشنگتراز همه لباس های بلند وزیور آلاتی است‌که عقب ویترین هاآویخته شده است .

بعداز مکثی ادامه داد :

- البته هرچیزیکه بادست ساخته میشود قابل احترام است، ولی بعضی از آنها

همه ساله درماه سپتمبر نمایشگاه بین‌المللی درتهران بر گزار میگردد
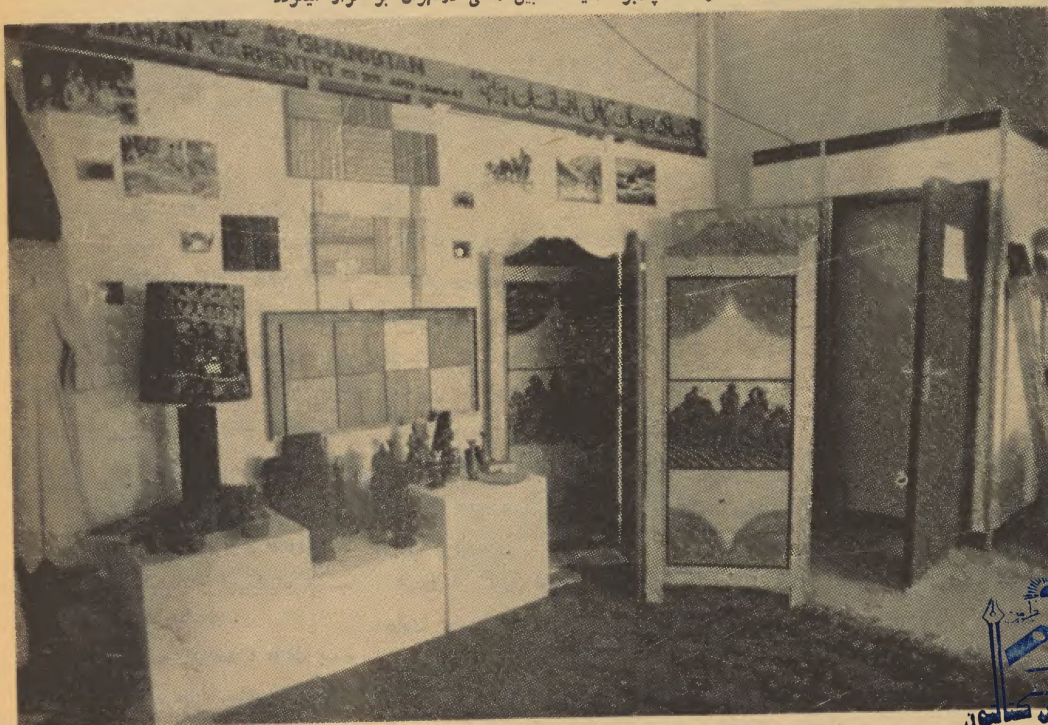
غرفهٔ نجاری وچوب کاری

غرفهٔ پوستین وپوستینچه

خصوصیات فوق العاده تری نسبت به‌بعضی کارهای دیگر دارند که این میتواند ، بـرای جلب مشتری بطور کلی موثر باشد .

بعداشاره کردبه گردنبند نقره یی کـــه بانیگینه های سبزمزین شده بود وگفت :

ـ این گردنبند قشنگست، اماظرافت ندارد، ولی آن دیگر که تعداد نیگینه هایش کمتـر است ودر ساختش ظرافت زیادی به خرچرفته که میتوان امتیازش رادر همین دانست .

خانمها چند دست لباس خریدند وبعدرفتند سراغ دیگران .

منهم فرصت رامساعددانستم، رفتم باآقایی که پشت هم میخواست قیمت پوستینـی را پائین بیاورد .

بااو داخل گفتگو شدم . اودرمورد سوال گفت :

ـ من علاقه وافری به صنعت افغانستـان دارم . به خصوص پوستین هایش زیادمورد توجه ام است .

پرسیدم :

ـ خرید پوستین آنهم درنمایشگاه برایتان قیمت تمام نمیشود؟ لحظه‌یی مترددماند.

نظری به پوستی سفید رنگ انداخت . بعـد دستانش رابه هم گره‌کرد. شاید میخواست باخودش محاسبه یی بکند. ناگهان گفت :

ـ چون زیاد علاقه دارم مجبور می خرم . ولی آنقدر هاهم قیمت نیست . فقط چندتومان به قیمت اصلیش افزوده شده .

گفتم :

چه چیزباعث شدکه شما پوست افغانی را بپسندید ؟

خنده ای بلندکرد . سرش راآرام آرام‌تکان دادو گفت :

ازنظر جنسیت وداشتن پشم خوب توجه مرابه خود جلب کرده است . واین نه تنها منم که پوست افغانی رامی پسندم، بلکه همه ایرانی ها آنرا می پسندند.

چون وقت خیلی کم بود. ازاوخدا حافظی کردم وبادوستانم به‌غرفه‌ایکه صنعت چـو بی افغانی قرار داشت آمدیم . دسته گلی زیبا وسط غرفه بالای میزی که‌کناره هایش ظریف کاری شده بود قرار داشت . مشتریان اینجا هم‌جمع شده بودند. چندیست چـوکی ، دو دروازه پرده مانند، باشبکه کاری های ظریف. البته این نمونه صنعت چوبی افغانســت . نمونه یی ازآن دستهائیکه باسخترین افزارکار چنین چیزهای ظریفی به مردم عرضه میکنند، راستی سخت توجه هارابه خود جلب‌کرده‌اند.

کیهان نوردان امریکایی در کابل

قراردادن بزرگترین سامان آلات به‌مدارماه

بیش‌از۴۸ روزپروازدر مدار زمین

بناغلی ویلیم پوگ کیهان نورد امریکایی که اخیراً به‌کابل آمده بود

دگروال ستیورات روزا ودگروال ویلیم ریدپوگ دو کیهان نورد برجسته وشجیع امریکایی که تحت پروگرام سپورت های (مردم بمردم) بکابل آمده بودند در دومین روزاقامت شان درکابل بساعت سه ونیم بجه بعدازظهر ۱۹ میزان درتالاررادیو افغانستان پیرامون‌مسافرت هایشان‌به‌مهتاب ومدارزمین‌و چشم دید شان ازین مسافرت معلومات مطول ارائه نموده وضمن نمایش فلم های ازاپولوی ۱۴ وسکای لاپ ٤ هرکدام برای مدعوین در اطراف فعالیت هایشان و تجربیاتیکه کسب نموده بودند روشنی افگندند .

دگروال ستیورات روزاگفت : ماتنها به کشور ایالات متحده امریکا تعلق نداریم بلکه مامربوط به تمام جهان هستیم .

دگروال پوگ‌گفت: من فکرمیکنم مارکوپولو کاری بزرگتری ازما انجام داده است . منتها ماقسمت های بیشتر زمین رامورد مطالعه‌قرار داده‌ایم. مطالعاتیکه نمیتوان آنرا از سطح زمین انجام داد .

پس ازختم کنفرانس ونمایش فلم های ازاپولو ۱٤ وسکای لاپ ٤ دگروال روزا و دگروال پوگ به سوالات یکتعداد ازمدعوین جواب گفتند .

متعاقبا دگروال روزا وپوگ در کنفرانس مطبوعاتی اشتراک‌نموده وبه سوالات نمایندگان روزنامه ها، مجلات ورادیو افغانستان جواب گفتند .

دگروال ستیورات روزا ودگروال ویلیم ریدپوگ دوشخصیت برجستهٔ فضایی ایالات متحده امریکا ازتاریخ ۱۷ـالی ۲۱ میزان در افغانستان اقامت داشته واز بعضی مناطق باستانی دیدن خواهند کرد .

کیهان نوردان تحت ادارهٔ کمیتهٔ سپو رت های مردم بمردم نظربه موفقیت های فضایی وعلاقمندی شان به سپورت به این پروگرام انتخاب گردیدند .

هردوی این کیهان نوردان در مسافرت های اپولوی چهارده هم وسکای‌لاب چهارم‌شمولیت ورزیده بودند .

طی مسافرت شان کیهان نوردان مدال های فضایی راکه بالای مهتاب حمل نموده بودند وعکس هایی راکه توسط سکای لاب از افغانستان ونیپال اخذ گردیده بمعرض نمایش قرار دادند.کیهان نوردان همچنان کتب وسمی ادارهٔ ملی فضانوردی امریکارادرموردماموریت های اپولو ۱٤ وسکای لاب چهارم را نمایش دادند .

هشت تن ازاعضای کمیتهٔ سپورت های مردم بمردم بریاست داکتر لیونارد ملتن که یك انجنیر وتاجر میباشد درین مسافرت باکیهانوردان همراه بود . کمیته وسایل‌وآلات سپورتی رابه تیم های مختلف ومدالهای مردم بمردم رابه سپورتمین های محلی توزیع خواهند کرد .

دگروال پوگ که بتاریخ اول سپتمبر از قوای هوایی متقاعد گردید یکتن از اعضای ماموریت سکای لاب چهارم تاریخی ترین پرواز درتاریخ ماموریت های حامل انسان در فضاء بوده‌که اساس مسافرت ها ی آیندهٔ کیهانی رابناء نمود .

دگروال پوگ درین اواخر بدریافت جایزهٔ جنرال وایت ایرفورس ترای که سالیانه به آن عده مامورین ملکی ونظامی قوای هوایی امریکاکه سهم بسیار برجسته ای به‌پیشرفت فضانوردی امریکا حاصل نموده باشند اعطاء میگردد موفق گردید . این جایزه باساس موفقیت های وی بحیث یك پیلوت‌سکای‌لاب چهارم‌که سومین وآخرین ماموریت حامل‌انسان ورکشاپ دوران سکای لاب میباشد اعطاء گردید .

دگروال روزایکتن از معاونین رئیس وعضو بورد کمیته سپورت های مردم بمردم ویکتن ازپیلوت های سابقه دار تجربیات امتحانی بوده‌که قوماندان سفینهٔ اپولوی ۱٤ در سال ۱۹۷۱ بود. وی درمدار ماه بحرکت درآمد ویکتعداد عکسهایی ازآن برداشته وتجربیات بعدی رادر حالیکه کیهان نوردان دیگر درروی ماه پیاده شده بودند انجام داد .

دگروال روزا نظربه موفقیت های چشمگیر خوددرسال ۱۹۷۰ بدریافت مدال خد مات برجسته (ناسا) موفق گردید. وی در حدود ۱۰۰ره ساعت ریکارد پرواز داردکه ٤ر٤٠٠ آن به پرواز های طیارهٔ جت ازسال ۱۹۵۳ باینطرف صورت گرفته است .

تجاربش منحیث یك پیلوت منجر به انتخابش بحیث پیلوت سفینهٔ مادیول برای ماموریت های اپولو ۱۶و۱۷گردید .

همچنان دگروال پوگ بحیث یك پیلو ت

کیهان نـوردان اپولـوی ۱٤، الن شپرد ستیوارت روزاو ادگرمیچل حینکیه‌درمجلس نمایندگان پیرامون سفرشان درفضا معلومات میدهند.

درفوتو پیلوت محفظهٔ قومانده اپولوی۱٤ ستیوارت روزا بامدال اپـولو درپس منـظر عکس دیده می‌شود.

تجربوی امتحانی قبل ازاینکه کیهان نوردگردد عضو انجمن تحقیقاتی امریکا میباشد. درسال ۱۹۷٤ وی مدال خدمات برجسته ناسا را به دست آورد .

برای اینکه ازنگاه فزیکی سالم بمانـد دگروال پوگ به دوش ، پدل بال وهندبال مصروفیت دارد. مصروفیت های دگروال روزا راشکار وماهیگیری تشکیل میدهد .

هردوی این کیهان نوردان متاهل بوده و خانـم دگـروال روزا باشوهـر ش دریـن مسافرت همراه بود .

کمیته سپورت مردم بمردم برای نخستین بـار درسال ۱۹۵٦ توسط ایزنهـاور رئیس جمهور وقت اساس گذاشته شد. مقصد از تاسیس کمیته آنست تاساکنین امریکا تلاش های حکومت رابرای توسعه تفاهم ودوستـی بین ایالات متحده امریکا ومردم دیگر نقاط جهان امکان پذیر سازند. ازراه تـا سیس موسسات سپورتی پروگرام های این کمیته روی پیشرفت سپورت هامعطوف شده است.

این کمیته مسوولیت ارسال هیات هارادر خارج جهت شمولیت در سپورت هایی ازقبیل: باسکتبال، فتبال، تینس ،آب‌بازی، بوکسنگ هاکی وغیره به عهده دارد .

این تروپ همچنان اهدای وسایل وسامان سپورتی راکه ازراه شرکت های امریکایـی به گروپ های جوانان درخارج صورت‌میگیرد تشویق مینماید. ودرحدود هزاران بسته های سپورتی رابه‌بیشتراز ٤۰مملکت ازراه‌پروگرام اهدای وسایل سپورتی توزیع نموده است .
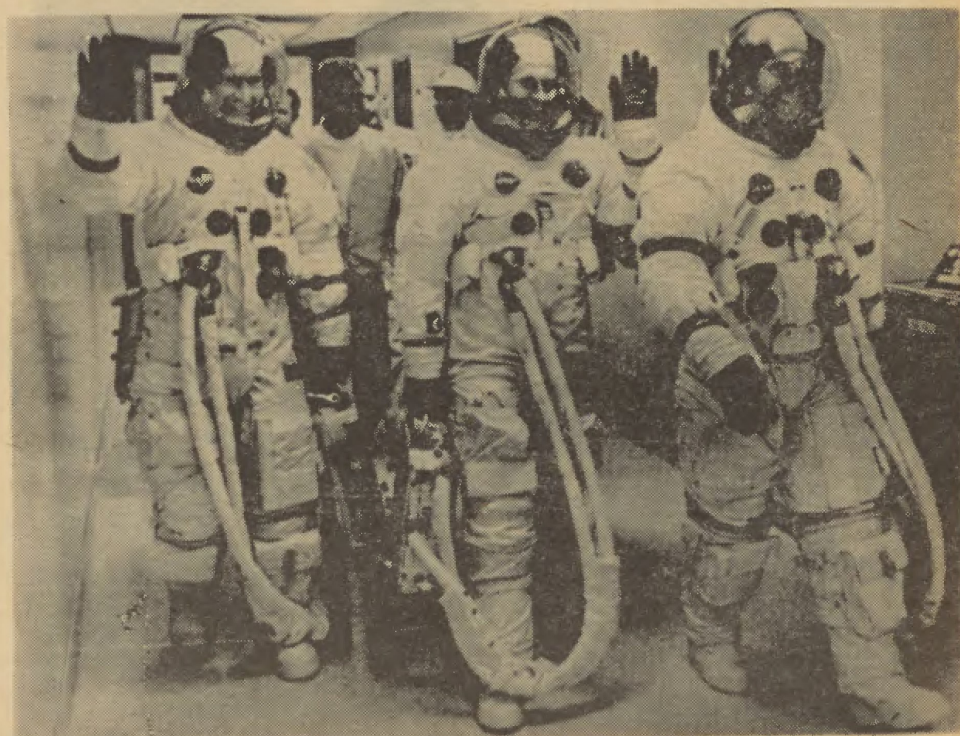
کیهان نوردان حینیکه جانب آشیانهٔفضایی خود روانند وبامردم زمین خداحافظی میکنند تابطرف ماه بروند.

مصاحبه کننده : احمد غوث زلمی
عکس هااز نجیب آصفی

نوشین آوازخوان تازه‌در آسمان‌هنر

• آوازش شباهت بسیار به مهوش‌دارد.

• نوشین میخواهد درپهلوی آواز خوانی ستاره سینما شود.

معرفی شویم

نامش نوشین شور انگیز است، وتازه درآستانه شانزدهمین بهارزندگیش‌قدم نهاده. درصنف هشتم لیسه‌آمنه فدوی درس میخواند وسخت علاقمند به هنر موسیقی وآواز خوانی است .

نوشین دریکی از پروگرامهای مسابقـات ذهنی رادیو افغانستان کنسرتی اجرا نمـود. وفردای آن نامش سرزبانها افتاد .

بخاطراینکه آواز گرم وپر تموجی دارد و برخوردار ازنارکت هاست که احساس ترغیب کنندهٔ رادر وجود آدم بیدار مکند .

آوازش شبیه مهوش است . مهوش که هم اکنون دراوج شهرت قرار دارد وشاید هـم بهمین سبب نوشین توجه همه رابخود جلب کرده است .

روی همین انگیزه که آواز نوشین را یکعده ازمردم مخصوصا جوانان پسندیده اندخواستم بانوشین مصاحبه ای انجام دهیم تا این چهره جدیدهنری راخوانندگان مابیشتربشناسند وبا نظریات وطرز کارش آشنایی بیشتر حاصل بدارند .

وقتی پا ی صحبت نوشین می نشینـــم بی تعارف وبدون تشریفات معمول سوالاتـم رامطرح میکنم چون اونیز دختری بی تکلـف وخود مانی به‌نظر میرسد.

ازاو می پرسم :

ـ چه مدت میشودکه به آواز خـــوانـــی پرداخته ای وهم بگوکه تاحال چند پارچـــه آهنگ درآرشیف رادیو داری ؟ نوشین کـه دختر محبوب وآرام ولی کمی جدی به نظـر میرسد ، بلافاصله میگوید : من دریك محیط هنری بزرگ شده‌ام، پدرم ومادرم خـــود از هنرمندان کشور هستند،موقعیکه پدرم‌دررادیو آهنگهای می خواند، من درخانه آنها را زمزمه میکردم، آنوقت درحدود پنج یاشش ســـال داشتم . آهسته آهسته آهنگ های مکملی راباخود زمزمه میکردم ودرمحفل های‌خانوادگی اشتراك مینمودم روزی آوازم رادریك محفـل درتیپی ثبت کردند، بعدا آنرا بدقت شنیدند ومراتشویق نمودند وبرایم کف زدند تااینکه دربرج ثور امسال به رادیو مراجعه کـــردم واولین آهنگم راکه (به توای فرشته ی شعر من) نام دارد وشعرآن از طهوری وآهنگش از پدرم است ثبت نمودم وتاحال پنج پارچـــه

بیغله نوشین شور انگیز آواز خوان جوان که‌تازه به‌جهان موسیقی گام نهاده است.

دختران باید دنبال مود پرستی‌هاراگذاشته درپی تحصیل علم ودانش باشند.

بعقیده نوشین درباره موقف زن دراجتماع چنین نظر دارد:
زن سازندهٔ اجتماع است .باید به‌مقامش احترام قایل شد وآنرا ارزشمند شمرد.

آهنگ دررادیو دارم .

– پیش آمد کارکنان رادیو مقابلت چگونه بود ؟

– خیلی عالی، خصوصا ازهمکاری مدیریت موسیقی ممنون هستم .

– وقتیکه آوازت را باراول ازورای‌امواج رادیو شنیدی چه احساس کردی ؟

– خیلی خوشحال بودم، ازخوشی درپوست نمی گنجیدم ، حتی باورم نمیشد که این‌آواز ازمن باشد . آنوقت فهمیدم که میتوانم همکار خوبی برای رادیو کشورم باشم .

– آخرین آهنگت راکه دررادیو ثبت‌کرده‌ای کدام است ؟

– آخرین آهنگم ، (منکه از غصه به جان آمده‌ام، بازمپرس) نام داردوآهنگ آنرامسرور ترتیب نموده است که درهمین نزدیکی ها آنرا خوانده ام .

– ازجمله آهنگهایت کدامش را بیشتر می پسندی ؟

– همه آنهارادوست دارم وفرقی بین شان قایل شده نمیتوانم .

می پرسم – استادت دراینراه کیست ... حرفم راتمام نکرده ام‌که فورا میگوید: ذوقم استادم است، میگویم: خیلی خوب، مشوقی هم دراینراه داری‌یااینکه مشوقت هم‌خودت...

به همان لهجه میگوید: مشوق اصلی ام در قدم اول مادرم وبعدا، پدرم ودیگر اقارب نزدیك ماکه به موسیقی علاقه دارند هستند .

– شماکه فعلا متعلم مکتب هستید، درآینده درپهلوی این هنرتان میخواهیدچه رشته ایرا انتخاب کنید ؟ خودرادر چوکی راست میکند وشمرده شمرده میگوید :

– میخواهم تنها وتنها رشتهٔ موسیقی رادر آینده‌دنبال نماییم وتحصیلات عالی تری‌دربن رشته داشته باشم .

– حالا ازت میخواهم تانظرت رادر باره موسیقی افغانی بگویی ؟

– موسیقی افغا نی‌که مورد پسند همه هنردوستان مخصوصا خارجیان است، فکر میکنم، خوانندگان فعلی بطور شاید وباید نمیتوانند آنرا انکشاف دهند ودر پرورش آن بکوشند .

– چرا؟ – ازسببی‌که یك تعداد ازخواننده های ماتوجه بیشتری به موسیقی دیگران‌دارند تاموسیقی خودمان .

– پس برای پیشرفت وانکشاف بهتر آن چه عقیده داری ؟

– والله، تاجاییکه عقل من‌قدمیدهد، باید آواز خوانان ماموسیقی اصیل افغانی راهمیشه ودرهر جاکه آواز میخوانند، بسرایند و در انکشاف بهتر آن سهم بگیرند . آهنگها ی محلی راکه زاده همین مرزوبوم است، آنرا کمپوز نموده دررادیو، محافل و مجالس بخوانند. ضمنابه نظرمن مکتب های موسیقی وتاسیس انستیتوت های آوازخوان نیزمیتواند دراینرا کمك های شایانی نماید .

– به آواز کدام یك ازهنرمندان ما علاقه داری ؟ خندیده روبطرف پدر خود میکند و میگوید: کدامش‌رابگویم،مداخله‌نموده میگویم، هرکدام راکه خودت می پسندی ، فکر میکنم بدرت دراینباره بیطرف باشد همینطور نیست، آقای شور انگیز ؟ شورانگیز حرفم راتایید نموده به نوشین میگوید: هرکدام را که‌خودت می پسندی بگو، این نظرشخصی توست ، من چیزی گفته نمیتوانم .

لحظه‌ای درترددودولی میماندکه چه بگوید، بالاخره میگوید: به آوازتمام هنرمندان رادیوی کشور علاقه دارم، خصوصا آواز های استاد سرآهنگ ، الطاف حسین احمدولی وزیلا.

– درباره گروه های هنری چه میگویی، آیا تاحال کنسرت کدام گروه هنری! رادیده وشنیده ای ؟

– امان ازدست این‌گر وه ها، بلی شبی دریك محفل یکی از ین گروه ها، کنسرت میداد، چنان هیاهوی بی جاراه انداخته بودند که همه مدعوین از شنیدن آن بیزار شده بودند ونمیخواستند دگر اضافه تر از آن بشنوند .

– چرا، میتوانید علتش راتوضیح کنید ؟

– بلی، همان کیفیت خاصی که در موسیقی وجود دارد، شنونده نمیتواند، آنرا بصورت درست وصحیح حس کرده و حظ ببرد .

امابازهم تعداد انگشت شمار این گروه ها نسبت به سایر ین آن خوب است و میشود بالایش حساب کرد، به شرطیکه افراط رادر خواندن های بیگانه به سرحدآن نرسانند...

نمیخواهد چیزی اضافه کند که باز هم می پرسم .چه آرزوی درزندگی داری ؟ چشمانش به اصطلاح راه می کشد وسکوت می‌کند، فکرمیکنم سوال خوبی‌مطرح نکرده‌ام.. درهمین خیالم‌که ازخاموشی برآمده روبه‌طرف پدرخود نموده میگوید: میخواهم، روزی را پهلوی هنر موسیقی ، ستاره سینما شوم ودر روی پرده سینما ظاهرگردم، میدانید به‌سینما علاقه زیاد دارم .

سوال میکنم‌که در باره بعضی از دختران مودپرست وسویهٔ تحصیلات شان چیزی‌گفتنی دارید یاخیر؟ کمی‌جدی شده جواب میدهد:

– بعضی ازدختران مادر مودوفیشن افراط میکنند، به نظرمن برای یك دختر افغان دور ازافغانیت است‌که بدنبال مودوفیشن بیگانه برود، اینان باید به علمیت ودانش خود توجه داشته باشند، زیراچشم وطن متو جه همه جوانان اعم از دختر وپسر است، باید این کشوررابه معراجش رسانید، دختران باید ، دنبال مودپرستی وفیشن را بگذارند حالا دگر آن دوران تنبلی هاگذشته ، باید کار کرد وزحمت کشید، خصوصا که امسال سال ز ن نیز است .

«لطفا ورق بزنید»

ـ به نشرات کشور علاقه میگیری ؟
ـ بلی رادیو راخصوصا پروگرام ها ی ازهرچمن سمنی، زمزمه های شب هنگـام ، کورنی ژوند ورادیویی مجله رامی شنوم . بعضی ازروزنامه هاومجلات وازجمله مجلـه ژوندون رامیخوانم .
ـ منکه ازشما قبلا پرسیدم که در خانه چه مصروفیت دارید، وشماهم جوابم رادادید، امادر جواب تان نگفتیدکه رادیومی شنوید یا مجله میخوانید، پس کدام وقت رابه‌سرگرمی بااینها تخصیص داده اید ؟
ـ میگوید: عفو میخواهم اگر درجوابم ذگر نکردم، امامن راست میگویم .
ـ چرابعضی ازآواز خوانان مازود مشهور میشوند وهمانقدر هم زود ازشهرت می‌افتند؟
ـ کمی امام کرده ، بالاخره روبه طـرف پدرخود میکند، فکرمیکنم ازاومشوره میخواهد امادوباره بطرفم دیده میگوید: فقط یك جمله میگویم وشما هم آنرابنویسید ...
ـ بسیار خوب !
ـ بنویسیدکه ، ذخیره هنری یابهتربگویم، اندوخته هنری ایندسته‌کم میباشد ونمیتوانند ذخیره هنری خودرا بالاببرند وماچه خوب یك ضرب المثلی داریم که میگویند: (چانته‌خالی میشود). فکرمیکنم همین ضرب المثل، جواب سوالتان راحل کرده باشد !
ـ میگویم فقط من‌نظرتانراخواستم،شماهرچه که بگویید مینویسم ، می پرسم، .
ـ تاحال چند کنسرت انجام داده ای ؟
ـ فقط یك کنسرت آنهم بنابدعوت رادیـو افغانستان دریکی ازمسابقه های ذهنی رادیو درتالار کابل ننداری .
دراخیر ازنوشین میخواهم تا اگر پیامـی برای خوانندگان عزیزمجله‌ژوندون وعلاقمندان آوازش داشته باشد، بگوید تاآنرانیز نشـر کنیم، .
... واینطوراظهار نظر مینماید : ازینکـه چندپارچه محدود مرا شنوند گـان رادیـو افغانستان استقبال نیکی نمودند وهمیشه‌توسط تیلفون ومکاتیب‌مرا تشویق نموده ومی‌نمایند یکعالم تشکر نموده واز ینکه خوانندگـــان محترم مجله ژوندون نیـز زحمت خوانـدن مصاحبه مرابخود میدهند سپاسگـذارم واز ایشان بدینوسیله تشکر میکنم و امیدوارم بتوانم تادرآینده هنرناچیزم راپیشکش شـان نمایم .

نوشین خواننده خوش آواز علاقه دارد درپهلوی هنر موسیقی ستاره سینما باشد.

ـ ازسال زن یادآوری‌کردید، لطفا درینباره کمی بیشتر صحبت کنید .
ـ سال زن‌که امسال تجلیل میشـود، از افتخارات تمام زنها درسراسر دنیاست، چه همین تجلیل ازمقامش موقف آنرا در اجتماع نشان میدهد ومی نمایاند که زن سازنده‌است، زن سازنده فامیل است وفامیل وخانـــواده سازنده اجتماع، پس گفته میتوانم کـه ز ن سازنده اجتماع است، باید به مقامش احتـرام نمود وآنرا ارزشمند شمرد . من در حالیکـه به‌این سال افتخار میکنم . امیدوارم‌همیشه زنان ودختران مامصدر خدمات نیکی به جامعه واجتماع وکشور ماشوند تااین خاك مانـنـد همیشه به دختران پرورده دامان خود فخـر کند .
ـ درخانه چه مصروفیت داری ؟ میخواهد پدرس چیزی بگویدکه حرف پدر خودراگرفته جواب میدهد : درخانه به تدبیرمنزل میپردازم وهمراه مادرم درکار های خانه‌کمك‌مینمایم. وهم درس های مکتب وکار های خانگی راکه به ماوظیفه میدهند انجام میدهم درخـلا ل بیکاری موسیقی می شنوم وموسیقی مشــق وتمرین مینمایم .

اضافه تولید در جهان صنعتی و گرسنگی در جهان سوم!

بحران گرسنگی

میزان قلت و ذخیره‌مواد غذا ئی از پایان جنگ جهانی دوم به بعد هرگز مانند سالهای ۱۹۷۲و۱۹۷٤ نبوده است .

مازاد مواد غذائی که در خزان سال ۱۹۷٤ ذخیره شده بود صرف حوایج ۲٦ روز نفوس جهان‌راکفایت میکرد در حالیکه ذخیره حبو بات سال ۱۹۷۲ در حدود ٦٦روز و ذخیره سال ۱۹٦۲ تقریبا برای ۸۸ روز نفوس جهان کافی بود .

در عر صه جهان‌قیمت‌موادغذائی بصورت سر سام آور بلند میرود و تقاضای جهانی در برابر موادغذائی نیز رو به افزایش است و د ر برخی از کشور های روبه انکشاف مردم قسمت عمده عواید شا نرا صرف تهیه مواد غذائی میدارند .

دربین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹٦۰ رشد نفوس در جهان سالانه بطور اوسط ۲ر۵ فیصد بود و پایهٔ رشد تولیدات مواد غذائی به ۲ر۷ فیصد میرسید مگر امروز میزا ن رشد نفوس سر یعتر ازمواد غذائی‌است. نیمی از نفوس جهان یا از مواد غذائی کافی محروم اند یا به سوء تغذیه و کمبود آن دچارند . نفوس جهان رو به انکشاف ا کثراً د ر تلاش معاش ودر جستجوی غذای لازم برای ادامه حیات بسر میبرند مگر این نفو س پیو سته خسته، ضعیف ، دستخوش مریضی ها و اسیر این دور و تسلسل هستند که ضعف جسمانی آ نها هم ناشی از همین سوء تغذیه ، کمبود وقلت آن بوده و باعث کا هش سطح مولدیت کار ازحد متوسط میباشند. سوء تغذیه ، کمبود و نا کا فی بودن مواد غذائی عده‌ای زیادی از کود کا ن را تا ۱۲ سا لگی‌بکام مرگ می کشاند و آ نعدهٔ که ازاین مر حله جان بدر می‌ب رند ا کثرا به کندی رشد جسمانی یا عقلا نی یا هردو دچار میشوند اگر پا یهٔ رشد گرسنگان بهمین سطح دوام داشته باشد در سال ۱۹۸۵ تعداد گرسنگان در جهان به ۷۵۰ ملیون خواهد رسید . نظر به تحقیقا ت ساز مان ملل متحد هر سال ۷۵ تا ۸۰ ملیون نفر یعنی‌روزانه۲۰۰۰۰۰ نفر برنفوس جهان افزوده میشود ودرسال ۲۰۰۷ بصورت مجمو عی در سیارهٔ ما ۷ر۷ ملیارد انسا ن زندگی خواهد داشت که همه آ نها باید برای خود غذا تهیه بدا ر ند

در ختم‌کنفرانس جهانی نفوس‌در اگست سال ۱۹۷٤ در بخا رست این حقیقت واضح گردیدکه‌افزایش نفوس در نخستین مر حله ، تنها یك پرابلم بیو لو ژیکی نبوده بلکه حاصل‌عوامل متعددی‌چون اقتصادی، کلتوری ، اجتماعی و سیاسی نیز می‌باشد که تا حال کمتر زیر تاثیر انسان آمده است . بین عرضه و تقاضا مواد غذائی در ممالك رو به انکشاف خلای بزر گی وجود دارد، مردمان این جهان یا بحالت کمبود غذا و گر سنگی بسر می برند ویا اینکه حوایج شانرا بوسیله واردات تکافو می بخشند .

اگر تعداد نفوس و رشد نفوس دراین جها ن طوریکه پیش بینی می‌گردد ، افزایش یابد ، ضرو رت تورید مواد غذائی ممالك رو به انکشاف از ۲٤ ملیون تن در سال ۱۹۷۰ به ۱۱۲ ملیون تن در سال ۲۰۰۰ بلند خواهد رفت و ارزش پولی این مقدار از ۵ر۲ ملیون دالر به ۱۸ ملیون دالر بلند خوا هد رفت . ممالك رو به انکشاف از دو ناحیه به تو رید مبادرت میورزند :

واردات تجارتی و کمك های غذائی چون ممالك رو به انکشا ف از نگاه ذخیرهٔ اسعاری بمشکلا ت دچارند و نمی توانند نیاز مندیهای غذائی شانرا از راه واردات تجارتی مر فوع بسا زند. کمك های مواد غذائی خیلی نا چیز بوده وکمکهای مذکور بمقایسهٔ امداد های تخنیکی وسر مایوی برای کشور های روبه انکشاف زیان های اقتصا د ی بار می‌آورد .

مگر مهمترین نقش کشور ها ی بیشرفته در مو رد حل معضله گرسنگی جهان اینست که‌حجم کمك های تخنیکی و سر مایوی زابرای کشور های که پرو گرام های پلان گذاری فا میلی را روی دست‌دارند، افزایش بد هند وتحقیقات‌ومطالعات شانرا در رشته های دیموگرافیک، بیولوژی ولادی و سو سیو کلتورل وسعت بخشند و صرف حقا یق و دیت هارا بدسترس کشور هاروبه انکشاف بگذارند و لی نبایددرزمینه فشاری وارد نما یند .

ممالك رو به انکشاف بایدمبارزه علیه گر سنگی را نکشاف بد هند ودر پی طرح پرو گرام های پلا ن خانواده باشند و هر کشور پلانهای ملی را در این سا حه طرح وتطبیق نمایند وهم انقلاب سبز را تقویت

بقیه در صفحه ۵۱

شیوه تولید کهنه در جهان‌سوم‌سطح تولید را پائین میاورد.

سرزمین بهترین گل گلاب جهان

کشوریکه عایدات ملی خودرا از توریزم بدست میاورد

بهترین مملکت توریستی

جمهوریت مردم بلغاریا

بلغاریا یکی‌ازکشور های جمهوری اروپایی است‌که درجنوب جزیره بالقان کنار بحیره سیاه موقعیت دارد وباجمهوریت های رومانیا ترکیه‌اروپایی،یونان ویوگوسلاویاهمسرحداست ازشهرهای بزرگ ومعروف‌آن باواندیف،وارنا روزی وسیلون میباشد . زبان رسمی این کشور بلغاریایی وپول رایجه آن (لو) مساوی بصد استوتنیك میشود. هشتاد وپنج فیصد اهالی این کشور را بلغاریایی ، ٨ر٦ فیصد راترك ، ٢ر٦ فیصد راسگین و٥ر٢ فیصد متباقی را سیدونها تشکیل میدهد . قسمت اعظم نفوس بلغاریا در زراعت ٢ر٤٣ فیصد مشغول اند منجمله ٦ر٢٧ فیصد در صنایع ٣ر٧ درساختمانی و٢ر٥ درترانسپورت اشتغال دارند ودرحدود ٤٥ درصد مردم درشهر ها حیات بسر میبرند . روزملی این جمهوریت سوسیالیستی ٩ دسامبر که روز آزادی کشور مذکور بوده واز ١٩٤٤ باین طرف مداراعتبار میباشد. صوفیه‌پایتخت وبزرگترین‌شهرمملکت واستامیون مهم خط آهن اوریانت اکسپرس بوده اهمیت حربی نیز دارد . برعلاوه صوفیه مرکز مسلمین بلغاریا بوده دارای مساجدعالی مخصوصا یك مناره ای که دارای ساختمانی عالی اسلامی وبهترین ارکتیك میباشد تمام مسلمین بلغاریا ازطرف اداره ای مرکزی مفتی مسلمین درشهر صوفیه اداره میشود. وظیفه مفتی رسیدگی باملاك مسلمین، عقد و طلاق میباشد. اداره مفتی دروسط شهر صوفیه درعمارت ٤ طبقه‌ای میباشد. این رئیس‌روحانی بمطالب مذهبی، روحانی، اجتماعی، تعلیم و تربیه مسلمین شهر صوفیه رسیدگی‌می‌کند. وتحت سرپرستی مشارالیه انجمنی به عنوان جمعیت الاسلامیه بلغاریا تشکیل شده ویك سلسله مکاتب وکورسها ایجاد کرده اند که دروس مذهبی، حدیث، تفسیر، وفقه تدریس میشود که تماما امور ووارسی این مکتب ازطرف خودمسلمین صورت می گیرد درحال حاضر تعداد مسلمین بلغاریا به هفتصد هزار بالغ میشود شغل عده مسلمین زرع‌تنباکو است . بنابران صوفیه وساختمانهای آن که یادگاری از دوران سلطه ی اتریشی ها و عثمانی هابرآن سرزمین است با مساجد یك مناره میدان معروف (استقلال) از بهترین نقاط دیدنی صوفیه محسوب میگردند .

سواحل زیبای دانیوپ درشمال، بندر فعال وارنا دربحیره زیبای اسود، وشهر بورگاس که درضمن ازشهر های تاریخی واماکن دیدنی بلغاریا محسوب میشوند مناظر زیبای طبیعی دردامنه کارپات ورودوپ، مرکز تفریحات تابستانی درسواحل دریای سیاه، باغهاوقوریه های گلاب دروادی مرتزا، چشمه های آب‌معدنی وسناتوریم های طبی همه دیدنی و قابل استفاده اند .

در ١٩٣٩ بلغاریا یکی ازجمله کشور های غنی زراعتی اروپای جنوبی محسوب میشد که زمین به ١٢ ملیون پارچه قسمت یافته بود وبطور اوسط هرپارچه آن از٣ر٠ - ٦ر٠هکتار ساحه رادربر میگرفت وزمینداران آن بیك میلیون ویکصد هزار نفر میرسید . گندم حاصله ازهر هکتار آن به ١ر١٣ خرمن بالغ میشد درنتیجه سوسیالیستکی زمین ها ی زراعتی به تقسیمات کوچکتری درآمده وبه ٨٦٦ اتحادیه حاصلاتی و١٥١ شرکتهای دولتی درآمد که ساحه هراتحادیه تولیدی بطوراوسط به ٣٩٠٠ هکتار وحاصلات آن ازهرهکتار به ٣٠ خرمن ارتقاء یافت تاآنکه دولت بلغاریا بفکر تعمیر بند وانهار افتاد .

بلغاریا یگانه کشو ر آفتابی اروپاست ازاینرو دولت کوشید تافیصدی مذکور را به پیمانه بیشتری بلند ببرد در ١٩٥٣ اتحادیه زراعتی تماما زارعین کشور را بتاسیس ذخایر آبی هدایت نمود تابرای زمین های خویش ذخایر آبی تاسیس کنند از اینرو در قسمت اول سال مذکور ١٢٢٢ بند وذخایر آبی‌ساخته شد که دراثر آن ٣٠٤٦٠ هکتار ساحه راتحت آبیاری قرار دادند تاآنکه درسالهای اخیر ٢٥ مراتبه سطح آبیاری انکشاف یافت و٢٠فیصد ساحه زراعتی کشور راتحت آبیاری قرارداد. درپهلوی آبیاری موضوع کودنیز مورد بحث بود ودولت مجبور شد تافابریکات‌کودکیمیاوی راتاسیس واحتیاجات دهاقین رارفع کند باین اساس تولیدات کود کیمیاوی ١٧٠کیلو گرام درهرهکتار ازدیاد یافت . درپهلوی آن ماشین های زراعتی وتراکتور ها جای آلات وادوات عنعنوی دراختیار وبیشتر زراعت ماشینی‌رایج گردید .

اکادمی زراعتی تاسیس ودرپهلوی آن‌جهت کارهای علمی (٢٦) انستیتوت و٢٤ استیشن

صحنه اوپرای معروف صوفیه بنام ویدا

های تجربوی بکار انداخته شد تاسطح تولیدات زراعتی کشوربه پیمانه خوبی بلندبرده شود ودرحدود ۱٫۵ هزار تخنیکر وکارگنان زراعتی بکار وفعالیت آغاز کردند تاتولیدات زراعتی بلند برده شود، جنسیت گندم وجواری عالی گردد که ۹۵ فیصد ساحه زراعتی بلغاریا را دوغله مذکور احتوامیکند ونسبت به ۲۵سال قبل دراثر طرق جدید زراعتی واستفاده از کودکیمیاوی وآلات زراعتی تولیدات زراعتی کشور فوق العاده بلند برده شده بهترین نوع غله جات اصلاح شده ونسل حیوانات تحت تربیه گرفته شده است .

یادگار هیروستو بوتف شاعرومجاهدانقلاب بلغاریا درشهر وراتسا

بلغاریا یگانه کشور گلاب ومرسل بوده که انواع واقسام مختلف آن درسراسر کشور پیدا میشود درهرمنزل، باغ یاپارك بلغاریا گلاب یگانه گل زمینی آن بشمار میرود و گذشته ازهمه گلاب دراقلام صادراتی بلغاریارول مهمی رابازی کرده بازار های اروپا ازگلهای مقبول ورنگارنگ بلغاریا مملو وبقیمت خوبی بفروش میرسد. مردم این کشور آنقدر مهارت وطرقی ازخوددرنسل اینگل بکار برده اند که میتوان دریك بته آن چندین رنگ از گلاب رایافت ویااینکه گل برگهای دورنگه ای رادر یك‌گل سراغ کرد ازقبیل‌زرد- سرخ-سفید- سرخ وغیره عطر گلاب ازصنایع خوب بلغاریا محسوب میگردد وادی مرتزایگانه محل غنی اینگل میباشد .

یگانه تحفه جوانان، مراسم مذهبی،اجتماعی وعنعنوی بلغاریا همین گل زیبا ومقبول‌است. یك عددگل گلاب سرخ بهترین تحفه اهالی این سرزمین بشمار میرود نباید فراموش کردکه بمجرد ورود درین کشور اولتر ازهمه بدوکان گل فروشی شتافته چند عددگلاب را بدست آورده تابه محل مطلوب آنرا هدیه کرد. یك گل گلاب بزرگترین اموررادرادارات هوتلها، بانکها وموسسات تجارتی سهل و بوجه حسنه اجرا میداود . تقدیم گل سرخی ازگلاب بدوشیزه جوانی آنقدر وی را مسرور میسازد که گویا قصری ازمرمر برایش بنا کرده باشیم . اهالی برعلاوه وظیفه‌ای که‌دارند بیشتر شغل شانرا درمنازل، احاطه دوایر، موسسات ومکاتب نگهداری وحفظ گل گلاب است . دردکانهای گلفروشی وقفسه هـای کنار جاده‌که تعداد شان درهرجاده زیاد است مخصوصا درصوفیه ووارنا بامهارت واسلوب خاصی گلها گذاشته شده‌که بیننده را محو جمال وعطر خود میسازد . رستورانت وهوتل (ایلوی) که ازبهترین هوتلهای این کشور محسوب میشود در دیوار آن با انواع (بیش از۱۰۰ نوع) بته های گلاب پوشیده شده مهمان ویاتوریست درمیان گلهای مقبول گلاب خودرا محوه میابد.

گندم، جواری وگل آفتاب پرست قسمت شمالی بلغاریارادر برگرفته است باغات ، کردهای سبزیجات وتاك باغها در قسمت های مرکزی پنبه وتمباکو در جنوب کشور آفتابی کشت میشود . ازمهمترین تولیدات زراعتی این کشور میتوان گندم، جواری، جو، ارزن، تمباکو، لبلبووکچالوانام بردکه‌گندم، جواری ولبلبو درمقام اول قرار دارند .

کباب وسلات بادنجان بامرچ سرخ تازه ازغذای درجه یك وعمومی بلغاریا بشماررفته درهرهوتل ورستورانت وحتی درکنار جاده ها پیاده روهاوپارکها بکثرت دیده میشود . خوردن چنین خوراکه آرزوی هر سیاح و مسافریست در پهلوی این خوراکه باب انگور، ناك وشفتالو ازمیوه های وافر وخاص بلغاریا میباشد .

بلغاریایی ها نسبت بگوشت وخوراکه باب گوشتی ،سبزیجات ومیوه‌ها را ترجیح‌میدهند هربلغاریایی مخصوصا بروز های یکشنبه صبح بخریداری سبزیجات و میوه‌ها میپردازند که اکثردرمارکیت ویامندوی که روزبازار شان همین روز میباشد صورت میگیرد این خریداری‌درپهلوی عبادت (کلیسا) ازپروگرامهای ضروریه اهالی آنجا محسوب میشود. انگور، سیب ازجمله میوه هاوبادنجان رومی ازسبزیجات وافر وعمومی بلغاریا بوده بیشتر کشور های اروپای شرقی واسال تمام

بقیه درصفحه ۲۴

یگانه تحفه‌جوانان بلغاریا درمراسم‌مذهبی واجتماعی گل های زیبا ومقبول است.

یوپولیسی‌داستان

دسرورزی ژباړه

دمینې سوغات

(سو فی) پداسې‌حال‌کښې چه‌خپلو ورځنیو چاروسترې‌کړې‌وه غو ښته یې چه‌دڅوورڅو ساعتتیرې دپاره،د ښار نه لیرې لاړه شی او په هغه ځای کښې یو څو ورځې په آرامی او هوساینې سره سر نه ور سوی نو کور ته راغله اود خپل سفر ټك‌و پوك یې برابر کړل.دبریښنا گروپونه یې مړه کړل‌اود تشناب او به یـــې وتړلې ترڅوددې دغیابت به وخت‌کې کوم جنجال ور نه نه وی پیداشو ی ددې‌د مسافرې یوازینی علت داؤچه په خپل کور کې یوازې پاتی شوی وه اوددې دو ست (پروتو) په تازه تو گه‌ترې‌نه مرور شوی‌ؤ. سو فی ته که له یوې خوا یوازې وا لی‌خوندنه ورکاوه نو له بلې خوا «پر تو» بیلتون او جدایی زیاته‌زورورلې‌هم وه پدغه راز ددوه اړ خیزو مشکلاتو کې‌ورته دابنه ښکاره شوه چه‌ښار پریږ دی‌او څوورځې په آرامی سره په خپلـــه کرونده کې ژوند وکړی.او که‌چیرې ورته دسفر چانس نه‌ؤ میسر شوی نونژدې وو چه د «پرتو» د بې‌پروایی له‌مخې خپل ژوند ته پلته ووهی‌اوپه دې تو گه دژوند څخه‌په‌دایمی ډول لاس ووینځی . خو د څو ورځـــو تیریدلو نه ورته‌ثابته شوه اودځان سره به یې ویل :

– زه‌هم لیونی‌غوندې‌یم ښه دې‌چه ځان می ندی وژلی !

خو کله‌کله چه به دېر تو مینه‌ور په زړه شوه نوبیابه‌په غمونو کښـــی ډوبه ولویده خو دې کارزیات وخت په کار درلوده چه «پرتو» دې پـــه عمو می تو گه له یاده وبـــا سی اویا وی ترې نه خپل ځان را ټـــول غوندې کړی .

دسفر بکس یې واخیست اوکله چه موټرته پور ته کید له‌نوخپـــــل دستکول یې خلاص‌کړ په منځ کې‌یې سا ما نونه تیت او پرا گنده‌غو ندې پراته‌ووخو په‌ناڅاپی تو گه یې‌د کور کلی‌گانې ورپه‌زړه‌شوې په‌خپـــــل دستکول کښې یې ولټو لې خو داورته ثابته شوه‌دهغې‌کوټې کلې یې چه په هغې کې‌یې خپل تعطیلات سر تـــه رسول دځانه سره نده راوړې .

گټه یې نه درلوده چه بیر تـــه وگرزی اوکلی‌دې‌داپارتمان نه‌وا خلی څکه داورپه‌یادوه چه‌کلی‌یې‌د مغاز ی پرمیز باندې ایښې ده که چیـــرې په کلی پسې مغازې ته روانه وای نودې‌کاریوساعت وخت درلوده ،چه‌د سف ر نه پاتې کید له خو اوس ورته ددې اټکل‌لگیده‌چه‌دیوې‌ساده‌فراموشی له مخې ددې دکار ټولې نقشې گډوډې شویدې .او ورروسته دا هم ور یـــه زړه شوه چه‌د مو ټر ټا نکی یې هم نده ډکه کړې‌نود ځان سره یـــی وویل : اوس نو زه په رښتیا سره یوه اوږده استراحت ته اړه لرم».

څکه چه ددې ټولو فرامو شیویوازنی علت ستړ یاده).

او بیا په ناڅاپی توگه «پرتو» ور په یاد شو او کله‌چه یې دهغه‌یـــاد داوبو دله نظره تیراوه نو داور تـــه ثابته شوه چه ددغو ټولو گډو ډیـــو او نا آرامیو یوازینی علت‌د «پر تـــو» مینی ور ته پیداکړې‌دې نو په همدغه احساس باندې یې دستر گونه‌څـــو ځاځکی اوښکی راتو یی شوی ، او (سوفی) پداسې حال کی چه‌په‌گوته به یې پاکولی نودملامتی په لهجه‌به یې ځانته ویل :

– ښه‌ښه نور به دا کا فی وی‌او که چیرې دغې‌وضعی‌ته دوام ورکړی نود لیارې په منځکې به دټکر ، او تصادف سره هم مخامخ شی بایدپه یاد یې ولرې چه‌ته‌دڅو ورځورځصتی تیرولو دپاره دکور نه راو تلې یې. گوره چه څومره ښکلې ورځې ور ته په انتظار کې وی.زیار وباسه چه‌په بې ځایه فکرونو یې له لاسه ور نه کړی، ته باید دلوی خدای «ج» شکر اداکړی چه دې‌ته‌دې پام‌شویدې چه «کلی» دې چیرې ایښې ی ده‌که‌چیر ی همدا اوس ور ته نه‌وی متو جه‌شوی او کله چه هغه هدف ته رسید لـــی وی اوبیاپوهیدلې‌وې چه کلی دې‌له یاده‌وتلی ده نوڅومره به‌داندیښنـــو سره مخامخ وی.نور باید دغه‌چرتو نه له سر نه وباسم اود رخصتی څخه‌په زړه پورې گټه واخلم .

موټر ودراوه اود موټر نه‌پلې‌شوه. او سالون‌ته‌ننوتله. دسالون ټولې‌خواوې دتیاره‌کې اومطلقی خا مو شی سره مخامخ وی سو فی بی له دې چـــه چراغونه رو ښانه کړی د خپل کار خونې ته چه دسالون په غاړه پرته‌وه روانه‌شوه اوکله چه دخپل کار دمیز په څنگ کې ودریده نو ویې لید ل چه کلې همغسې دمیز په سر ایښې ده،کلی، یی دمیز دسر نه‌راپور تـــه کړه اود خپل سفر لیاره یـــــی، ونیو له .

ددې دنگ راتگ مو ضوع‌دومره، وخت نه‌ؤنیو لې اوداچه کلی یې‌په‌لږ پیداکړې وه‌ډیره خو شا له‌معلومیدله ږخت کې بې‌دکومې سر گردانی نه دراوتلو په حال کی یې خپل نظـــر بیامغازې‌ته واچاوه ټول شیان ور ته مرتب او منظم معلومیدل خو کله چه یې کلی په گوته باندې ځر خو له‌په ناڅاپی تو گه په دروازه کی ودریده ته‌به وایې چه یوغیبی‌حرکت د پښو نه غورزو لی وی اونور ور ته دسفر اجازه ور نه کړی . که څه هم ددې ټولې هلې ځلې او میل لدې امله‌ؤچه سفرته ملا وتړی او څوشپې ور ځې په خپلې کرونده کې تیرې کړی.

په هرحال دسالون نه وو تلـــه اود پلورنځی دروازې یې وتړ لـــی. باران لږ لږ شروع شوی ؤ او په‌هوا کې‌ښه‌تازه‌گی اونرمی‌پیداشوی‌وه،کله چه بهر ته‌وو تله گوری چه ددې ،د موټر تر څنگ یوبل موټر ولاړ دی‌او غواړی چه‌د سوفی شخصی مو ټـــر په چال او دوکه‌باندې ترلاسه‌کړی، سوفی‌ورنږدې شوه خوکله چه یـــی سترگی په داړه مارانو و نښتلی په ویره کی شوه، نه‌پ وهیده‌چه څـــه وکړی او چاته اطلاع ور کړ ی څه چه تقدیر ور ته‌لیکلې‌ؤ تدبیرور ته‌نه جوړیده ددې‌موټر په‌ډیرې سختـــی سره داړه مـــارانو چالان کړ اودهغه ځای نه ووتل دوه تنه نورچه خپـــل موټر ته پاتې شوې‌وو دسوفی‌څنگ ته ورغلل اوورته یې وویل :

– اوس ددې ځای دې‌چه تاسې‌هم مهربانی وکړی او زمونږ مو ټر ته ته راوخیژی .

سو فی پو هید له که‌چیرې ددوی امر پرځای نه کړی‌نوښایی چه‌دمرگ په‌لورې روانه شی په‌ډیرې‌وارخطایی سره موټر ته‌و ختله اودشا په‌سیټ کی ویرجنه کیناستله .خود داړه ـ مارانونه‌یوه وویل :

داخو دویرې نه مرې! دې څنگـــه موټر چلاوه ؟

دو هم نفر وویل، که‌څه هم یوه نجلی‌به‌وې‌خوبې دځه اوځنگه نه‌یی خپل موټر ته حرکت ور کړیدی. له دغه خبرو وروسته یې ور ته‌دټوپك خوله ونیوله‌او ورته ویې ویل :

– دخبرو وخت در ته ندی پاتې فورا حرکت وکړه اوکه‌ددغه امرسره مخالفت‌لرې نوپریږده چه مو نـــږ خپله نقشه عملی کړو.

سوفی په‌آرامی‌سره‌خپل مو ټر ته حرکت‌ور کړدسترگو درپ سره یـــو تن په دوو تنو تبدیل شوی‌ؤ،سوفی مجبوره‌وه چه‌دناآشنا سړی امرو نه، په آسوده زړه داجرا لاندې‌و نیسی‌او حواس یې دومره په‌ځای‌وو ،چـــه‌د موټر دواورې د پاکولو وسیلې به‌یې هم‌پکار اچولې. سوفی په‌داړه زړه لیاره وهله خود مرگ اوژوبلې‌کوم خطر یې په‌زړه کې نه گرزیده کله‌چه به‌سو فی خپل گړندې حرکت ته‌دوام ورکاوه نو هغه داړه‌مار چه په‌څنگ کی‌یې ورسره ناست‌ؤ ورته‌وویل:

– ته باید دگړندې حر کت په‌ځای دورو حرکت څخه‌کارواخلی‌دا څکـــه که چیرې په‌گړندې تو گه‌لیاره‌ووهی

توخلك به‌راباندی‌اشتبا هی‌غو ند ی شی. نه‌بایدهر څه نه زیات ترافیکی څراغونو ته په مقرراتو قایله شـــی یعنی کله چه چراغ سور وی ، د تیریدلوحق نه‌لری داځکه‌چه پد ی، عمل‌باندی به‌دترافیکو اشتباه زیا ته شوی‌وی .

پداسی حال کښی چه دموټـــــر هنداری پورته شوی وی دمو ټـــــر داخلی هوا دزیات کثافت نه ډکه‌وه دسوفی‌زړه‌تنګ شو اوداړه مارانو ته یی‌وویل :

– چیری ځو ؟

هغه سړی چه‌د سو فی په څنګ کښی ناست ؤ په حیرانتیا سره‌ورته وکتل بیایی زیا ته کړه:

– رښتیا چه‌ډیره تابع او پوهـــه نجلی‌یی .

ډیره ښه ده !ته‌به دواړه‌او لنی سړ کی ودریږی ترڅو زمونږ یو تن دموټر نه ښکته شو خو پدی با یـــد وپو هیږی چه‌که‌کوم‌غیر عادی‌حرکت وکړی نوپه همغه ځای‌کی به‌دی وینی تویی شوی وی .خو کله چه زمونږ یوتن دمو ټرنه‌پلی کیږ ی ته به بیا خپل عادی حرکت ته‌دوام‌ورکوی.

داچه‌سو فی دامر تابع وه څه به‌چه دوی ویل نو همغسی به‌یی‌کول،یوتن یی‌دواړه‌لمړی سرك کی پلی کړاو بیایی خپل عادی حر کت ته‌دوام‌ورکړ خوپدی نه پو هیده چه دکوم‌سر – نوشت سره به مخا مخ کیږی اویا به دڅه مقصد دپاره لیاره وهی،اوس نود سو فی دزړه نه‌ویری مخه کړی وه خوزیار به‌یی ایست چه څه‌شی ونه کړی دیوه مناسب فر صت په انتظار کی‌وه‌تر څو خپل ځان دد غو مسافرو داړه مارانو دمنګو لو نـــه خلا ص کړ ی داځکه چه د دی‌احساس ورته پیداشوی‌وو چه په‌نږدی‌و خت کښی به دغه فرصت‌ور ته رسیدلی وی، یوڅو کیلو متره لیاره لاپاتی وه اوهغه‌پوهید له چه‌دغه‌واټن‌دوهلـو سره سم دموټر تیل هم پای تـــه رسیږی . نو کله چه تیل پای تـــه ورسیږی بیا به هغه وخت خپله‌نقشه دعمل لاندی نیسی .

په څنګ کښی ناست سړی چه په لوړ آواز به یی سنـــدری ویلـــــی د«سوفی» اعصاب یی زیات خـــراب کړی وو او بل سړی چه دموټر شاته ناست ؤ سګرت به یی څکول چــــه دموټر داخلی هوائی زیاته کرغیړ نه کړی وه باران هم په شیبو شیبــو اوریده خو «سوفی» فکر کاوه چه‌دغه کرغیړنه هوا به په نږدی وخت کښی ددی مشکلاتو څوابونه ووایی‌او نقشه یی داوه چه کله موټر دتیلو اخیستلو دپاره دټانك په څنګ کښی درو ی‌نو دهغو خلکو نه په‌مرسته غواړی چــه دټانك په څنګ کښی راټول شوی‌دی «سوفی» ټانګ ته ورسیدلو نه‌ترمخه په امتحانی توګه دتیلو دخلا صیدو خبر دوی ته ورکړ که څه هم تیل یی درلودل خپل موټریی په لیاره کښی ودراوه بیا یی هم دافیصله وکړه چه په دی لیاره باندی ډیری عرادی تګ اوراتګ کوی که کوم‌موټر راغی نو هم به تیل رانه راکړی اوهم‌به‌دهغوی دسپړلیو په مرسته دداړه ما رانـــو دزجر او تکلیف‌څخه خلاصه شوی‌یم.

په همدغو چرتونو کښی زیاتی‌عرادی موټران په‌یو خوا اوبل خوا تیریــدل که دوی به هری عرادی نه لاســـــس ورکاوه خو هغوی به دځان دویری‌نه موټر نه دراوه ځکه چه دشپی لــه خوا دسوك په برخو باندی زیاتی عـرادی چور شوی وی .

هغه څوك چه د «سوفی» پـــه څنګ کښی ناست ؤ ورو یی‌دسوفی په اوږی باندی لاس کښیښوده خـــو «سوفی» دویری نه ټکان وخوړ او لړزیده ، داړه مار سړی چه‌د«سوفی» وضع ولیده ویی خندل او ورته یـــی وویل :

– ای ماشومی نجلی ویره مه لره! زه کوم بد قصد نه لرم فقط دومره می غوښتل چه‌تاته یی یاده کړم چه په اولنی ټانك کښی به توقف کوی اوزیات تیل به اخلی‌په دی‌خبره ځکه افسوس کوم چه زه دغه راز پیښــــس نهاد تا ته کوم خو ته هم که کوم‌فکر په سر کښی لری هغه باید دسر تـــه وباسی.کله چه ټانك ته و رسیـــدو «جو» به پلی شی او دتیلو نه بـــــه ټانکی ډکه کړی خو ته به زما پـــــه څنګ کښی پاتی وی او دښکتــــــه کیدلو اجازه به نه لری هیله لرم چه په داسی عمل‌لاس پوری نه کړی چه هم ستا دسر ګردانی سبب شی اوهم موټر ته دمشکلاتو سبب وګرځـــــی په مقصد خو می و پو هیدی ؟

سوفی په ډیری اندیښنی ســــره خپل سرو خوزا وه دا ځــکه چـــــه دا ورورستی چانس و چه له لاســـــه ووته ځکه یی دجرئت نه کـــــــــار واخیست او ویی ویل :

– و لی می نه پریږدی چه زه هـــم دموټر نه پلی شم ! ولی تاسی‌دځان سره یو مزاحم سړی ساتی دا موټر دی ستاسی وی او زه ترینه پلــــی کیږم .

– لکه چه مونږ درته سادګــــــان ښکاره شو که چیری تا خوشی کړو نو په دی باور لرو چه زیات اطلاعات به پولیسو ته ور په ګوته کړی .

– زه قول در کوم چه داسی کاربه ونه کړم ! او زه نه پوهیږم چه‌تاسی ولی دځان سره راوستی یم؟

– رښتیا چه ښه سوال دی طرحه کړه! نه مونږ ته له هرڅه نه زیات ارزښت او اهمیت لری مونږ تـــــه ستا مو جودیت دهرڅه نه ډیر زیات دی ، خو نه په دی داړه اوسه چـــه زیاته موده دی دځان سره نه سا تو او یوازی دو مره به وی چه مونـــــږ یو امن ځای ته ورسیږو . په همدی وخت کښی یو لوی ګاراج‌د«سوفی» ترسترګو شو او په زړه کښی یـــی امید واری علامی ور په زړه شـــوی نوډیی دموټر په اکسلیټر ښه ورز ورکړه او په زیات ګړندی حرکت یی موټر په کار واچاوه ،داړه مارسړ ی چه په څنګ کښی ورسره ناست ؤ ورته وویل:

پاتی په ٦٣ مخ کښی

زندگی امروز

شیک پوشی درزیاده روی نیست

گویند لباس پوششی است برای تن و ظاهری وتجملی که هیچ ربطی به باطن وضمیر انسانی ندارد وازروی لباس وظاهرآدمی نباید روی آنها قضاوت کرد وشخصیت وعلمیت شانرا پیمایش نمود. این گفته به این معنی نیست که از آراسته بودن ظاهر ولباس و پاکیزگی سر ووضع بکلی چشم پوشیده با شکل وشمایل ژولیده وبی ریخت به انظار ظاهر شد ویاحتی به نظافت تن و بدن نیز نپرداخت .

بخاطر باید داشت که دراولین برخورد وقبل ازآشنایی باظرفیت اشخاص، این ظاهر وسرو وضع آنها ست که شخصیت شانرامعرفی میدارد واز چگونگی کرکتر شان سخن میزند. بنابرین رسیدگی به ظاهر ومراعات نظافت امریست لازمه حیات امروزی که دمی نباید از آن غافل بود ویاآنرا سرسری شمارد .

برای اینکه دراولین برخورد با اشخا ص ذهنیت خوبی دربارهٔ خویش دراذهان ایجاد کنیم ، قبل ازهمه بائیست ظاهر پاکیزه و شیک داشته باشیم چه یك ظاهر نامرتب هر قدرهم باطن زیبایی درآن نهفته باشد ازحیثیت ووقار شخصی میکاهد .

فراموش نبایدکرد، به همان اندازه ایکه ظاهر نامرتب از شخصیت آدمی میکاهد افراط درین امرنیز کرکتر ووقار راخورد وخمیر میسازد .

شیك پوشی درزیاده روی ودنبال کردن کورکورانه مود نیست .

شیك پوشی هنر ظریفی است با نکات نهایت باریك وشکننده که هرگاه این نکات بدقت ووسواس مراعات گردد علاوه براینکه ظاهررامرتب وآراسته مینمایاند، به شخصیت ووقار نیز میافزاید .

آراسته ومطابق مود روز بودن دوامتیاز خیلی خوب وبجاست مشروط به اینکه موقع شناس وبه ویژه باریك بود. هرگاه بدون درنظرداشت وقت ، موقعیت، موقف اجتماعی وسن خویش، لباس آخرین مود بپوشیم وباتازه ترین طرح آرایش صورت وگیسوی خویش رابیارائیم علاوه برآنکه شیك ومرتب جلوه نخواهیم کرد بلکه جلف وزننده هم معرفی خواهیم گردید.

شیك پوشی تنها درین نیست که هرآنچه مودبود بدون توجه به سن، موقف اجتماعی، وقت (روز، شب، عصر) وموقعیت (جای درس، اداره، دفتر، بازار، مجالس عروسی و..) ازآن پیروی کرد وادا های امروزی بودن درآورد. بطور مثال : یك دختر مکتب یا پوهنتون بالباسی تازه ترین طرح روز که باید درمجالس شیرینی خوری و دعوتها پوشیده شود خویشتن راآراسته و به محل درسش میرود آیابنظر شمااو یك دخترشیك وامروزی است ؟

پاسخ شمابه یقین منفی است . چه همان طوریکه گفتیم ازنکات شیك پوشی یکی هم موقع شناسی است . اووقتی شیك وبرازنده است که بالباس ساده وراحتی که مخصو ص ومناسب درس است به آنجا رود .

یك خانم واقعا شیك وامروزی هرگزازمودی که برازنده اش نیست پیروی نمیکند . اوخوب بلداست که ازکدام طرح لباس وآرایش استفاده کند تابه شخصیت وموقف اجتماعی اش لطمه نزند. اوبه خوبی واقف است که چه لباسی راباکدام آرایش درچه موقعیت وکدام وقت بپوشد تاهم شیك ومرتب باشد وهم باکرکتر وبرازنده.

اکثرگفته وشنیده شده که مود وپیروی ازآن عمل شایسته وکار خانمهای رسیده نیست ، زنان روشنفکر کمتر به فکر مودولباس اند و ازین قبیل حرفها زیاد ... لیکن اگرخوب دقت

بخش آشپزی

دربخش آشپزی این هفته چند طریقه ، پختن گرده را بشما تهیه کرده ایم تا هر کدام راپسندید بپزید.

گرده گوسفند باکچالو:

مواد لازم برای چهار نفر :

هشت عدد گرده گوسفند، نیم کیلو کچالو، دوقاشق آب لیمو، مقداری روغن، سیر، گشنیز مرچ ونمك به قدر ضرورت .

طرز تهیه :

گرده هاراپوست گرفته وریشه های آنرا دور بریزید وبه ورقه های نازك ببرید . روغن رادر ظرفی ریخته بگذاریدداغ گردد وسپس ورقه های گرده هارا درآن انداخته بریان کنید. سیر، وگشنیز ریزه شده را با آب لیمو باآن علاوه کرده مدت بیست دقیقه تفت دهید. کچالو هارا درظرف جداگانه جوش داده پوست گیرید وبه پارچه های خورد درآورید . این ورقه هارا دراطراف دیش چیده وبین آنرا باگرده پخته شده زینت دهید .

گرده گوسفند بابادنجان رومی:

موادلازم برای هشت نفر :

یك کیلو گرده گوسفند، نیم کیلو بادنجان رومی، ۲۵۰ گرام پیاز ، مقداری روغن، یك دستهٔ خورد گشنیز، مرچ، نمك وسیر به قدر ضرورت .

طریق پخت :

بادنجان هارا نصف کرده بامرچ ، نمك گشنیز وسیر ریزه شده درظرف محتوی روغن داغ بریزید وسر ظرف راببندید تا بخارکند. گرده راپوست کرده ودودونیم کنید وبالای پیاز سرخ شده بریزید وبگذارید تا پخته شود. وقتی آماده شد آنرادر دیشی ریخته بادنجانهای بریان شده رااطرافش قرار دهید وساس ویاآب بادنجان باقی مانده در دیگ راروی گرده بریزید .

گرده باچلو

مواد لازم :

یك کیلو گرده گو ساله یاگوسفند ، نیم کیلو پیاز نیم کیلو بادنجان رومی، یك عدد مرچ بزرگ شیرین، مقداری روغن، مقداری هم سیر ، نمك ومرچ سیاه ، برنج به اندازه کافی .

طرز تهیه :

گرده هاراپس ازپوست گرفتن چارقسمت کنید. پیاز هارا ریزه کرده درروغن بریان نمائید وگرده های خوردشده راباآن علاوه کنید واندکی تفت دهید .

بادنجان رومی رااز ماشین گوشت کشیده باسیر میده شده ، مرچ سیاه ونمك روی آن بریزید وبگذارید بریان شود .

مرچ دلمه ای راپس ازتخم گرفتن حلقه حلقه بریده وظرف محتوای گرده راباآن تزئین کنید، برنج راجداگانه وطبق معمول دم نمائید.

بقیه در صفحه ٦١

احتیاط!

ندانستن گروپ خون خطر حیاتی دارد

شناختن گروپ های خون لاز مه حیات امروزی است

درزندگی ماشینی امروز که حوادث وواقعات ناگهانی وتصادمات ترافیکی روز افزون است هرآن بیم آن میرود که باروبرو شدن باچنین یك واقعات دچار خونریزی گردیم واحتیاج به‌گرفتن خون پیدا کنیم تاجبران کم خونی گردد واز خطر برهیم.

از آنجائیکه خون به گروپ‌ها تقسیم‌شده وهرگروپ خاصیت بخصوص دارد، نمی‌شود هرنوع خون به‌شخصی مجروح ومحتاج‌تزریق کرد.یعنی بایست قبل‌ازهمه گروپ‌خون‌مجروح رادریافت وسپس مطابق‌به‌گروپ‌خونش‌اقدام‌به دادن خون برای جبران کم خونی اش نمود .

درین حالات هرگاه گروپ خون مریض قبلا شناخته شده باشد امکان رفع خطربه مراتب بیشتر است . زیرا تشخیص گروپ خون‌وقت لازم دارد واز طرفی در واقعات ناگهانی و خونریزی شدید وقت آنقدر مهلت نمیدهد. بنابرین لازم است تا هرفردی خودش‌گروپ

خونش رامعلوم نموده وآنرا یادداشت کند واین یادداشت راهمیشه باخودش در جیب ویادستکول داشته باشد تادرین چنین مواقع به داکتر کمك نموده باشد .

گروپ های خون انسان ازنظر خصوصیات نژادی به چاردسته تقسیم میشوند وعبارت انداز :

گروپ آ .

گروپ بی

گروپ آ . بی .

گروپ او .

اگر شخصی گروپ خونش (او) با شد میتواند بتمام گروپها خون بدهد .

افرادی که گروپ خون شان(آ . بی) باشد ازهمه گروپها خون گرفته میتوانند لیکن به هیچیك گروپ خون داده نمیتواند .

کسانی که دارای گروپ خون (او) میباشد میتوانند به همه گروپها خون بدهند ولی از هیچ گروپ غیر گروپ خود نمی توانندخون بگیرند .

خون افراد دارای گروپ (آ) را میشود با گروپهای (آ) و (آ. بی) تبادله کرد .

افرادیکه دارای گروپ خون (آ. بی) اند فقط باگروپ خودخون داده میتواند .

آشپزخانه مهمترین محل درمنزل

یك آشپز خانه منظم وآراسته نه تنها نمایانگر سلیقه وخوش ذوقی خانم خانه است بلکه خانم راکمك میکند تادرحین کار کمتر به مشکل وسردرگمی دچار گردد .

منظور از آشپزخانه مدرن ومنظم این‌نیست که حتما باید سامان ولوازم مدرن وقیمتی درآن گنجانیده شود .

شما بالوازم ساده وارزان هم میتوانید یك آشپزخانه منظم ومرتب داشته باشید . برای داشتن این چنین آشپز خانه بایست ایـن نکات مراعات گردد :

۱ـ اشیا ولوازم ضروری آشپزخانه را در نهایت دقت وتوجه جابجاکنید .

۲ـ برای ظروف ضروری جای مشخصی درنظر گیرید تادر وقت ضرورت به آن دچار دردسر نگردید .

۳ـ هم آهنگی رنگ هارا در انتخاب اشیا ودکور آشپزخانه فراموش نکنید .

۴ـ آشپزخانه جای خیلی حساس است . درین صورت نظافت وتمیز نگهداشتن آن را که شرط اول است هیچگاه ازیادنبرید .

۵ـ ازبکار بردن ابتکار وسلیقه خوب خود درترتیب آشپزخانه دریغ نورزید .

یك آشپز خانه منظم ومرتب

دکتور جین مایر

ترجمه : انجنیر صدری

صفحه ٤١
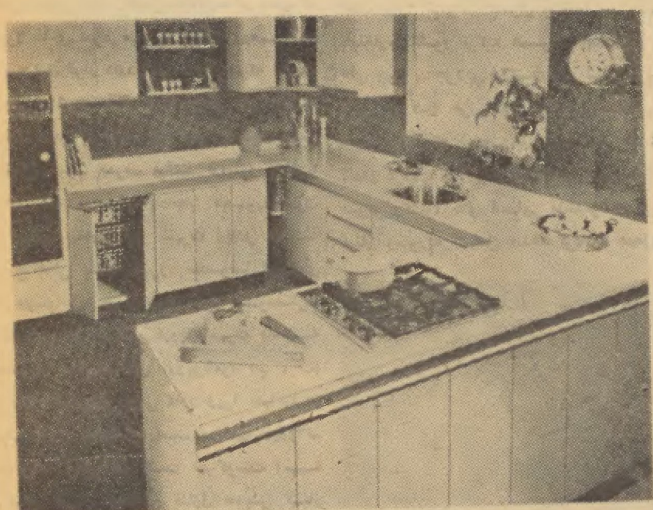
سهلترین طریقه برای لاغرشدن

درین اواخرعلمای طب به‌اثبات رسانیده‌اندکه فعالیت جسمانی و حرکات سپورتی رول خیلی حساس رادرلاغر شدن جسم اشخاصیکه به مریضی زیادی وزن مبتلا اند بازی میکند واین عقیده که میگفتند فعالیت جسمی بالای کم کردن وزن تا ثیر ندارد شکل افسانوی بخود گرفته است . انسان میتواند ذریعـه فعالیت های جسمی وادمان ، پیاده روی، شنا وغیره به قدرکافی وزن بیازد .

اگر بطور اوسط یك آمرشعبه که در پشت‌میز دفتر نشسته ۲۴۰۰ کالوری ضرورت‌دارد ویکنفر دهقان ۳۵۰۰ کالوری به مصـــرف‌رسانیده برای خانمها نظربه وظیفه از۱۶۰۰ ـ الی ۲۸۰۰ کـالوری در یــك روز ضروری‌پنداشته میشود .

درجدول آتی واضح‌گردیده است که دروقت خواب، پیاده روی، بایسکل سواری، شنا و غیره چه مقدار کالوری به مصرف میرسد .

ضایعات کالوری درائنای بایسکل سواری یکنفریکه وزنش ٦٨ کیلوگرام است در هر دقیقه ۸ر۲ کالوری تثبیت گردیده است .

ضایعات‌کالوری درائنای آب بازی یکنفریکه وزنش ٦٨ کیلوگرام است درهردقیقه ۲ر۱۱ کالوری تثبیت گردیده است .

ضایعات کالوری درائنای دویدن یکنفریکه وزنش ٦٨ کیلوگرام است درهر دقیقه ٤ر١٩ کالوری تثبیت گردیده است .

ضایعات‌کالوری درائنای خوابیدن یکنفریکه‌وزنش ٦٨ کیلوگرام است در هردقیقه ۳ر۱ کالوری تثبیت گردیده است .

درجدول ذیل انواع خوراکه هابا مقادیر کالوری آنها ومیعاد مصرف شان تشریح‌شده است :

خوراکه ها	مقدارتثبیت شده کالوری	پیاده روی	بایسکل سواری	آب‌بازی	دویدن	خوابیدن
سیب کلان	۱۰۱	۱۹	۱۲	۹	٥	۷۸
کیك دو پارچه	۳۷۷	۷۳	٤٦	۳٤	۱۹	۲٤۰
کیله متوسط	۸۸	۱۷	۱۱	۸	٤	٦۸
مرغ بریان ½	۳۳۲	٤٥	۲۸	۲۱	۱۲	۱۷۸
یك پارچه نان مسکه	۷۸	۱٥	۱۰	۷	٤	٦۰
یك‌عدد کوفتهٔ بریان	۳٥۰	٦۷	٤۳	۳۱	۱۸	۲٦٤
زردك خام	٤۲	۸	٥	٤	۲	۳۲
یك گیلاس شیر	۱٦٦	۳۲	۲۰	۱٥	۹	۱۲۸
یك گیلاس آب مالته	۱۲۰	۲۳	۱٥	۱۱	٦	۹۲
مکرونی یك خوراك	۳۹٦	۷٦	٤۸	۳٥	۲۰	۳۰٥
یك‌پارچه‌کلان پنیر	۱۸۰	۳٥	۲۲	۱٦	۹	۱۳۸
تخم یك رویه وروغن	۱۱۰	۲۱	۱۳	۱۰	٦	۸٥
گوشت‌لوبیتیایك خوراك	۲۳٥	٤٥	۲۹	۲۱	۱۲	۱۸۱
کیك میوه دار	۳٥٦	٦۸	٤۳	۳۲	۱۸	۲۷٤

سرزمین بهترین گل و گلاب

انگور وبادنجان رومی میدهد . انگور بلغاریا دراتحاد شوروی ، پولند، رومانیه، هنگری ، اتریش وآلمان شرق عمومیت داشته بمقدار کافی سالانه بفروش میرسد حاصلات بادنجان رومی جمهوریت مردم بلغاریا درحال حاضر ۲۰ مرتبه بیشتر ازجنگ جهانی ارتقا یافته است بادنجان یکی ازسبزیجات خوش خـــور وعمومی اهالی این سرزمین محسوب‌میشوددر غذای سه وقته مردم بلغاریا بادنجان رومی حتمی شامل است مخصوصا در غذای شب که معمولا غذای سرد میباشد بادنجا رومـــی در ردیف اول قرار دارد اکثر مسافرینیکه فاصله طویلی راذریعه قطار ویاسرویس طی میکنند درطول سفر کم ازکم یك کیلو بادنجان رومی رابشکل سیب صرف میکنند ازاینرو بلغاریا صادرکننده درجه یك‌بادنجان محسوب‌میشود.

تمباکو بلغاریا نیز شهرت زیادی داشتــه ازنوع عالی بشمار میرود مخصوصا تمباکوی که درسواحل بحیره سیاه زرع میشودسگرت بلغاریایی در سراسر اروپا شهرت داشتــه مخصوصا سگرت های (روپوتامو) (ب . ت) و(کوم) مشتریان خوبی دارد زیرا تمباکوی‌آن خیلی نفیس وخوشگواراست درناحیه روزواگ که پیشه اهالی آن کشت تمباکوست آنهـــا برگهای تمباکو رامقابل منازل خویش کنـار پیاده روهادرپنجره های چوبی آویزان وخشك میکنند اکنون که عایدات ملی بلغاریا نسبت به سالهای ۵۰ پنج چند اضافه‌گردیده ازاینرو باشندگان آن عایدات خودرا سه چند بلنـد برده اند .

درشهر کوچك مسیدونیاکه یکی ازنواحی مقبول بلغاریاست تمباکو ۵۰ فیصد عایدات آنهاراتشکیل میدهدکه ازنوع بهترین تمباکوی سگرتی بوده وبنام (نیوکروپسکه) یادمیشود وعینا مانند تمباکوی میباشدکه یونانی هـادر اناتولیه کشت میکنند بوی خوش تنباکـوی خشك تماما فضای شهر رافرا گرفته است .

شهر کوچك ارمفلابا چند صد منازلی کوچك وسفید رنگ خودیکی ازشهر های صناعتـی بلغاریا ست که جمعیت آن درحدود بیست هزار نفر میرسد . سی درصد اهالی بزراعت وبیش از ۶۰ فیصد درصنایع مخصو صـــا صنعت تیل کشی ازگل آفتاب پرست‌مصروف است . گل آفتاب پرست درپهلوی تمباکـو وکشت آن مصروفیت اهالی این ناحیه محسوب میگردد درموسم گل این نبات مزارع همه‌مانند مخمل زردی فرش ومنظره مقبولی را تشکیل میدهد لذادر اینجا فابریکات منظم وجدیدی تیل کشی، تمباکو وسگرت سازی موجود اند که ازصنایع مهم بلغاریا محسوب می شود . فابریکات خشك تمباکو سالانه ۵۰۰ تن‌تمباکو راخشك وزنان دراین شغل یومیه از۸ـ۱۵تن تمباکو را سورت میکنند که معاش ماهـــانـه کارگران آن۷۰ـ ۹۰ لیوه بالغ‌میشود.ارمفـلا در چهارراهی حمل ونقل اروپا وآسیا قـــرار گرفته است که برعلاوه صنایع تمباکو وتیل کشی اهمیت شهر مذکور راخیلی بلند بــرده است و۳۰ کیلومتر بسوی جنوب این شهــر بابلغاریا کشور ترکیه همسرحد است در ماه های جون ـ جولایی وآگست این شهر روزانه بیش از ۲ـ۴ هزار موتر شخصی مسافـرین عبور میکند که قسمت‌اعظم آنرا موتر هـــای آلمان غرب ، فرانسه، بریتانیای کبیر، ایتالیا سویز وکشور های آسیایی مانندترکیه، عراق لبنان وسوریه تشکیل میدهد برعلاوه همه‌روزه ازشهر مذکوربزرگترین موترهای ترانسپورتی بسوی غـر ب و شرق عــبور می کنـند. درپارکینگ های این شهر به تعداد زیـادی موتر های خارجیان ودر رستورانت عالـــی و قشنگ (گارگانا) ۲۴ ساعت هجوم سیاحیــن ومسافرین دیده میشود . این شهر باآنکـــه خیلی کوچك ودارای جمعیت کم است ولی از رهگذر زراعت، صنعت وترانسپورت اهمیـت خاص داشته توجــه همه رابخــود جلــب کرده است .

شهر وارنا یکی ازجمله شهرهای تاریخی بلغاریا بوده آثار تاریخی زیادی ازین شهر بدست آمده است که تاریخ‌کشور مذکـــور راروشن میسازد چنانچه درین اواخر قبرزنی راکشف کرده اند که ۲۵۰۰ سال قبل دفـن وازبین رفته‌بودالبته این دوره طویل‌نمایندگی ازشخصیت مهم زن مذکور میکند . زیراهمراه باوی زیورات ، طلا، نقره وهم چنین سنگها ودانه های قیمتی وسایر اشیای گرانبها دفن شده بود. چهره شهر شکل مخصوص بخـود داشته سیاحین معتبری رااز دورادور جهـا ن بخود جلب کرده است .

ساختمانی وارکتیکت عالی بلغاریامخه‌وصا درسواحل بحیره سیاه شهر های عصـــر ی ومدرن ، فروشگاه های لوکس ، بارهـــا و رستورانت، هوتلها وبالاخره منازل نشیمـن طرح وبناء کرده است که ازجمله عجایـبات عصری ساختمانی این کشور حساب میشود برعلاوه سناتوریم (وارنا) باغات میوه مـزارع طلایی گل آفتاب پرست، سواحل خرمایـــی وآفتابی وغیره چیزهای درین کشور که امروز درجهان معروف اند همه دیدنی وازهر حیـث تماشایی است که جمعا این کشور رااز جمله کشور های معظم توریستیکی اروپا معرفـــی میکند . هفده کیلومتر از (ساحل طلایی) شهر زیباومحل سناتوریم های بلغاریاالباناموقعیت دارد این شهر که بکلی جدید وبا عمـارات لوکس تعمیر یافته‌است بهترین محل‌استراحت وتداوی سناتوریمی بلغاریا میباشد، چـون سرمایه داران بزرگ اروپایی ازاین محــل استفاده وجهت حفظ سلامتی خویش به کنار سواحل آفتابی (البانا) می آینـد ازاینــرو بلغاریایی هاآخرین قدرت‌مهندسی وساختمانی خودرا درین شهر بکار برده اند . شهرمذکور نه تنها سناتوریم ومحل تداوی امراض مهلك بوده بلکه بهترین نندارتون بین المللـــی ساختمانی بشمار میرود درنزدیکی ساحـــل وپلاژمقبول یك تعداد رستورانت های یــك منزله‌ای وجودداردکه بابهترین‌ارکتیکت‌امروزی بنایافته اند وبنام رستورانت های ماهی‌بریان یادمیشوند ازاسم آنها هویداست که بهترین ماهی بریان بامرچ سرخ وآب جو بصـورت بسیار تمیز وعالی به مشتریان خویش عرضه میدارد در پهلوی‌آن کشتی بزرگ چوبی کـه بشکل بسیار قدیمی ساخته شده متو قـــف است که بنام اربیلا یاد میشود این کشتـی بذات خود برای سیاحت درامواج بحیره سیاه گردش یاباربری نبوده بلکه بهترین بارعصری میباشد که درداخل آن هرنوع خوراکه بـاب بانوشابه های سرد وشربت ها بفروش‌میرسد برا ستی فضای دلکش ومنظره خاصی دارد .

چون درین شهر چشمه های آب معدنـــی خیلی زیاد است از اینرو یگانه‌آب‌نوشیدنی سیاحین ، توریست هاواهالی آنجارا آب‌معدنی دربرمیگیرد وهریك چه درمنزل وچه درفضای آزاد بوتلی ازآب مذکور دردست وبکمال میل مینوشند این آبها برعلاوه اینکه طعم خــوش دارد دارای بوی خوش وگوارا می‌باشد کـه اشتیاق بیشتر بنوشیدن آن حس می شود . طوریکه فضای شهر (روزواگ) راتنباکو معطر ساخته است همین طور فضای شهــر البانا را خوشبویی آب معدنی پوشانده است که درهرکجا بمشام میرسد یگا نه خوراکــه اهالی که باآب معدنی البانا صرف می شــود نان مدور بلغاریایی وکباب میباشد .

«باقیدارد»

شهر کوچك ارمفلا بامنازل چند طبقه‌ای ازشهر های مقبول بلغاریه محسوب‌می‌شود.

پیوسته بگذشته

ماجرای اختطاف آدولف هایشمن

درتیرا برای آدولف هایشمن چاشت آنقدر زیاد غذا داده نشد زیرابابد اورا نرکوس‌داد. چهره اورا تاجائیکه ممکن بود تغییردادند وبه سیشیرانی قرین گردانیدن پیلوت عملـه طیاره راهدایت داده بودکه باید پوره ساعت هفت شام درترمینل میدان حاضر باشند .

یوسف کنت نیز ساعت هفت وسی دقیقه شام خودرا نزدمن رسانید کنت باید ازین جا موتری رابا خودبه تیرا میبردکه درآن آدولف هایشمن به میدان هوایی آورده میشود .

ساعت هشت شب یوسف کنت رستوران راترك گفته روانه تیرا گردید .

یوسف کنت ساعت نه شــب به تیرا میرسد درین وقت آدولف هایشمن یونیفورم عمله طیاره رابه تن دارد دوکتور آمادگـی میگیرد که اورا نرکوس بدهد آدولف‌هایشمن میگویدکه لازم نیست اورا نرکوس بدهند او آرام میباشد اماگابی به گفته او اعتناء نکرده به‌دوکتور میگوید به کار خود ادامه بدهد .

به آدولف هایشمن نر کوس داده میـشود این نرکوس به اندازه خفیف است‌که اوصرف نمیتواند حرف بزند اما وقتیکه مااورابه‌موتر میبردیم‌دونفر دوطرف اورا قایم گرفته‌اوبـه پای خود میرفت .

ایفیضی درترمینل میدان عملیات راانسجام میدهد درپارك ترمینل عمله اصلی طیاره در دوموتر انتظار میباشند ایفیض هدایت میدهد که هیچکس نباید ازموتر ها پیاده شودبوره ساعت ۱۱ شب بودکه یك تن ازاعضای‌گروپ عملیات خودرا به میزمن‌نزدیك ساخت‌اوگفت: موترازتیرا رسیده من فورا از رستوران خارج شده به طرف پارك رفتم .

درموتر آدولف هایشمن دریونیفورم عمله طیاره در سیت عقبی درحالیکه دریك طرف آن دوکتور ودرطرف دیگرآن یك جاسوس دیگر نشسته بود دیده میشد انسان فکر می کرد که اورا خواب برده .

درپارك ترمینل سه موتر آماده رفتن بـه طرف طیاره بودند من به پیلوت طیاره هدایت دادم که حین عبور موتر اواز دروازه‌کنترول آنهاباید تا حدیکه ممکن است با ماموریـــن کنترول شوخی کنند تاآنها متوجه دیگر موتر هانشوند .

هرسه موتریکی به تعقیب دیگری ازپارك ترمینل خارج گردیده به طرف دروازه کنترول روانه شدند درموتری‌که آدولف هایشمن‌بود دوکتورنیز خودرا مثل آدولف هایشمن بـه خواب زد .

یوسف کنت بعدا جریان را برایم چنین تعریف کرد :

موتراول دردروازه کنترول توقف کردمامور کنترول نزدیك موتر آمده فورا راگبین موتر به‌سخن گفتن همراه اوآغاز کردند بعدازچند جمله مسخره آمیز اودروازه راباز کرد بدون اینکه موتر دوم وسوم راکنترول کند هرسه موترخودرا به طیاره رسانیدند آدولف‌هایشمن ازموتر پائین کرده شد اورا محکم گـرفته سرپـا ایستاده کردند و دربین عمله اورادر زینه هابالا بردند.

روشنی انداز زینه هارا روشن کرده بـود اماهیچکس متوجه نشد که یك نفر عمله را کمك میکند آدولف هایشمن به چو کـــی نشانیده شد ودرپهلوی اودوکتور نشست سه نفر دیگرنیز مانند اوخودرا به حالت خـواب بردگی قرار دادند خوشبختانه داخل طـیاره کنترول نگردید .

من دریك رستوران دیگر ترمینل رفته ودر آنجاکدم انتظار من بودما هردو خاموش‌نشسته بودیم چندلحظه بعد آواز دلخراش پروانه‌های ماشین به‌گوش مارسید کیدم بمن گفت ایـن طیاره ماماست چند لحظه سپری گردید کــه طیاره ماماز میدان به‌هوا بلند شد .

اعضای گروپ عملیات که باهایشمن پرواز نکرده بود وباید هرکدام ازراه های دیگری پرواز میگردند خودرا به سالون ترانـزیت رسانیده منتظر پرواز طیاره های‌خود بودند

بقیه درصفحه ۵۱

پیلوت طیاره ایکه هایشمن رابه اسرائیل نقل داد

آدولف هایشمن عقب میز محاکمه

ترجمه ونگارش خلیل عنایت

به‌استقبال کانگرس جهانی زنان

زن سمبول مهر ومحبت عطوفت وفداکاری است .

مساوات ، انکشاف وصلح :

در عصرماتحقق بخشیدن‌این شعارارزشمند زیادتر آن طبقه راعلاقه مند میسازدکه درطول اعصار وقرون درشدیدترین شرایط ومحکومیت اجتماعی قرار داشتند .

بالاخره اجتماعات بشری به این تفاهـم رسیدند که موقف وموقعیت زنان را دراجتماع بررسی نموده رول وموجودیت حقیقی زنان را برای نیل به‌اهداف اجتماعی وضروریات مادی ومعنوی بشری تحقیق نمایند .

حالا این حقیقت به اثبات رسیده که بدون فعالیت اجتماعی زنان واشتراك مثبت آنها درین امر بشریت نخواهد توانست در راه پیشرفت وترقی قرار گیرد .

بخاطر بزرگداشت ازمقام والایی زن سـال ۱۹۷۵ بحیث سال بین المللی زن درسرتاسر جهان شناخته شد که تاحال درطول این‌سال درهمه ممالك جهان فعالیت های ارزشمنـد و مفیدی بخاطر احیای حقوق زن صورت گرفت که مادرینجا ازکنفرانس های بین المللی این سال‌که تاحال به مقیاس بزرگتری صـورت گرفته یادآوری مینمایم .

ازتاریخ ۱۹ جون الی دوم ماه جولائی در مکسیکو کنفرانس بین المللی بمناسبت ایـن سال دایر گردیده بود که درآن هیات هـای زنان ۱۳۳ مملکت اشتراك ورزیده بودنددرین کنفرانس اعضای نمایندگان دولتی وغیردولتی وموسسات جنبش های آزادی بخش ملـی اشتراك نموده بودند .

درین کنفرانس روی مو ضوعات عمـدهٔ بین المللی وتحکیم صلح جهانی مباحثـات زیاد صورت گرفت ودرختم کـا ر کنفرانس اعلامیهٔ به نشر سپرده شد که درآن مساوات، انکشاف وصلح رابرای همه زنان جهان اعلام نمودند .

مباحثات که داخل آجندای این کنفرانس‌بود همه موردبررسی قرار داده شده ومورد تائید همه اعضای کنفرانس قرار گرفت درقطع نامهٔ که‌درختم‌کنفرانس‌بنشرسپرده شدحقوق‌وبرابری زنان درفامیل واجتماع، تحصیل وکارکردن و دریافت دستمزد مساویانه مطابق زحمت شان تائید واعلام گردید .

قطع نامه لزوم مبارزهٔ خلقهارابخاطرجنبش های رهائی بخش ملی وحق حاکمیت ملـی ومبارزه برضد امپریالیزم ، کـلونیالیزم و نیوکلونیالیزم، صهیونیزم وهمه انواع تبعیض نژادی، بدست آوردن خاك دیگران به اعمال زورتائید نمود .

درفیصله نامهٔ کنفرانس اعلام گردید کـه مناسبات بین ممالك باید به اساس زیسـت باهمی قطع نظرازستم اقتصادی و سیاسی به اساس احترام به حقوق یکدیگر واحتـرام بحقوق حاکمیت ملی یکدیگر باشد .

دراعلامیه همچنان مبارزهٔ تمام ممالـك را بخاطر تحکیم وحفظ صلح، خلع سلاح عام‌وتام واصلاحات بنیادی وعمیق اقتصادی برای‌تحقق پیشرفتهای اجتماعی زنان تائید نموده وپرابلم های اساسی تساوی حقوق زن ومرد را در اجتماع مساوی اعلام نمود .

درفیصله نامه های دیگریکه درین‌کنفرانس بعمل آمد حقوق تامین صحت طفل ومـادر، وضعیت زنان دردهات ، تامینات اجتماعـی خصوصا برای زنانیکه کار کرده نمیتواننـد وغیره خصوصیات نیز مورد بحث قرارگرفت.

درختم کارکنفرانس همبستگی وابراز هـر نوع کمك مادی واخلاقی به زنـان ویتنـام، افریقای جنوبی وزنان فلسطین وعرب وچلـی اعلام گردید .

بعین ترتیب کنفرانس های بین المللی‌زیاد دربسیاری ازممالك بمناسبت سال زن دایـر گردید که همه به منظور احیای حقوق زنـان درسرتاسر جهان قطع نامه ها وفیصله هـا صادر نموده اند .

اکنون برای آمادگی و برگزاری کـانگرس جهانی زن چندی قبل جلسه اجرائیه ایـن کانگرس دایر گردید که ریاست کمیته جلسه رافریدابراون وسمت معاونیت آنرا ایلزاتیـلا بعهده داشت .

بقیه در صفحه ۵۱

زنان پیروز می‌شوند

به مناسبت سال بین المللی زن

نوشته :راحله راسخ

وقتی صفحات زرین تاریخ بشریت را ورق بزنیم می توانیم زندگی زنان را در ادوار مختلف به اشکال مختلف مشاهده کنیم.

مثلا زمانی او را کل اختیار و حاکم بر همه امور اجتماعی می‌یابیم و فرصتی هم برده ومحکوم مرد.

زیرا سیستم های نابرابر اقتصادی واجتماعی جوامع طبقاتی زن را عملا در ملکیت مرد در آورد وموقف و موجودیت ممتازش‌رادر اجتماع بشری محو ساخت.

مگر زنان آگاه و مبارز لحظهٔ آرام نگرفتند و چون امواج‌خروشان یکی عقب دیگر ظاهر شدند و نه تنها برای آزادی خود بلکه برای آزادی همنوع و نسل های بشر از یوغ استعمار و بردگی ، داخل میدان نبرد شدند . شجاعانه‌مبارزه کردند وافتخارات بس با ارزشی برای خود ، عالم بشریت و جهان زنان کمائی نمودند.

که تاریخ بشریت تجلی دهنده‌ی منعکس کنندهٔ همهٔ این مبارزات وسیع و پیگیر زنان برای نجات ورهائی ایشان از محکومیت‌هاست وهمچنان گویای خوبی ازاشکال گوناگون قربانی ها ، ایثار و فداکاری های زنان دلیر و با شهامت در سراسر جهان بوده و خواهد بود.

خوشبختانه جنبش های دیموکراتیک زنان بخاطر صلح وآزادی درسالهای اخیر به سرعت قابل ملاحظهٔ اوج گرفته و گسترده تر گردیده . مخصوصاً جنگ های ویتنام ، تجاوزات اسرائیل در خاکهای اعراب ، پروبلم ها،بحران عمیق‌وکشیدگی‌های ممالك‌وکشورهای جهان‌همه‌و همه عواملی بود که تفکر عمیق واحساسات انسانی زنان سراسر دنیا مخصوصا روشنفکران ومبارزان را بخود جلب نمود تا انگیزه های این پروبلم‌هاومشکلات را نه تنها به خاطر بهتر شدن وضع زندگی فامیل های شان دریابند بلکه بخاطر مساعد شدن شرایط زندگی اجتماعی مرفع تر برای نوع بشر به مجاهده‌ومبارزه پیگیر ودوامدار آغاز نمایند.

زنان آگاه و پیشگامان نهضت های زنان درك نموده اند که‌مبارزه زنان در همه گوشه وکنار جهان با مفهوم یگانگی آن تفاوت های دارد . طور مثال شکل مبارزه زنان آسیا در بیداری قاره آسیا با مبارزه زنان افریقا متفاوت است.

همچنان زنان اروپا ، امریکا و استرالیا به اشکال مختلف و به اقتضای شرایط عینی برای آزادی ورهائی خویشتن می رزمند که البته هدف و غایه مشترك است ولی به اشکال متنوع تبارز میکند.

باید متذکر شد که در جهان امروز و شرایط کنونی که انسانها در فکر مهار کردن سیارات اند ومیخواهند در فضای خارجی جائی را برای بود و باش انسانها تدارك نمایند وهم در جهان نو که همه مردم چه زن و چه مرد به ترقیات وپیروزی های چشمگیر نایل می‌شوند چه جهت دارد که در برخی از ممالك جهان نیمهٔ از پیکر اجتماع بشری از حقوق حقهٔ خود محروم اند ودر عقب دیوار های یأس ونا امیدی زیست می‌کنند واز کلیه مزایای انسانی بی بهره اند.

اما زنان بااین همه رنج‌وارمان‌و مشقات زندگی ، از آینده نا امید نیستند و به امید رسیدن‌به‌پیروزی امیدوارند و بخاطرش از مبارزه دست نمی کشند.

زنان جهان که در شرایط کنونی برای احقاق حقوق تلف شدهٔ‌خویش جدوجهد دارند تنها نیستند بلکه مردان ترقی پسند و منور و گروه های اجتماعی با سازمانهای‌گوناگون اجتماعی در سراسرجهان‌درین نبرد بازنان همسنگر اند . چنانچه سازمان ملل متحد که اکثریت قاطع آنرا مردان تشکیل میدهند چنین تجویز نمود تاسالی را بنام سال بین المللی زن تخصیص دهد و سریعا اعلام نمایند که تااکنون درحق زنان ظلم و تعدی سریع صورت گرفته واز حقوق انسانی بهرهٔ کافی نبرده اند و با محرومیت های فروان دست وپنجه نرم‌نموده اند ، پس بایست درین جهت به اقدامات وسیع دست زده شود تا باشد که برای احیای حقوق تلف شدهٔ زنان کاری انجام گردد.

وبه تعقیب آن (دههٔ انکشاف) درهمه ممالك برگزار می گردد و امیداست طی این دهه ، عدالت پسندان جهان به خاطر آرامی و رهائی زنان از تبعیض و سایر مشکلات‌حیاتی متحدا برای‌ساختمان جوامع فارغ از تناقضات اجتماعی ورفاه همگانی در جهان بکوشند تا در آینده زنان با مردان اعضای متساوی الحقوق جامعه بوده‌وفارغ ازتبعیض وامتیاز زیست نمایند.

زیرا عصریکه‌مادر آن زندگی می کنیم خواهان شرکت همه افراد اجتماع چه زن و چه مرد به‌صورت دسته جمعی در مبارزات به خاطر صلح و آرامی همگانی و بهبود وضع زندگی نوع بشر است واین امر از خواسته ها وخصوصیات عصر ماست و حکم زمان ما.

دوه سیوري...

مین افغانپور

ببری چه‌هماغسی دکلی ددوکان مخی ته ناست ودلمر سترگی تـــه وکتل اوبه بی حالی سره یی‌باز گل ته‌وکتل اوبیایی دیوی خولی نصوارو غوښتنه ترینه وکړه. باز گـــــل دنصوارو کدوگی ددوکان له دی خوا څخه ورخطا کړ. ببری دکدوگـــی خوله خلاصه کړه ښه‌یی دخپل گین لاس زغویی ترینه ډک کړ او بیا یی نصوارخولی ته وا چول او کدو یـــی بیرته بازگل ته ورار تاو کړ.

خو شیبی غلی ناست و. دژبی بیخ یی‌له سوی سره تخنیده ا و یـــه دکه خو له یی ددوکان څنګنی نه چه ساروان نومیده وویل:

ـ«هلکه ساروانه په هیڅ شی‌کی گټه نده پاتی!»

ساروان چه تر اوسه پوری غلی ناست واو دببری او بازگل خبرو ته پام نه‌ؤ. دخپل زړه حساب کتاب پریښود او ځواب یی ورکړ:

ـ«همدا سی ده ببری آکا! گټه به څنګه پاتی وی زه‌نیم من بوره‌راوړم دلتـــه یی کلیوا ل به پور را څـخه وړی. ولاکه به‌یی په پیسو پو هیږم چه څنګه راکوی. سړی لدی دوکا‌ـ نداری نه پښیمانه شی!»

او پدی خبری بسی یی په کلیوا لـو باندی په تورونو او تومتونو پیل‌وکړ چه: پلانی می پیسی خوړلی.بیستانی می پخوانی پور نه را اداء کوی او پلانی ته‌می چه چای په پور ور کړی وداوی ددرمندو وخت هم تیر شوخو زما قرض نه‌را کوی .او ببری پـــه رندانه توگه یوه شو چه ساروان دده له‌خبرو څخه‌د خپلو غمونو دژړلـــو استفاده کوی .داوار یی باز گل تـــه وویل:

ـ«نه یواځی داچه هیڅ شی کی گټه نده پاتی، همدا شان هم چل او تګی زیاته شویده !»

بازگل نا څاپه راپه خود شو. سترگی یی وغړولی اود ببری پـــه ځواب کی یی څو نامفهومه خبـری وکړی .

او بیرته غلی شو. هغه دچرسو په‌غم کی‌و. اونه پو هیده چه ما ښام ته‌به بیاچرس له‌کومه کوی .

ببری، بازگل او ساروان دری‌تنه ملگری وو چه‌له سهاره تر ما ښامه به‌به همدی دوکان کی سره نا ست وواو خبری به‌یی سره کولی.دهغوی په‌ژامو کی نور غاښونه، نه‌و پا تی. سرونه یی سپین واوله پنځو ســـو اوشپیتو نه‌یی عمرونه اوښتی وو.

خوسره لدی چه ددی‌وارو د ښه سړیتوب دعواوی کولی دری واړه په‌خپلو گټو پسی سم‌وو اوپه‌کلیوالو پسی به‌یی سپکی سپوری هم ویلی. کلیوال چه کری‌ورځ په خپلو کارونو پسی سم وو، ددوی په ویناووپسی نه‌تلل اونه یی غوږ پسی گراوه.

ببری به‌چه له سهاره راغی نو دکلی په خوا ناؤ به یی بد ویل.او چه اوریدل به یی دپلا نی کلیوال زوی له ښوونځی څخه خلاص شوی اوپکاز لگیدلی نوبه یی داسی خپله کرکه ښودله لکه چه دسر دښمن یی وی.

دباز گل خو ژوند چرسو وربر باد کړی واو چینجی خوړلی تـــوت ته ورته و چه یواځی و چی څانگـــی وریاتی وی .

پنځه جریبه ځمکه یی گرو و.او یواځی یوه چمنی ځمکه‌ور پاتی‌وه‌چه هرکال به‌یی ویل چه پسرلی شی نوزه به‌پیسی پور کړم مزدوران به نیسم او جرونه به ورته کینم او دا به به آبادوم .خو دادی دیر شی کاله کیدل چه داتمه نه وه ترسره شوی. او چمنی ځمکه هما غسی‌پاتی وه.

او ساروان پدی کلی کی‌دسپږی په څیر ژوند کاوه .هغه دکلیوا لو په‌کالیو او پوټکو کی ژوند کاوه. نه یی ښځی واو نه‌یی پوله وه. خو لــه خپلی کوچنی هټی نه‌به یی پیسی ایستلی . چای شکره ، تیل ، رخت دڅراغ پلته، پتاسی .گوړه، ما لگه. تار، ستن او داسی نور، هغـــــه شیان وچه خر څول یی او پیسی یی په‌اخیستلی .

له ښاره یی بوره په یوه نـــرخ اخیسته اویو په لسه به‌یی پـــــه کلیوالو باند ی‌پلورله. نوځکه دهغـــه کار دسپږی‌کارو، چه‌دبل چادپوټکی وینه وځیښی، برته لدی چه پخپله کار وکړی او دخپل مټ زور ویلـــی کړی .دری واړه به‌له سهاره تـــــر ماښامه پوری‌به دوکان کــــی سره ناست و. دوی به‌یو تر بله دخپلـــو خپلو ځوانیو لابی کولی. اوپه‌خبرو کی خو یوتر بله‌میړنی وواو دځوانی له کاروایی گانو څخه خو یی داسی ښکاریده چه‌یو هم بی زړه اوډا رن نه‌وی. دری واړه‌دښو مخوروکوزنیو زامن وو اوپه زړور تیا کی تر ټولو ختلی اومنلی وو.

خو په دوی کښی دببری ډیـــر زړ شپن و.

دهغه په‌تیره بیا دخپل گاو ندی گلبت سره‌ډیره ورانه وه. گلبـــت یوؤخت دده بزگرو .خـــو وزو وزو داسی ورځ هم راغلی وه چه‌د گلبت له‌کوزه به دببری کره شپومبی ور تللی خو ښځی به‌یی نه ورته ویـــل چه شپومبی له کومه را غلی دی.

گلبت یواځی دوه جریبه ټهـــی دزلود. خو وزو وزو یی دوه جریبـــه ټهی هم په خپلی «شفی» کی له‌ببری څخه هم اخیستی و. سره لدی چه‌د ټهی په اخستو کی هم ببری له‌گلبت سره ناروا کړی‌وه .گلبت دوه زامن دزلودل چه‌یو یی په ښار کی په کار لگیاؤ اوبل یی په‌کلی کی سبــــق وایه اوهم یی له‌پلار سره‌یه کروندہ کی کار کاوه .دببری خو له گلبـــت سره له یوی خوا پدی دښمنی وه‌چه دهغه بزگر واو بیایی دهغه دپلارنی جایداد دوه جریبه په نغـــدو پیسو اخستی واو اوس یی گذاره قدری هم کیدله. اوله بلی خوا دگلبـــت زوی چه خپل ښوونځی یی خـــلاص کړی و په ښار کښی په کومی نوکری لگیدلی واو داخبره ببری ته ډیـــر دردونکی وه چه دگلبت کلیوال‌زوی دی‌به سړیو کښی کښینی، پاځی. اوډیمه وچه داکیدی شی چه خدای گلبت ته‌دوه زامن ورکړی واوببری ته‌یی یواځی دزی لوڼی .

ببری یو وخت ښه موړ و.دیرش جریبه ټهی یی دزلود . یه کلی کی یی له‌خا نانو سره ناسته پاسته وه. په‌واده او خیرات کی‌به برسر کینا‌ـ سته .

خو چه وزو وزو یی ټهی په نس وخوړ نو اوس ایله دوه جریبه‌باغچه وریاتی وه. او هومره چاپه مخورو کی‌نه شمیره. سره لدی ببری دزوی ډیر شوقمن و. دهمدی لپاره یـــی یوواده وکړ چه اتیازره پکی ولگیدی اوچه پنځلس کاله وروسته یوه شو چه‌زوی یی نه‌کیږی نو بیادی ته اړ وت‌چه بله ښځه وکړی اودی ښځی هم‌یوه لور را وستله اوبیا تپه پـــه ځای ودریده. اویو وخت داسی هم شول چه ببری بیا واده هـــم نشو کولی اوپخپله هم کړوپ شوی و.دا ټولی هغه وجی وی‌چه له ببری څخه یی‌یو بدبینه سړی جوړ کړی و.د هغه شته هم‌څه په‌غټو خرڅونو څـــه په‌ودونواو‌څه په‌ملا اوتاویزونو بر باد شوی وو.

اوله سهاره به‌چه دا دری واړ ه ملگری سره کیناستل تر ما ښامـــه

بوری به‌یی په خلکو پسی سپکی سپوری ویلی او خلك ټول دوی ته خپل دښمنان ایسیدل. خو ساروان له‌ډیر څه احتیاط سره ،هسی نه چه کلیوال یی خبرشی اوبیا سوداترینه ونکړی. خو دببری او بازگل خولی چانشوی نیولی .

دببری کرکه او نفرت هغه وخت له‌گلبت اود هغه له‌زویه لازیات‌شو په‌کلی کی گونگوسی شو چه‌دگلبت مشر زوی غواړی چه دببری منځوی لور گلابه‌وکړی.اوهو!دی خبری‌دببری په‌مره اور باندی تیل ور وشیندل‌او ټول وجود غوږ غوږ شو اوپدی لټه کی شو چه وپوهیږی خبره څه ده؟ اوآخر یی ښځی په ناچـــاری سره اعتراف وکړ چه:

–«یو دوه واره دگلبت ماند ینـی داخبره ماته یاده کړی هم ده!»

نورزغم نه‌و پکار. آخر داشرم یـی چیرته وړی وای‌چه گلبت،دده‌پرونی بزگر دی پاڅی، او دده سیالـی دی وکړی. دی چه له پلار اونیکه نـــه مخورو. په سرپیو کی حسا بیده!دا هیچری نشوه کیدلی. خو دا خبری یواځی دببری خبری وی. هلته دده په‌کور کښی دواړو ښځـو او دری واړو لوز گانو یی دگلبت زوی ماڼو ته‌په ښه نظر کتل .ځکه چه هغه به یوی ته تار ستنی بلی ته گلا بتون، دریمی ته دړی او همداسی نورو ته له‌ښاره سودا گانی او سو غا تونه راچلول .

او ټولو دماڼو په ښه سړ یتوب باور درلود .

او ببری پدی خبرو نه پو هیده. ببری پدی هم‌نه پوهیده چه منځـوی لور یی، گلابه، ماڼو ته گنډونه اود بوزی دوسما لونه ور گنډی .او چه ماڼو هره جومه کور ته راځی نــو گلابه ورته لکه پوکه کیږی او خبری خوالی سره کوی .

څومره بی خبری !

دجومی یو ماخستن و چه دروازه وټکیدله. ببری ور خلاص کړ. آه!

–«دگلی دجومات مــلا صاحب!»

لایی له ملاسره‌جوړ تازه نه‌وکړی چه شاته یی گلبت ولید په سترگو یی توره شپه شوه. دگو تو پـــه څوکو اود شو نډو په سر یی ستړی مشی ورسره وکړه. خو خیر کورته وردننه شول. چای مای، خبری‌مبری پوښتنی موښتنی‌هر څه وشول. او ملاصاحب څو واره وټو خیده او بیا یی دخیر دکار په‌باب او پدی باب چه شریعت ټول مسلمانان په واده کولو موظف گرځولی دی.خبری‌وکړی اوداسی یی نتیجه واخیستله چه‌تر دی‌به لوی اوښه کار نه وی هغه هم چه‌ځلمی ښه هلك، پوه اود سړ ی گاونډی وی . دانو دز غـــم وړ نه وه!

ببری داخبره سر بیره پردی چه ونه‌منله ملاته یی مخ وروا ړاوه او ډاډیی ورکړ چه‌د گلبت یوشل زره روپی په‌ما باندی دی .زه به هغه هم نن‌سبا کی له‌هره خوا چه وی ورته برابری کړم نوری دی دا خبری‌ماته نکوی .

زموږ گاو نډیتوب نشو کیدی‌پاتی کی‌خپلوی او خینښی. آخر انصاف‌ښه شی دی!

اوپدی توگه گلبت په غـو صی سره کور ته راغی .

* * *

یوه هفته نه‌وه وتلی چه ببـــری دخینو نورو کلیوالو په مرسته دخره غلاپه گلبت اود هغه په زوی با ندی واړوله. اوپه حکومت کی یی عرض پی وکړ .گلبت حیران پاتی ؤچـــه ببری ولی داسی کوی .

خو کله چه حکومت‌ته سره‌ورغلل نو هماغو کلیوا لو لومړی شا هدی په‌ببری باندی ورکړه چه:

–«صاحبه، دببری خر ندی ورك. بیگاه ما خښتی چلولی هغه می ترینه بیولی و!»

اوببری په‌ډیر قهر او غوصی سره خمکی او آسمان ته ښکنځلی وکړی اوپه تیره بیایی په هغو کلیوالو ډیر بدوویل چه له‌ده سره یی دمر ستی وعده کړی وه‌خو لومړی شا هدی هم هغوی پی ورکړه .

اوبیا دملك په منځگړ یتوب حکومت له‌گلبت ځخه خط واخیست چه‌ناحقه تومت دی په‌چا باندی نکوی. اوملك پدی هم ملامت کړچه کوم وخت چه ستا دخره غلا کیده دگلبت زوی‌ماڼو

پاتی په ۵۸ مخ کی

بحث تربیوی

ترجمه : میر جما ل ا لد یـــن فخری

درس زندگی

جوان بیست و پنجسا له ا ی خودش رابه میزم نزدیك سا خت‌و گفت:

ـشما لکچر عالی و فوق العاده ای ایراد نمودید ولی .. فکر نمی کنید که این لکچر را قبلا با یـــد ایراد مینمودید ؟ میخوا هم بگویم که آنچه شما فرمودید من مجبـور بودم سالها قبل آنرا میشنید م، هنگامیکه مکتب درس میخوانـــد م باید این سخنا ن رامی فهمید م. در صنو ف نهم و دهم با ایـــن مطالب باید آشنا یی میدا شتیـــم درآنصور ت شاید جلو بسیاری‌از اشتبا هاتی راکه مر تکب شده ام می گرفتم .ولی حالا دیر است . زمان رانمی توان معکوس چر خاند دختر م حال بزرگ شده و بزرگتر شده میرود ..

لکچر ی که ایراد کرده بودم در مورد رسو م خانوادگی و کلچرحیات فامیلی بود.

لازم است که ازهما ن و قـــت جوانان رابرای ادامه حیا ت ز نـــا شو هری آماده سا خت ؟و چـــه وقت‌لازم است تاآنها را اصلابرای زندگی آماده بسازیم ؟میگو یند :

هرقدر پیشتربهتر ، و من‌اضافه میکنم که هر قدر معقو لتر خو ب تر.

چرا این مسایل را اکثرا د ر ـ ساعات ادبیات ویا مضامین‌اجتماعی آنهم به‌ندرت مورد بحث قـرار مـی دهند ودر مورد مناسبا ت‌خانوادگی عشق وازدواج سخن میزنند واضح است که‌در پرو گرام این مضامین قضاوت‌روی همچو مسایلی که از آن‌یاد دهانی شد پیش بینی نشده است.

مادر سده بیستم ز یست داریم اطفال ماهوای همین قر ن راتنفس میکند زودتر رشد می یابد . مـــا خودما آنها رادر جریا ن بســـی اطلاعات ومعلو ما ت قرار مید هیم، علاوه ازآنچه راکه مابه آنها مـــی‌ـ آموزانیم خودشا ن نیز به آنچـــه احتیاج وعلا قه دارند به انحاء ـ مختلف فرا میگیرند ، نه تنها در چار چو ب مکتب ، بلکه در محیـط خانه، در جاده هادر اجتماعا ت‌ودر هر جاییکه قدم شان برسد به این امر مبادر ت میورزند .

عشق چیست؟ در سابـــق عشـــق‌ـ چگو نه تلقی میشد و امروز عشق‌با کدام مفهوم تلقی مـــی شود؟ عشـــق کدام پرابلم هارا در برابر انسانها قرار مید هد ؟

مامعلمینیکه در صنو ف بـــــالاتر مصرو ف تدر یس می باشیم دیر مدتیست متو جه شده ایم که‌بعضی ازپسرا نو دختران درمورد زندگی آینده خانوادگی بصورت منحر فانه‌ـ ای تصورا تی دارند .

دختر ها به این فکر اند که‌قبل از همه باید حیا ت خویش راوقف کاروبار رشته و مسلك خویش باید نمود مسایل خانوادگی و فا میلی، طفل وشو هر رانباید در نظرداشت وهرگاه از(مسلك مورد لاقه)سخـن درمیان میاید مسایل دیگر تماما ـ باید تحت الشعاع قرار گیر نـــد.

پسران هم این عقیده را پیدامی کنند که‌خانواده و زند گی خانوادگی سدی برای پیشر فت کار است‌و مانعی برای رشد در ارتقاء .

همچو عقاید طبیعیست کـــــه محصو ل ز حما ت تربیو ی مـــی باشد. مفهو م ابتکار و خلا قیت، کار ومو فقیت را ما هیچگا هی بـــا مناسبا ت خانواد گی و زند گـــی اجتماعی مربو ط نمی سازیم و کلمه (وظیفه) را هیچو قتی شامل‌وظایف پدری ومادر ی نمی سازیم . روزی یکی از متعلما ت صنف دهم مـــن گفت‌که هدف او در زند گی ایجاد یك یك انقلاب درسا حه تعلیم و تربیه است یعنی او نمی تواندتا هدف اصلـی خویش را بـــــد ست نیاورد به همچو مسا یل خا نه‌و خانواده حتی بیند یشد اوبه ایـــن موضوع صادقانه و قلـــباً اعترا ف کردولی کو چکترین یقینی نداشت.

وپسران می پرسید ند : خا نواده یعنی‌چه ؟ برای چه مثل این بودکه شاید بدون آن همه کـــارها روبراه خواهدشد .

باوجود این هم آنها در مـــورد آنهاییکه بی اندازه به وظایف‌وکار های‌شا ن علاقمند ند بصور ت‌قاطع اظهار نظر کردند .

ـ من این چنین ز نی را نمـــی خواهم من زنم رانمی گذ ارم کار کند ، بگذ ار امور خانه را وارسی نماید واز اطفا ل سر پرستی و ـ تربیت کند .

به این مو ضو ع علاقه گر فتم‌و پرسیدیم:

بهتر است در کنج های تنهایی هم راجع به سعاد ت وخو شبختی خودفکر کنیم.

ـواگر اوخودش نخواست ؟

ـآنچنان ز نی خوا هم گر فت‌که درخانه بنشیند واین کار را قبول کند.

وخواسته های زیاد از حد بیش ازهمه زاده ایجاد خود خوا هی‌هاو عدم مواظبت است که رو ی‌عادات «هسته محیط خانواده باید با شـم» استوار است . و هر گاه این آرزو ارضاء نگر دد هما نجاست که عدم توافق یك بادیگر ایجاد می گردد. علاوه ازآن باهمچو کرکتر ها کـــا ر مشکلترمیگر دد ولازم است تاعلاوه از ایجادیك فضای عشق و محبت (عشق با حوصله و فدا کاری) ـ چیزی را هم به مفاد طر ف مقابل باید قربان کرد. همین، جاست‌که فضا برای مباحثه و مشا جره‌آماده میشود میدان برای دویل حـــا ضر میگردد و حاصله آن به هر کسی

ژوندون

چرازند گی را مغلق تصور کنیم
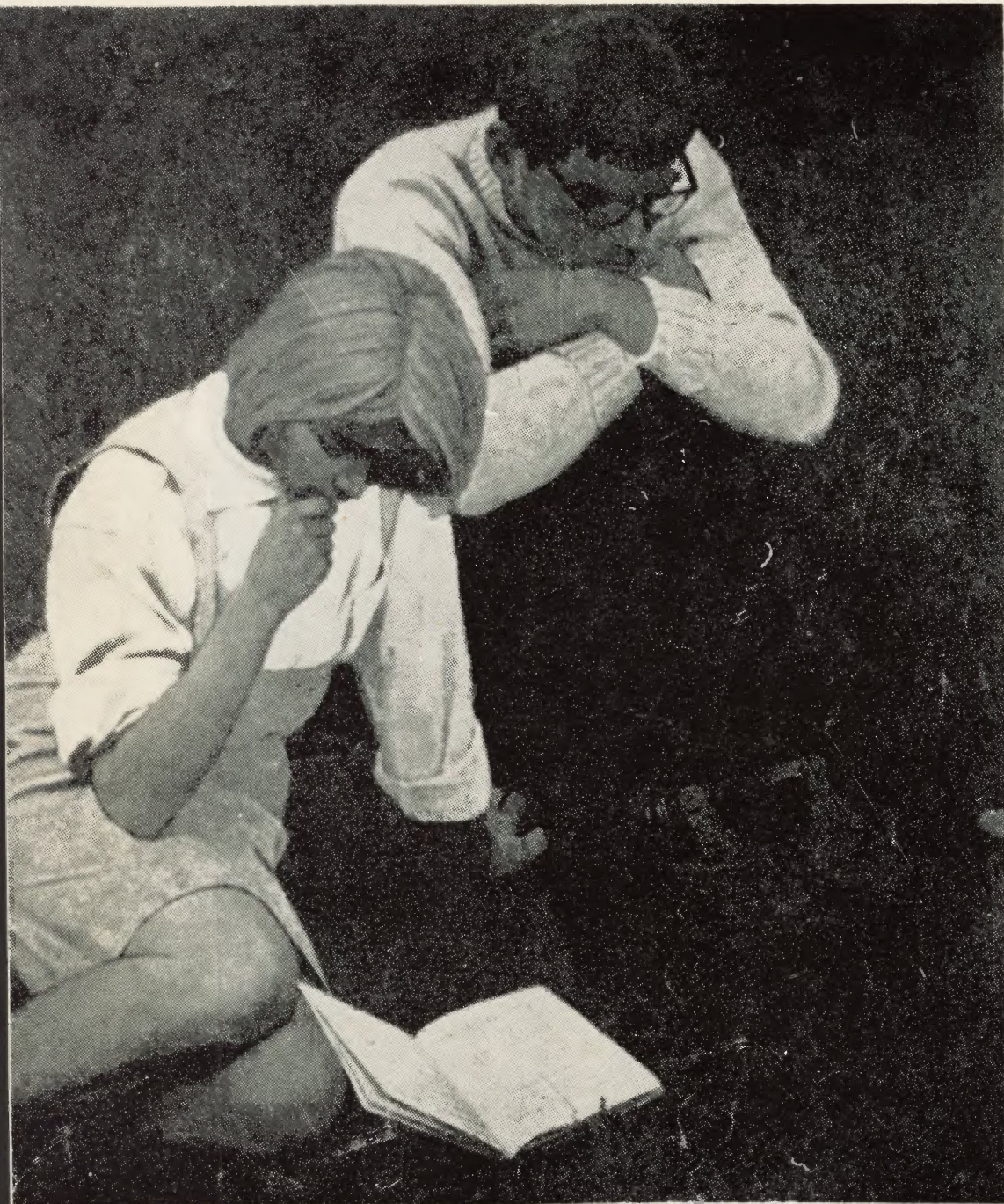
هویدا است بدین معنی که فا تـــح دربین هیچیك نمی شود . ـــــ
وقتی دو نفر (یك پسرویكد ختر) به‌زند گی مشترك آغاز می نمایند. طبیعی است که آنها یکدیگرخویش راتربیه مینمایند . مثلا دختر پسر را پاکیز گی ونظا فت رایاد میدهد وپسربه دختر دقت‌وملا حظه رامی آموزاند . ولی اکثرا آ نها حدود امکانا ت خویش را فرامو ش مـــی کنند ودر این فکر می افتند که‌هر طور ی هست آنچه را من میخواهم باید همانطور بکند . بدین معنی‌که هرچه میخوا هم بکن، هر چه مـی خواهم بخوا، من بهتر م، چو نکه من—(منم).

حکمت وخرد، طاقت و حو صله بزودی‌حاصل نمی شود ، سا لهادر کار است تاهر کاری ازروی دانش وتعقل انجام گردد و مقابل هــر عملی ازصبروحو صله کار گر فته شود. و تاو قتی با هم جنگی اند جاروجنال ونز اع های پو چو لا مفهوم‌ادامه دارد این نزاع هاوقال ومقال ها تهدا ب زند گی فا میلهای جوان رامی شا راند .

امکانات‌این‌موجود است کــه انسانها در دوران مکتب را جع‌به نزاکت های فا میلی ویسکو لو ژی حیات خانوادگی قدر ی فرا گیرندو درآنصور ت است که اشتبا هات بعدی‌کاهش‌یا فته ونا ملا یما تی‌که دراثر آن چه خورد سالان و چــه بزرگان رنج می کشند کمتر مـــی گردد ممکن است برای طفلــــی تشریح این مو ضو ع بسهو لیت میسر گردد که چرا پدر ش اینجا زندگی نمی کند وآنجا جاییکه — دخترك دیگری دارد با او بصور ت دایمی زند گی می نماید ودر نتیجه گفته شود آیا او انسا ن خوب‌ویا آدم بدی است ؟

وچگونه باید با او رفتار شود؟
یکی از علل اشتبا ها ت همانا عقیده داشتن به عشق های‌افسانوی است عقیده به اینکه عشق معجزه میکند وبصور ت ناگهانی انسانی را استیلا کرده نوری از عشق‌پدید میاید و آنچه هست ویا نیست — روشن میسازد وتمام این اعمال‌خود بخودی اجرا می شود بدو ن آنکه قوه ای در کار باشد . در ینجـــا فرقی باید بین همچو عشقی‌وعشقی که ماخود ما میسازیم باید و جود داشته باشد .

به‌وظایف آینده ما باند یشیم‌یا به‌زند گی آینده ما

عشق ها ییکه حاصله آن خو ش بختی خانواده ها راببار آورده بـــه صورت عمو می بر خورد هـــای اتفاقی بوده ودر مرور ز مان ایـــن عشـــق پایه های استوار تری پیدا نموده وتحکیم یافته است و بایـــد اذعان نمود که خو شبختی و بـــد بختی‌ما انسانها به خود ما مربو ط است‌وبس . زیرا خو شبختی مـــا محصول ز حمت و فداکا ری خود ماست . هر چه بیشتر بپر دازی

اضافه‌تربدست می آور ی) و لی بعضی ها اند که آرزو دارند بدون مصر فوبدو ن پر داخت جنسی رابه رایگا ن‌حاصل نمایند . شاید درزند گی همچو حادثه ای نیزاتفاق بیفتد ولی‌بی دوام و نا پایدار است اگر مد ت آن‌اضافه گردد در آن صور ت تور م احساسی بو جود خواهدآ مد. آنچه را بدست آورده ایم‌بی ارزش خواهدشد .
شوهر خودخواه از عشق وعلاقه

مفرط وبی حد خا نمش سوءاستفاده میکند واین عشق اورابی ارز ش‌می داندزحما ت اورانمی نگرد و هر چه فدا کاری از ز نش سر مـــی زندبه این عقیده می باشد کـــه (وظیفه اوست) واین ا مــــر طبیعیست .
ایثار و فدا کاری روز مره زن هیچ چنگی بدل همچو شو هران‌نمی زند وزند گی روز بروز ملال آورمی

بقیه در صفحه ٦١

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

زرغونه انا

زن شجاع وخردمند

۱۱۱۰ــ ۱۱۸۰ هجری

کلمهٔ مطنطن و زیبای « انا » که معنی مادر کلان را مید هد در طول تاریخ توأم باسم میرمن زر غو نه والدهٔ ماجده اعلیحضرت احمدشاه بابا بوده است و مخصو صاً ا ز روز گاریکه اعلیحضرت ا حمد شاه درانی لقب«بابا» رادریافت‌نمود زنان افغان نیز بمادرش «انا»خطاب‌کردند وتاکنون در تاریخ ز نان نا مدار کشور ما بهمین لقب یاد میشود .

زر غو نه انا ازمادران ممتازومرد آفرینی است که در آغوش پـــر عطو فت خو یش شخصیت هـــای زمانه ساز را پرورده‌اند . وی‌فرزند نابغه و برو مند خویش رااز گهواره تاتخت امپراطوری تـــعلیم ا د ب شجاعت و همت میداد چنا نـــکه معروف است در سال ۱۱۷٤ هجری هنگامیکه احمد شاه بابا در نـــتیجهٔ مشوره بابزرگان واراکین قوم د ر زمینهٔ اعمار شهر جدید قند هـــار تصمیم گر فت چنان شهری ا عمار نماید که دارای هفت حصار و چند خندق باشد تا ازحملهٔ دشمن‌محفوظ بماند . چون زر غونه انا از ا یـــن نظر ، تصمیم آ گهی یافت فر ز ند قهر مان‌خویش را بخانه فرا خوا ند نصایح ،نمودمند واندرزرا باو گفت:

زویه !دا خبره ښینگه پـــه غو ږ کښی ونیسه ... چه‌پښتونٔ هیځکله دخاورو دیوالو نه پنا نه‌وړی او نــه

په خندق خان له غلیمه‌خوندی‌کوی! پښتون دخدای په‌مرسته اوپه خپـــل وچ موټه خان اووطن ساتی .

که ته پښتون وی ، او په‌حقیقت کښی د پښتانه د غیر ته ډکی ترتا پوری را رسیدلی وی نو په خـــپل پښتنی همت او استقا مت به خان او پښتون اووطن و سا تـــی ... خوښی دیوالونه او خند قونه مـــه جوړوه !!

ږدی دیوالو به یواځی زه او تــه خوندی شو هغه پښتنی‌وریندارگانی اوپښتانه وروڼه چه ددی خند قـــو او دیوالو و ها خوا ته دی هغه له تا شخه ساتنه نه غواړی؟؟ او هم ته باید دومره انتظارونه‌باسی‌چه‌دښمن ترشره یوره رارسیږی !»

میگویند اعلیحضرت احمدشاه‌بابا این پند پیرانه وبخردانه مادر رابجان ودل شنید واز تصمیم خو یش باز گشت و یك دژ معمولی آبادکرد .

زرغونه انا در مراحل‌مختلف حیات نظامی و مخصو صاً درهنگام کشور گشائی پسر تاجدار خویش بحیث يك مادر شیر دل و خرد مند د ر تشجیع ور هنمائی او سخت کوشید وحتی در اغلب موارد که افوا هات نادرستی‌را پیرا مون‌شکست‌پسرش در محیط پخش می‌نمودند. شجاعانه قد بر می‌افراشت و بابیانی شیوا آن افواهات خصمانه رارد می کرد.

بقیه در صفحه ٦١

دښځی دبین المللی کال په مناسبت

ای ښځی!

ای ښځی ! نه دخپلی مبارزی‌زمینه فقط په دغه‌کال کښی چه‌نورو در ته ټاکلی ده مه محدو دوه . مخ ته ولاړه شه ، دکړ او نو زغمنه وکړه او ددرو صلو نو په رو ښنا یی (مسا وا ت، انکشاف او سولی)سره په ډیروتیارو کنجو کښی ، په لیری کولو کښی درڼا ساحو کښی نفوذ وکړه‌دوهمونو پردی ځیری کړه او ستونزی لیـــری کړه ؟

هو! نور نو هغه پردی چه گـــن کلونه یی ستاسو استعدادو ښیگنی پټی ساتلی هغه دپردی چه‌ستاسو د پرمختگ وره ته یی په راز رازنومو اینښی وی ماتی‌کړه، لیری یی‌وغورزوه له منځه یی یوسه او د باطل وا لی خط پری کاږه.

خو هغه کاروان چه په تاپسی پـــه حرکت کی دی نور یی کم مخنیوی مخ نه رانسی یوه شیبه هم‌ځند مه کوه، په تیرو ختو کی دزمانی دسیر او دتاریخی شخصیتونو دکار ناموته نظر واچوه او وگوره چه دهغه پـــه اړدو کی ښځو په ملی انقلا بو نو او اجتماعی نهضتو کښی څنگه موثـــر رول لوبولی دی .

هوکی ! پخوانیو دورو ته وگوره، دجنگ دسنگر او جنگیا لیـــــو سه دملالی او میرمن زر غونی هغـــه مبارزی چه دوطن په لار کښی کړیدی درپه یاد کړ . دتاریخ او فرهنگ نه راو گرځه هلته چه اسارت او قید په چوکاټ کی پټ افتخارونه اودهمدی ارزښتو نو له مخی هغه شخصیتونه چه دپردی تر شاپټ‌دی ژوندی اودتل لپاره به ئی نوم باقی وی .

په پوهنه کی داسی ښځی لکـــه محجو به هروی ، رابعه بلخی اونورو نامتو ښځو نمونی گنی لرو چه پخپلو زړه وړونکو شعرونو سره‌یی دخپل وطن سیواد او پوهنی کلچر، عنعنات او ښیگنیی ور پیژندلی دی .

اوس چه ته دکار وانلا ر ښوونه پر غاړه لری پر له پسی مبارزه‌وکړه استعدادونه را وپاروه، دخیرو اونش ویلوله سورلی څخه دعمل په ډگر کښی ، دخرافاتو سره وجنگیږه او هغه ځنځیرونه چه دزیاتی مـــودی را هیسی ستا دوړاندی تگ مانـــع گرځی و شلوه .

ننی ډیری ښی پدیدی غوره کړو زاړه اونوی نسل دوطن پالو اومبارزو څوا نانو دپیوند څخه خان پیژندونکی افراد منځ‌ته راوړ .پهلونان و روز ه، دشاعر پالنه و کړه او دپښتنومیرمنو داحسا ساتو درا پارونکو په لټه کښی دنهضت څخه دفاع وکړه.

زنان در همه نقاط جهان در امو رتولید بامردان همکار و وهمپیکاراند اینها اندکه آینده داران اجتما ع را ربیت می نما یند عهده دار امور منزل اندو بالاخره در مزارع وسا یرامور اجتماعی دو شا دوش مـر دان کار می‌کنند ورنجها زیادی‌رامتحمل‌می‌شوند

مسئولیت‌های اجتماعی زنان

چند پراگراف از نوشته آمنه جلال

دراجتماع کنونی زن و مرد سهم مساوی دارند البته‌مادران‌وخواهران فهیم وبادرك بیشتر مورد نظر ماست که آنها با استعداد خود به اعتماد بازوان و دانش خود یقیناً علاوه از اینکه حیات فا میلی ر ا صمیمانه تعقیب میکنند و ظیفه دارند تابرای رسیدن به اهداف مقدس اجتما عی نیکو بیند یشند اینکه گفته اند زن بیك‌دست‌گهواره وبه دست دیگر جهان‌را تکان میدهد نیکو گفته اند .

زیرا همین زن ها و دختران امروزی در پی ریزی و تر بیه اجتماع سالم رول برازنده دا ر ند تدویر امور منزل انسجام بخشیدن به امور منزل و بالاخره رهنمو نی عدهٔ از اطفال امروز که آینده‌دارا ن جوامع بشری اند،وظایف بس‌سنگینی است که زنان به‌عهده دارند .

فرزند سخن شنو ، با تر بیه وظیفه شناس امروز جوان صادق ، کار آگاه و ر هنمای ا جتماع فردا است اگر در تربیه پی‌ریزی‌نخستین خشت بنای اجتماع د قت نمی شود یقیناً تعمیر زیر بنا ء استوا ری ندارد از اینجاست که زنان با دانش میتواند باتر بیه اطفال ورزیده به اجتماع خدمات بس مهم‌وباارزشی رابه جهان بشر یت انجا م دهند

بر خلاف مادرانی که با تأسف درین آز مون چانس بد میگیرند و اطفال لا قید ، هرزه و فاقد تعلیم‌و تربیه به‌اجتماع تقدیم می کنند هر لحظه اجتماع راتکان میدهند .

مادرحالیکه مسئولیت زن‌رادرین چند سطر مختصر تشریح نموده‌ایم امیدواریم به همین احساس عا لی انسانی در تربیه اطفال‌ونونهالا لان همت گمارند و امیدوار باشند که نتایج ز حمت کشی ایشان هـما ن انعکاسات اعمال اطفال ایشان‌است که در حیات اجتماعی آینده خواهند دید و شنید .

صفحات روزگار وتاریخ بشریت‌مشحون ازسر سپردن ها وجانبازی هاو فدا کاری هـا مـادران در راه‌خو شبختی فر زندان شان است

بزرگترین آرزوی من‌ا ینست که‌برای تمام کودکان جهان ،آ ینده سعادتمندی در دنیا ی که صلـح‌حکمفرما باشد ترتیب داده شود .
من معتقدم که‌زنان ایجاد کننده‌این‌پیروزی می‌باشند .

«اوژنی گوتون»

تصنیف مادر

اثر شاعر بدیهه سرای وطن‌محمود فارانی

مـادرم ای مـادرم ای مـادرم
خاك پایت سر مهٔ چشم تـرم
دامن پاك تو برتر از بهشت
مهر تو افتاده مارا در سرشت
خط پیشانیت نقش‌سرنوشت
مـادرم ای مـادرم ای مـادرم
خـاك پایت سر مهٔ چشم ترم

* * *

رشتهٔ جان جهان در چنگ تو
عزم مردان جهان ـ آهنگ‌تو
برتر از او رنگها اورنگ تو
مـادرم ای مـادرم ای مـادرم
خاك پایت سر مهٔ چشم تـرم

* * *

از قدومت شدزمین‌ارزنده تر
ماه ومهر ازروی‌تو تابنده تر
چرخ تاریخ‌از توشد گردنده‌تر
مـادرم ای مـادرم ای مـادرم
خاك پایت سر مهٔ چشم تـرم

* * *

مادرم ای مادر دانای مـن
مهر تو روشنگر دنیای من
گر ندانم قدر تو ایوای مـن
مـادرم ای مـادرم ای مـادرم
خاك پایت سر مهٔ چشم تـرم

* * *

توستی «نازو» وتو«حوتا»ستی
مریم « عذرا» ستی «مایا»ستی
یك سخن تو وارث حوا ستی
مـادرم ای مـادرم ای مـادرم
خاك پایت سر مهٔ چشم تـرم

زن‌همپایه‌انیشتاین

بسیاری ازشخصیت های علمی واکادمیک جهان، براین عقیده اند که بزرگترین دانشمند فزیك جهان خانم (چیان چیونگ وو) میباشد.

این زن‌که درتحولات دانش فزیك عصراتم، سهم به‌سزای دارد، درجهان ازشهرت فراوانی برخورداراست . وهمه‌دانشمندان بزرگ جهان ازاوبه‌احترام یادمی‌کنندوبزرگترین مجلات علمی جهان باعلاقهٔ وافروافتخارفراوان صفحات خود رابرای درج نظریات علمی واکتشافات فزیکی دراختیارش گذاشته بودند .

واکنون، درمحافل علمی، این زن راباالبرت انیشتاین ومادام کیوری مقایسه می‌کنند .

این زن عالیمقام یعنی (چیان چیونگ وو) پروفیسور دانشگاه معروف‌کلمبیاواستادبزرگ فزیك اتمی بود .

گلبرگ خونین

زخون رنگین بودچون لاله ،دامانی‌که من دارم
بود صدپاره همچون‌گل، گریبانیکه‌من دارم
* * *
مپرس ای همنشین احوال زار من، که چون زلفش
پریشان گردی از حال پریشانی که من دارم
* * *
سیه روزان فرا وانند ،اما کی‌بودکس را
چنین صبرکم ودرد فرا وانی که من دار م
* * *
غم عشق تو ، هردم آتشی دردل‌بر افرو زد
بسوزد خانه‌را ، نا خوانده مهمانی‌که من دارم
* * *
بترک جان مسکین از غم دل‌راضیم ، اما
بلب از ناتوانی کی رسد جانیکه من دارم
* * *
بگفتا چارهٔ کار دل سر گشته‌کن ، گفتا
بسازد کاراو ، بر گشته مژگانی که من‌دارم
* * *
ندارد صبح روشن، روی خندانی‌که او دارد
ندارد ابرنیسا ن ، چشم‌گریاذ ی که من‌دارم
* * *
ز خون رنگین بود چون برگ گل‌اوراق این دفتر
مصیبت‌نامهٔ دلهاست ، دیوانی که من دارم
* * *
رهی ، از موج گیسو ئی دلم چون موج میلرزد
بمو یی بسته‌امشب، رشتهٔ جانی که‌من دارم

نیز

حکایتی است نگا هت :
زگمشدنم
– به وسعت غم‌وپهنای‌بیکرانهٔ‌درد
ومیدانم :
که دروسط چشم تو خورشید نیز
تیر باران شد .

رفعت

آئینه روشن

ز کینه دور بود ، سینه ای که من‌دار م
غبارنیست بر آئینه ای که من دار م
* * *
ز چشم پر گهر م ، اختران‌عجب دارند
که غافلندز گنجینه ای که من دا ر م
* * *
به حجر وو صل، مرا تاب آر میدن نیست
یکیست‌شنبه و آ دینه ای که من دارم
* * *
سیا هی از رخ شب میرو د، ولی‌از دل
نمیرودغم دیرینه ای که من دا ر م
* * *
تو اهل در د نه ای ، ور نه‌آتشی‌جانسو ز
زبانه‌می کشد از سینه ای که من دارم
* * *
رهی ، ز چشمهٔ خو رشید تابناک‌تر است
بروشنی‌،دل بی کینه ای که من دار م

از رهی معیری

آه آتشناک

چون شمع نیمه جان ، به هوای‌تو سوختیم
باگریه‌ساختیم و بپا ی تو سو ختیم
* * *
اشکی که ریختیم ، بیا د توریختیم
عمری‌که سو ختیم ، برای تو سوختیم
* * *
پروانه سو خت یکشب وآسودجا ن او
ما عمرها ، ز داغ جفا ی تو سو ختیم
* * *
دیشب که یار ، انجمن افر وزغیر بود
ای شمع،تا سپیده بجا ی تو سو ختیم
* * *
کو تاه کن حکایت شبها ی غم رهی
کز برق‌آه و سو ز نوای تو سو ختیم

سنگ ودریا

زنا شناخته راهی دور
سپیده وار درخشیدی
دری بکوچهٔ شب بودم
صفابه سوی من آوردی
امید بخشیدی .

* * *

چوبرگ زرد خزان دیده
تنم تهی ز طراوت بود
تو شیر سبز بهاران را
تو عطر نرم گیاهان را
به تارو پود من آگندی

* * *

چگونه میرود از یادم
که موج مست نگاه تو
مرابه خویش فرا میخواند
وگاهوارهٔ پندارم
ترا چو کودک شیرین کام
به شهر خطره ها میراند .

* * *

تو هیچ دیدهٔ ای دختر
شکستن دل دریا را
خموش میشکند در خویش
غمین وسرد ودرونکا وا

* * *

تو سنگ قلهٔ غم بودی
وقلب من همه دریا بود
ترا بخویش نهان میکرد
درین شکست ، شکیبا بود .

* * *

شناختن نتوان افسوس
گلی که بوی جفا دارد
مرا بخویش کشانیدی ،
مرا زخویش رهانیدی

* * *

پرنده ها چو بهار آید
ترابه نغمه فرا خوانند
درختها و بیابانها
ملال دوری ما دانند .

* * *

دگر به رفته نیندیشم
تو نیز رفتهٔ از پیشم
دلم به سوگ تن خویشست
ومن به سوگ دل خویشم .

ادبی ټوټه :

بیوفایارته!

زما نازولیه .... آشنا !

پرون شپه چې دې له ماسره دلیدو وعده کړې وه، نوهره لحظه به مې دګړۍ ستنوته کتلې ، اوستا دراتلو لاربه مې څارله .

خو! ساعتونه تیریدل، اوشپه مخ په نمیدووه، مګرستاهیڅ خوک نه لګیده، له ډیره انتظاره نورستړی شوم، اوستا د... په غمونو کې لاهو مې دخوب خپو سترګې پټې کړې .

خو! ددې شپې خوب ډیر بداوناوړه و ، اوداځکه چې ته مې مړپکښې ولیدلې، ما چې ستادیو ګړۍ بیلتون تاب په ځان کې نه لیده، خوځنګه مې کولای شول ، چې ستا ابدي بیلتون وزغمم ؟

له ډیره ګرومه مې زړه چاودون ته نژدې وه، دغه محال ناڅاپه له خوبه راویښ شوم، اوپه دې وپوهیدم، چې ته مړنه یې اوماپه خوب کې مړلیدلې وې، نوایله چې زړه مې جګ شو، خوچې ناڅاپې مې خپلو شونډوته لاس کړ، نومې دشونډو پترو باندې لاس ولګید، او په دې پوه شوم، چې شونډو مې پترۍ نیولې وې، دغه وخت و، چې ماته سملاسې دغه لنډۍ رایاد شوه :

بیګاه مې مړ په خوب لید لــې سبامې سرو شونډو پترۍ نیولې وونه

(ز،س)

* *

اولسي ادب :

دزره داغ

بدن دې ګل ، زه یم بلبل در پسې ژاړم مـــدام
ماګړه انعام په سپین صدر دې منجرې کړلې نـــن
صدر دې باغ، په زړګي داغ دې راله راکـــړو یـــاره
چې یې په پانډ هندوستـــان لبانې سرې کړلې نـــن
زه دې جمال کړمه حلال، چیرتـــه دې سیال نشته دې
ستا په دربارمـــا غمګســـا خکـــه پیــرې کـــړلې نن
محمد دین رنګ دې په دعادشیخ رحمکار عالمه
د یار له تاوه یې رنګارنګ جوړې مسرې کړلې نن

((محمد دین تیلی)

پرنده میداند

خیل دلکش پرواز در طراوت ابر
به خواب میماند .
پرنده درقفس خویش ، خواب می بیند
پرنده در قفس خویش
به رنگ وروغن تصویر باغ مینگرد
پرنده میداند
که باد بی نفس است ...
پرنده درقفس خویش، خواب می بیند .

از: سایه

شنه خالونه

تاچې په لنډۍ زنه وهلې شنه خالونه دې
لیرې که نقاب له مخې تاته مې سوالونه دې

* * *

تاچې په لنډۍ زنه خالونه شنه خلور کړه
لاردې دانګریز کړله کمیس دې په رنګ تودکړه
عاشقې پیزوان دې چې په نرموشونډوسودکړه
بل دې په اوربل کې په رنګ رنګ ایښې لعلونه دې

* * *

بل دې په اوربل کې په رنګ رنګ ایښې ګلاب
چارګل دې تجلي کوي په شانې دآفتـــاب
ستم په عاشق مه کوه اخر به شي تراب
سره دي په اترنګوهمیشه دواړه لاسونه دي

* * *

سره دي همیشه دواړه لاسونه په اترنګ
زلفې دې ماران دې په سینه دې کوي جنګ
مخ دې لکه شمعه تـــل پرې چفې دپتنګ
سترګې دې کولې دې پرې ویشتلې عالمونه دي.

(نوره دین)

پیوسته بگذشته

فریادهای مرگ

دست مرافشرده گفت :

ـ متشکرم . شما خیلی خوبید، پدرمقدس. آن. راامشب دیده وبااو خدا حافظی خواهم کرد. فردا لوازمم راجمع آوری کرده ازینجا خواهم رفت . ادامه دادن به این اضطراب و نگرانی دیگر معنی ندارد. ازاینکه آتیلهٔ کنار خیاط تان رادر اختیار من گذاشتید. قلبـــا سپاسگذارم وازاینکه نتوانستم پرترهٔ خانـــم کلمنت راتکمیل کنم، معذرت می خواهم .

ـ ازین بابت ناراحت نباشید، فرزندم . خدا حافظ ونگهدار شما.

پس ازرفتن اوسعی کردم وعظ خـــود را بنویسم ولی تمام حواسم متوجه لئـــورانس ریدینگ وآن پروتیرو بود. چیز سیاه، بی‌مزه وسردی رابنام قهوه نوشیدم ساعت ۵ و۳۰ دقیقه تلفون زنگ زد. بمن گفتندکه تلفـون ازمزرعهٔ لوور است،وگویا مستر ابوت درحال احتضار بسر می برد. معجلا منتظرمن‌هستند.

بعجله به قصر پروتیرو هاتلفون کشید م زیرامزرعه لوور خیلی دور بود درصورتیکـــه عازم آنجامی شدم وقت مراجعتم از شش وربع زودتر نمیتوانست باشد . ازاینکه رانندگـــی بابایسکل رایاد نداشتم، ازخودم بدم آمد .

ولی ازقصر بمن جواب دادندکه پروتـیرو اندکی پیشتر باآتوموبیل خود خانه را تــرك گفته است . ومنهم خواه نخواه به ماری گفتم که من درساعت شش وربع در خانه خواهـم بود .

ولی وقتی بخانه برگشتم ساعت حدودهفت مذاز ظهر بود. قبل ازآنکه به درب حیـــاط برسم، بازشد ولئورانس ریدینگ ازآن‌بیرون آمد. بدیدن من متوقف گردید . وضع اوفورا دقت مراجلب کرد. نگاهایش عجیب وصورتش کاملا سپید شده بود. بطور کلی‌ظاهر کسی‌را تمثیل‌می‌کردکه‌درحال‌دیوانه شدن‌بود.فکرکردم ممکنست مست کرده باشد ولی احتمال زیادی وجود نداشت . گفتم:

ـ سلام ! مثل اینکه دوباره بدیدن مـــن آمده بودید ؟ حیف‌که من بیرون رفته بـــودم. حالا بیائید بامن برگردید . باپروتیرو بـــه بعضی حساب هارسیدگی میکنیم واین زیـــاد طول نمی کشد بعد باهم حرف خواهیم زد .

زیرلب گفت: پروتیرو ! بعدبه خندیـــدن پرداخت وتکرار کرد: پـــروتیـــرو آیـــا اورا می خواهید ببینید ؟ آری حتما پروتیـــرو را خواهید دید ... آه خدای مـــن !.. آری... اورا ...

حیرت‌زده به‌اونگریستم وبصورت غیرارادی دست خودرا جانب اوپیش بردم. فورا عقـــب ترایستاده فریاد زد: (خیر، نخواهم رفـــت باید فکر کنم حتما باید فکرکنم . این شرط است.) سپس بی تامل به دویدن پرداخـــت ودرراهی که بطرف مرکز دهکده میرفت، از نظر ناپدید گردید . من باحیرانی بدنبال او نگریستم ویکبار دیگر باین فکر افتادم کـــه شاید چندجرعه زیادتر نوشیده است . سپس بآرامی بطرف خانه حرکت کردم.درب‌منزل‌ما معمولا قفل نمیشود یعنی باز است معذلك زنگ زدم. ماری در حالیکه دستان خو درا بالبش دامنش خشك میگرد آمده در ب ر ا گسود وگفت: (یعنی برگشتید ؟)

پرسیدم : آقای پرو تیرو اینجاهست؟

ـآری ،دراتاق کارتان منتظر شما ست . ازساعت ٦ وربع تاکنو ن در آنجا انتظا ر می‌کشد .

ـ مستر ریدینگ هم اینجا آمده بود ، آری ؟

ـچند دقیقه قبل آمد وسراغ شمـــا ر ا گرفت. به او گفتم که شما هر جا رفته‌باشید بر میگردید واینراهم به او گفتم که آقـا ی پروتیرونیز در اتاق کار درانتظار شمـــا نشسته است. سپس او هم بطرف اتا ق کار شما رفت وحالاهم آنجاست .

ـخیر، آنجا نیست . من‌چند لحظه قبل‌اورا درکوچه دیدم.

ـمن متوجه رفتن اونشدم . پس در اتاق بیش ازیکی دو دقیقه نمانده است. خانم هم تاهنوز ازشهر برنگشته اند.

باںگرانی واندیشه سرتکان دادم. ما ری بسوی‌مطبـخ رفت ومنهم از طریق د هلیـز تنگ شته درب اتاق کار خـــودرا کشودم . شعاع آخرین لمحات خورشید شا مگا هی که ازپنجره کتابخانه گذشته بود، برای یـــك لحظـه سبب شد تاپلك بهم بزنم . یکـــی دوقدم بسوی وسط اتاق برداشته بعد یکباره برجای خود سیـخ ماندم. برای یك لحظـــه نفهمیدم معنی آنچه می‌بینم چیست .

پروتیرو به‌وضعی وحشت آور که به هـــیچ عنوانی نمیشد آن راطبیعی قبول کـــر دروی میزمن خوابیده بود. خون تیرهٔ که از کنـار شقیقه اش جریان کرده بـــود، و حـــوضی ازخون تیره درسطح میز تشکیل میداد واز آنجا چك‌چك بروی زمین‌میریخت.

بخود آمده بطرف پروتیرو پیش ر فتـــم وقتی به‌او دست زدم کامـلا سردشده بود و دست بیجا نش که‌من بلندکرده بودم،دوباره روی میز فروافتاد . مردك مرده بودوگلو له درست به‌شقیقه ومغزش نشسته‌بود.

بسوی در رفته ماری راصدا زدم وبه‌اوگفتم بعجله به‌منزل دوکتور بایدوك بشتابد واورا بنزدیك من فرا خواند وبه او گفتم که یـــك حادثه رخداده است. آنگاه بطرف اتاق خود برگشته درراابستم ودر انتظار دو کتـــور مـا ند م .

عجب اینکه ماری دو کتور رادر منز لش یافته بود. بایدوك‌مردی جدی، تندرست‌وبلند قدی است که خطوط چهره سردی دار د . خموشانه میز کار خودرا به او نشاندادم ولی او مثـل تمام دو کتوران خـــوب، سیمایش طوری بی تفاوت بودکه نمی شد احسا س بخصوص اورا دران لحظه حدس زد. روی جسدمرده خم شده بسرعت معاینه کرد،سپس بلند شده بمن نگریست:

ـچه‌شده ؟

ـ طبیعی مرده است، تصور می‌کنم‌نیـم ساعت‌قبل.

ـانتحار کرده ؟

ـغیر ممکن است دوست من . وضع زخم رانگاه کن ! بعلاوه اگر اوخـــودش را کشته باشد . سلاح کجاست ؟ زیرا درین اتـــاق سلاحی که‌دلیل براین مطلب باشد ، و جـود نـدارد .

ـبه هیچ چیزی نباید دست بز نیم. من به‌پلیس تلفون می کنم . معمای مشکلـــی است . تـو اورا در چه حالت‌یافتی؟

وضع رابه او توضیح دادم. بعد باصدایی آهسته پرسیدم : آیا بنظر تواین یك‌جنایت است ؟

ـاینطور بنظر میرسد . یعنی غیر از ین چه‌تعبیری ازآن میشود کرد ؟ چیز عجیـــبی است. واقعاچه‌کسی تااین اندازه از اومتنفر بوده‌است ؟

ـاین را که زیاد دوستش نمیداشتنـــد، نمیدانستند ، میدانم ولی به‌این سبب کـــه نمیشود دست به‌ارتکاب قتل زد. گذشته ازین یك مو ضوع دیگر نیز خیلـــی‌عجیب است. شام امروز بمن تلفون کشینه مـــرا ببالین کسی که‌در حال مرگ بود، احـضا ر کردند ولی وقتی به‌آنجا رسیدم دهقا نـــان مزرعه مرا باحیرت استقبال نمودند و گفتند بیمار ازچندین هفته به‌اینسو حالش بهتـــر شده واز آنجا کسی برایمن تلفون نکر ده است.

بایدوك . ابرو هارا بالا کشده ا ظهـــار داشت : این خیلی جالب است. فوق‌العاده ترا ازینجا دور کرده‌اند . زنت‌کجاست؟

ـلندن رفت.

ـخدمتگار چی ؟

ـدر مطبخ درآنسوی حیاط است.

ـمسلم است که وی از آنچه در اینجـــا اتفاق افتاده . بی خبر مانده است.این‌کار خیلی بدی است. ازاینکه پروتیروامروزاینجا خواهد آمد چه کسانی اطلاع‌داشتند ؟

ـاو خودش امروز صبح درخیابان‌مرکزی دهکده به آواز بلند اینـموضوع را اعـــلان کـرد .

ـیعنی میخواهید بگوئید تمام اهالی‌دهکده میتوانستند ازین مساله آگهی داشته‌باشند. بعلاوه موضوعی نیست که دها تیان از آن آگاه نباشند . چه کسی اورا جدا د شمن میداشت ؟

درنظرم برای یك لحظه‌چهرهٔ رنگ پریده لئورانس ریدینگ وچشمان شیشه گون او بدیدار شد ولی فر صت جواب دادن نیافتـــم زیرا دوستم دوکتور بایدوك گفت:اینك پلیس حاضر شده.

هـورست ، مـامور پـولیـس قـوای امنیهٔ دهکده ما بود. ظاهر او حالتی رانشان میداد که گویا هم خیلی متفکر وهم‌شخصیت بسیار مهم است. و قتی متوجه او شد بـــم با سـلام گفت وافزود کـــه مفتش پلیس شرکجا باشد چند لحظه بعد حاضر خوا هد شد وبعد من از اوامر او پیروی خواهم‌کرد. خوب. قرار معلوم آقای پروتیرورا دراینجـــا

مرده یافته‌اند. (باچشمان پراز شبهه به‌سوی من نگاه کرد منهم سعی کردم بانگاه های معصومانه پاسخ دید زدن اورابدهم .)
هورست بطرف میز کارمن رفته‌گفت:

ـتا آمدن مفتش بهیچ چیزی نباید دست زد. آنگاه دفترچهٔ یادداشت خودرا بیرون‌آورده درحالیکه نوك قلم خودرا می لیسید طوری بسوی ماه مینگریست که‌گویی منتظر توضیح بیشتر است. من به‌او شرح دادم که جسدرا چگونه ودر چه حالتی پیدا کردم. پس ازآنکه تمام توضیحات مرابه آهستگی در دفترخود نوشت، روی به‌سوی دوکتور کرده پرسید : ازنظر شما علت مرگ چه میتواند باشد آقای دوکتور ؟

ـاز نزدیك روی مغزش فیرکرده‌اند.

ـاسلحه ؟

ـتاوقتی مرمی رابیرون نیاورده‌ایم،نمیتوان بطور قطع دربارهٔ نوعیت اسلحه سخن گفت. ولی تصور میکنم آقای پروتیرو باطپانچهٔ کوچکی از نوع ۲۵ میلی متری بقتل رسیده باشد.

من جتکه خوردم. زیرا شب قبل‌موقعی که‌بحث اسلحه به‌میان آمد لورانس ربدینگ گفته بود که‌یك تپانچهٔ موزر ۲۵ میلی‌متری دارد. مامور پولیس بانگاه سردی که فقط خاصهٔ چشم ماهیان باید باشد، بسوی من نگریسته پرسید : آقا شما چیزی گفتید؟

جواب دادم : خیر .

بدلیل اینکه این فقط یك شبههٔ ذهنی من بود ونبایستی بخاطر آن کسی را در معرض اتهام قرار دهم. مامور از دوکتور پرسید : بنظر شمااین حادثه چه وقت‌رخداده است؟

دوکتور پس ازکمی تردد جواب داد :فکر میکنم نیم‌ساعت قبل مرده‌باشد.خیلی بیشتر ازان نه.

هورست بسوی من‌برگشته‌پرسید:

ـآیا خادمه چیزی شنیده است ؟

ـگمان نمیکنم چیزی شنیده باشد ولی اگر ازخودش سوال کنید، بهتر خواهد شد.

ولی درست در همین لحظه مفتش‌سلکالک‌در آستانهٔ در پدیدار شد وی از قصبهٔ (بهنام) که‌در دو کیلومتری قصبهٔ ماواقع‌است، آمده بود. او دارای چشمان سیاه درخشنده ،پر تحرك وانرژیك بود. بغایت سرد و گستاخ معلوم می‌شد . دفتر هورست را برداشته بعجله مطالب داخل آنرا ازنظر گذرانیدوبعد گفت: حتما همه چیز رابهمزده وعلایم رانابود کرده‌اند.

بایدوك گفت : من بهیچ چیز دست نزده ام.

من‌افزودم: بنده نیز .

مفتش نگاهش به‌اشیای روی میزوحوضچهٔ نیمه خشکیده خون‌افگند.

سپس باصدای پیروز مندانه گفت: ها ، اینك‌آنچه خیلی بدرد مامی خورد . وقتی مرد که بزمین افتاده ساعتش نیز خوابیده است. بااین ترتیب فهمیدن ساعت دقیق جنایت آسان می گردد. ساعت شش وبیست ودودقیقه رانشان میدهد . دوکتور بنظر شما اینمرد چه ساعتی فوت کرده است ؟

ـنیمساعت قبل اما ...

مفتش نگاهی بساعت خود افگند : حالا پنجدقیقه از هفت می گذرد . درساعت پنج دقیقه مانده بهفت یعنی ده دقیقه قبل اطلاع دادند وجسد هم درساعت ربع کم هفت‌کشف شده بود. قرار معلوم بلافاصله شمارا به‌اینجا خوانده بودند. حال اینطور حساب کنیم که معاینه جسد هم ازطرف شماچند دقیقه وقت گرفت . آری واین حساب درست بنظر می آید .

بایدوك گفت : درمورد ساعت معین قتل من نمیتوانم بطور دقیق ابراز نظر کنم.من‌فقط حدس زده‌ام.

ـهمین برای ما کافی است.

من خواستم چیزی راتوضیح بدهم‌وگفتم: آن ساعت ...

ولی مفتش حرف مرا بریده گفت:

ـباجازهٔ تان این منم که‌باید سوال کنم . وقت ماخیلی کم است ازینجهت ترجیح‌میدهم زیادحرف نزنید.

ـامادر آن ساعت ...

مفتش بانگاهی آتشبار بسوی من دیده فریاد زد :خاموش !

منهم از او فرمان برده خموش شدم واوکه هنوز میز کارمرا معاینه میکرد، پرسید : پروتیرو چرا آنجا عقب میز نشسته بود ؟ آیا میخواسته پیامی بنویسد ؟ ها ! اینرا گفته پیروزمندانه پارچه کاغذی را ازروی میز بلند کرد. ازین پیروزی بحدی بوجد آمده‌بود که بما اجازه داد تا به‌اونزدیك شده نگاهی به‌آن کاغذ بیافگنیم . یکورق ازیادداشتهای سپیدمن بود که روی‌آن ساعت ۶٫۲۰ نوشته شده واینطور آغاز می‌شد:

«باقیدارد»

روان شناسی

آیا کار مانع دزدی کودک میشود؟

کار تحت هر شکل و عنوانی که باشد ، یك مقابله ایست با این عمل ناپسند که از کودك سرمیزند واین میل دزدی را در کودك ازمیان میبرد . کار نه تنها کودك رابسوی راستی ودرستی میراند و ر هنمایی میکند بلکه افکار متشتت وناراحتی های ناشی از وضع خانوادگی رامحو میکند . بسیار نادرست است که کودك طبیعتاً دزد و غیر قابل اصلاح باشد ، باید کو دکانی راکه بد نبال این اعمال میروند و سبب ناراحتی فکر پدر و مادر میگردند ، بکارهای درستی وا داریم . این سر گر می وعشق بکار کم‌کم کودك را ازعادتی که ممکنست بدزدی داشته با شد منصرف میکند .

آیا تنبیه بد نی دزدی را از بین میبرد ؟

اغلب پدر و مادر ها میگو یند بااینکه فر زند ما هر نوغ وسا یل بازی وسرگرمی را دارند باز هم دست بدزدی میزنند. روانشناسان عقیده دارند که کو دکا نیکه عمل دزدی را ادامه میدهند بیشترآنهائی هستند که زیاد شکنجه و تنبیه‌شده اند .

تجربه نشان داده است که تنبیهات بد نی خشن وظا لما نه

نخسه‌خوشبختی

بعضی از مردّ ها ، مثل آ هوی گریز پا ، از خانه و خانواده فراری هستند و شادی و شاد کامی را در خارج از کانون خانواده می جو یند. طبیعی است که همسران این قبیل مردان از زندگی خود وو ضعی که شوهر شان برایشان تهیه میدا رند ناراضی اند و رنج درد آلودی زا احساس میکنند . در حالیکه هرزنی با در پیش گر فتن روش حسا ب شده ومعقولی میتواند خودرا یك همسر نمو نه جلوه د هد وشوهرش را نیز در سا یه این روش‌به خانه وخانواده علاقمند سازد .

روانشناسان ، برای ا تخاذ این روش نکاتی را درنظر گرفته اندکه در پا یین از نظر شما خوا نندگان عزیز میگذرد .

این نکات ، برای ز نان و ظیفه دشواری نیست ، بلکه ر عا یت یك سلسله مقر رات و قوا نین و نزاکت هائی است که با ید ز نان آنرا مراعات نمایند . طبق احصائیهٔ که‌روا نشناسان امر یکا یی تهیه کرده اند ، زنانی که این نسخه را بکار برده اند در تا مین نظرخویش توفیق یا فته وشو هرا نشان به خانه و خانواده علا قمند سا خته اند .

این نکات عبارتند از :

۱ـ پول شو هر تان را عا قلانه خرج کنید . زیرا این پول‌محصول ز حمات یك ما هه شو هر تان است .

۲ـ خانه را تمیزوپاك نگهدارید.

۳ـ غذا را مطابق میل اوبپزید.

٤ـ صبح زود تر از خوا ب بر خیزید و کوشش نمائید که شو هر تان را با خو شرویی ا ز خواب بیدار نمائید .

٥ـ میزبان شایسته ای باشید.

٦ـ راز دار باشید .

۷ـ در مقایسه با دیگران«طرف» او رابگیرید نگذارید که از شما دلخور باشد .

۸ـ در مقابل دیگران و در غیاب شوهر تان از او دفاع کنید .

۹ـ کوشش کنید که در مقا بل دیگران او را مسخره نسا ز ید .

۱۰ـ او را همانطوریکه هست بپذیرید .

۱۱ـ از رو یداد های خوب‌باو حرف بزنید .

۱۲ـ خود را همانطوریکه هستید، نشان دهید .

ژوندون

استقلال

– بزر گترین همه غنیمت هـای‌زندگی بشری یا آنکه لا اقل بی آن نمیتوان از دیگر غنیمت ها لذت برداستقلال است .

«پارك كودوین»

–کلمه استقلال با اندیشه‌شرافت‌وتقوا همراه است و کلمه عــدم استقلال با پستی و فساد .

« ش ویننام»

–خدا آزادی را بکسانی‌می‌بخشایدکه آنرا دوست میدارد و همیشه آماده هستند که آن را نگهداری‌کرده‌از آن دفاع کنند .

«دانیلی وبستر»

– آزادی گیا هست . آنگاه کــه‌ریشه گرفت بسرعت رشد می کند.

«ج واشنگتن »

– مملکت به دارایی خود هیچگاه‌مراحل تر قی رانمیپماید بلکه تناسب آزادیست که افراد از آن متمتع‌اند.

« مونتیسکو»

– بزرگترین نیك نا می که بدان‌آراسته است عبارت از مقداروانداز‌ه آزادی افراد آن مملکت میباشد .

«میرا بو»

– هر کسی باید سعی‌کندد‌ر حیات‌خود خشتی محکم بر اسا س کـاخ آزادی بنهد .

البرت ئیل

– هرگاه می خواهید آزاد باشیدباید پرستش حقیقت را پیشه خـود سازید .

–یکی‌ازخصوصیات‌آزادی اینست‌که‌ازنظر فردی نمیتوان تصور واد راك کرد. آزادی هر فرد بستگی نزدیك‌به آزادی دیگران دارد.

«لا نژون »

«فرستنده نریمان،ن»

ویلو تو یا چار چرخه

چندی قبل بازار بایسکل و تری‌سایکل گرم بود . اما امروز چهار سا یکل (چار چر خه) بمیان‌آمده‌ودیده شود که آیا این پدیدهٔ نواز طرف مردم استقبال خواهد شــدیا خیر ؟

بحر حال چار چر خهٔ که تـازه‌به بازار آ مده است دارای دو متر طول ، یك متر عرض و ٤٨ کیلـوگرام وزن است و دو نفر برا حتی در آن میتوانند سوار شوند و ازمزایای این و سیله نقلیه یکی هـم راندن آن در زمستان است .

اما نواقصی هم‌ازقبیل پار کنگ‌ونقل دادن آن از یکجا به جای‌دیگر دارد. ودیده شود که در آینـــده‌استقبال مردم از این پدیده نو چه خواهد بود و بازار فروش آن بـه‌شکل ؟

ویلو تو چار چرخه جدید که تازه‌بمیان آمده است .

اندیشه‌های جوانان

پیغله سیما اقاق :

بنظر من مشکل بزرگ د ختران ما اینست که‌زندگی را درجامعه‌ای میگذرانند که در حال‌انتقال‌ازسنت های قدیمی به روشهای تازهٔزندگی است .

درین مر حله اعتقاد ها نسبت به سنن گذشته سستی می‌گیرد ، د ر حالیکه هنوز چیزی بظا هر بجـای آنها ننشسته است .

نسل جوان ، بطور اعم ، د ر این مر حله ، ازنظر ر وانی د چـا راختلا لات بسیار است . از طر فـی وجود سنت های قدیمی و ر سو م‌متداول ما نو عی فا صله بین نسل فر زندان و نسل او لیاء بو جـودمی‌آورد که گاه باعکس العمل ها ی خشن رو حی همراه است و ایـن‌عکس العمل ها سبب میگردند کـه بعضی ناراحتی هائی را در بیــن‌خانواده ها ایجاد نما ید .

نباغلی محمد اکبر اکبری : یکطرف و فر زندان آنها از طر ف روابط بین پدر ها و مادر ها ازدیگر ، همیشه مورد گفتگو ومباحثه بوده است .

آگاهی والدین به اصول تعلیم‌و تربیت واطلاع آ نان از نحوه بــار آوردن فر زندانی که‌رو حاً و جسماً سالم باشند ، مسئله‌ای است کـه هنوز بسیاری از خانواده های‌مارا بخود مشغول ساخته است وکسانی در این راه تو فیق یافته‌اند کـــه خواسته ها و مشکلات ز ند گــی امروزی جوانان را درك کرده اند .

رو نا دانشجو فارغ التحصیل لیسه آریا نا :

اجتماع امروزی تشریك مسا عی را در پیشبرد امور کشور بین همه افراد ملت خواهان است وتــمام افراد جا معه یك بدیگر ا حتیــاج مبرم دارند . چه فرد نمی تواند که به تنهائی زیست نماید همانطوریك مملکت بدون کمك جوانان و افراد باهوش و دانشمند نمی تواندبه‌پایهٔ تر قیات نایل گردد پس بر جوا نان‌لازم است که در راه تر قی و تعالی کشور عزیز شب و روز گام هــای‌فراخ تری بر داشته و ز حـما ت زیادی را متحمل شوند .

گل محمد غوثی:

اگر دختر و پسری وا قعاً بهم عـلا قمند باشند وبخوا هندخانوادهٔ تشکیل دهند ، مهریه نمی توا ند برا ی آ نها مسئله‌ای بـا شد . متا سفانه بعضی‌پدرهاومادرهاتصور میکنند باتعیین مهریهٔ سنگین‌ارزش دخترانشان را بـالا میبرنــد د ر صورتیکه حقیقت غیر ازین ا ست‌و مهریه نمی تواند ضا من‌خوشبختی یك د ختر باشد .
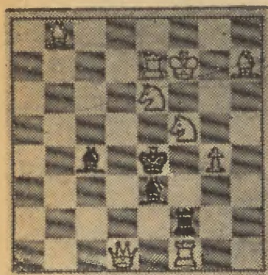
سرگرمی ها

مرتب صفحه صالح محمد کهسار

مساله‌شطرنج

درین مسا له سفید بـــازی را شروغ نموده در دو حرکت سیاه را مات می کند.

چند اختلاف

بادقت میتوانید در یابید که‌رسام‌این تابلو هنگامیکه نقش ماهیگیررا درآب رسم میکرده است، چه اشتبـاهاتی را مرتکب شده‌ودر کدام‌قسمت ها ماهیگیر با تصویر خویش در آب‌اختلاف دارد.
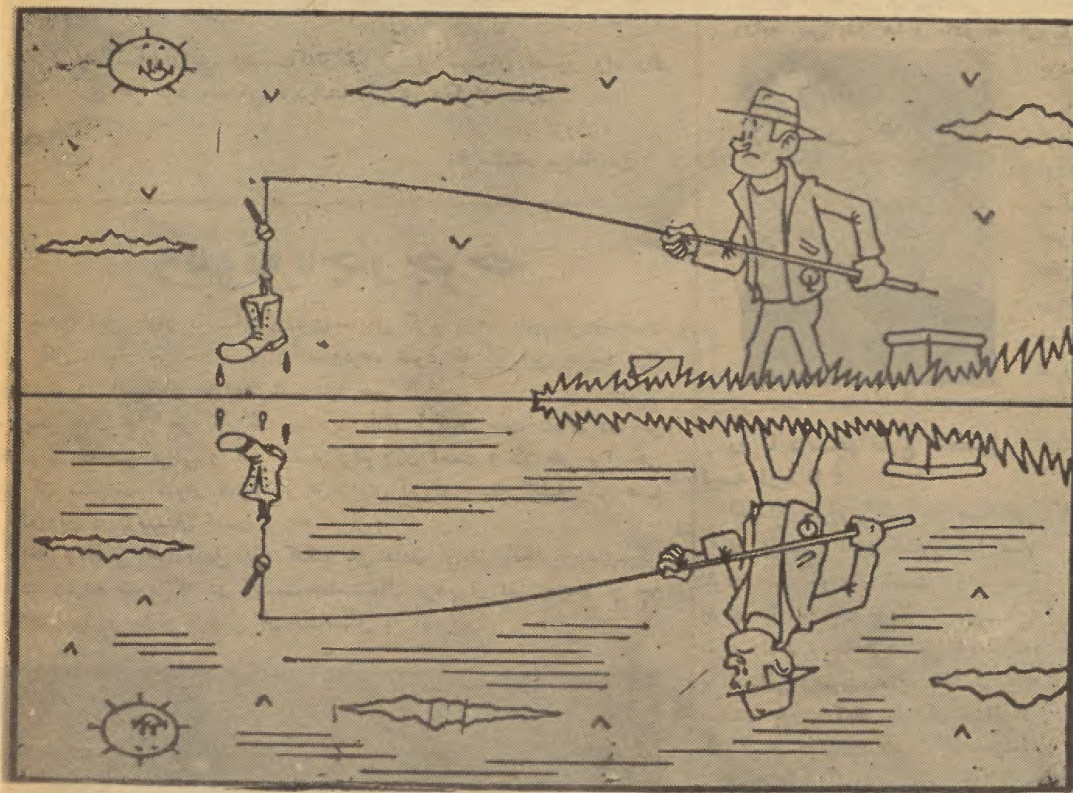
کودک دیروز چهره سرشناس امروز

قیافه آدمیزاد طی سالهای دراز زندگی تغیرات محسوسی پیدا میکند اما آنچه باصطلاح مایه اصلی آن‌است ثابت میماند نمونه آن چهار نفری است که در اینجا می بینید این‌قیافه ها ی بچگا نه امروز چهـــره هـــای سرشناسی هستند و در میـــــدان سیاست و جهان سینما شهـــــرت فراوانی دارند بایك نگاه دقیق‌میتوان تشخیص داد که این بچه های‌دیروز امروز چه میکنند .٫. اما برای اینکه گاز تان سهلتر با شد یـــاد آور ی میکنیم که یکی ازین چهار نفرامروز رئیس جمهور یکی ملکه سومی ستاره ای برجسته و چهار می هنر پیشه معروفی است . بدین ترتیب‌شناختن آنها کار ساد ه‌ای است .

جدول کلمات متقاطع

افقی

۱ـ از کشـور هـای جـهان ـ کشوزیست در آسیا اماکوچك ـ

۲ـ خود ما ـ باغ نا رسـیده ـ سمبل باریکی ـ

۳ـ ایستگاه پشتوـ لازم ـمریض به آن شفا می یابد ـ مهتاب ـ نماز داد و پا یانش ـ

٤ـ بین پسر و پدر ـ هر قدرآنرا بخوانید نه می رنجد ـ در تشناب می باشد ـ ماهی پراگنده شان ـ

٥ـ براد ر پدرـ با روز های‌باران می باشد ـ پایان ـ درد دوام دار ـ

٦ـ از پایتخت های جـهان ـ دروازه دهن ـ حرف جمع ـ کو های است در آسیا ـ

۷ـ نصف ژاله ـ از خوانندگان رادیو کابل ـ در عدالت میکنند ـ عددی است ـ

۸ـ از آلات آهنی ـ متلاطم‌به‌املای غلط ـ

۹ـ نصف میله ـ مخترع کاغذ از چوب ـ کلمه ربط ـ

۱۰ـ از سبزیجات ـ جمع قمر ـ

۱۱ـ صد هزار ـ معشوقه جلالی ـ دهن پرندگان ـ اجداد ـ

۱۲ـ وجیبه ـ دوحرف هم جنس دردواخانه ـ معکوس‌جن ـ اله تعقیب طیاره ـ

۱۳ـ در بین خوبی ـ محبت ـ ضد سفید ـ در سر می روید ـ

۱٤ـ مار مغشوش ـ فیر کردن ـ تونل پراگنده ـ مور مخترع ماشین آن است ـ

۱٥ـ شروع و پایان تیم ـ یـك لسان ـ شاخ شکسته ـ کارگـــر میکند ـ ضد داشت .

۱٦ـ نام کوتاه ـ از فلزات ـ داغ نشده ـ دیوار ـ

۱۷ـ نویسنده کتاب فاجعه‌آسیای سبز ـ اثری از گراهام بل ـ

ـعمودی

۱ـ: علم هستوی ـ ملکه مصرقدیم که باز هر مار خود را کشت ـ

۲ـ: دقیق پشتو ـ کلمه ربط ـ ضد راست ـ دو حرف در دوخانه ـ

۳ـ: نزدیك ـ التجا کردن ـ از میوه جات‌مفید ـ آتش پشتو ـ موسیقی شبان ـ

٤ـ: نوبت پشتو ـ منسوخ نشده ـ ضرر ـ از خوردنی ها ـ

٥ـ: کوك بی آغاز ـ اسباب ـ بیسم«ترس» معکوس ـ جنگ‌انداز ـ

٦ـ: جای نمایش ـ خودما ـ حرف ربط ـ سرش را ببرید تالیمو باقی بماند ـ

۷ـ: ما در عرب ـ خبر ساختن ـ از لیسه های کشور ـ عددی در پشتو ـ

۸ـ: شان و شوکت ـ اثری از گورکی ـ

۹ـ: از غله جات ـ مخترع سیم داخلی چراغ ـ در شب میسو زد ـ

۱۰ـ: احتیاج به خوردن غـذای زیاد ـ فسخ شده ـ

۱۱ـ: حالش در لسان دیگر ـ چیزی رانگاه کردن ـ از ولسوالی‌های غرب کشور ما ـ درنده ـ

۱۲ـ: از جواهرات قیمت بها ـ نصف صلیب ـ هردو یش یکـــی است ـ منکر ـ

۱۳ـ مرگ دوام دار ـ همه اش‌یکی است ـ از خزنده گان ـ حرف ربط ـ

۱٤ـ آمر میکند ـ مهربانی ـ ساکت و بی شر وشور ـ از اسم ژان ژاك رسو ـ

۱٥ـ از اعداد ـ دل محبت ـ ازآتش خیزد ـ

۱٦ـ دست کوتاه ـ رسـیدن ـ محل ـ کر معکوس ـ

۱۷ـ از کشور های جهان ـ اثری‌از تولستوی ـ

فلمها و هنر پیشه ها

مسابقه این هفته ما درین صفحه عکس‌هشت‌هنرپیشه زن‌ومردراچاپ نمودیم شما باید برای مابنویسید کدامیك ا زهنر پیشگان زن درکدام فیلم بایکی ازین هنرپیشه های مردهمبازی بو دند ودر ین صـــو رت اسامی هردو هنر پیشه وفیلمی که‌آندو مشتر کا در آن بازی‌کرد ه‌اند ضروری است کسانی که میتواند حد اقل اسم چهار فیلم را با نـــام صحیح هنر پیشگان آن برای مـــا بنویسد عکس حل کننده را چـــاپ میکنیم .

خاطره خو شی‌از سیما واحدی‌موقعیکه درتورنمنتی بخا طرانتخاب‌بهترین باسکتبا لر بر گزار شده بود اشتراك داشت

در مسا بقه تیم سرخ وآبی یك مدال نقره یی ازطر ف پو هنتو ن برایم داده شد که علاقه مرا بشدت به سپور ت زیاد نمود

بهترین ونخستین مسابقه باسکتبال

بین لیسه آریانا ولیسه جمهوریت

قدر دانی از یك ورزشکار ما یه‌افتخار اوبوده می تواند

مادراین شماره به سلسله معرفی وآشنایی چهره های ورزشی‌مصاحبه بامعلمه ورزش لیسه آریا نا انجام داده ایم که اینك مختصرا تقد یم می‌شود.

این معلمه ،ورزشکار خو ش‌خلق ولایقی است که ازسال ٤٩ بدینسو بنابرعلاقه مفر طی که‌به ورزش دارد عضو کلپ پو هنتو ن است‌وباسابقه (۹) ساله سپور ت باسکتبا ل یك تن‌ازچهره های درخشا ن نسوا ن‌در عالم ورزش محسو ب میشود .

سیما واحدی که تازه (۱۸) بهار زندگی رادیده واز آغاز ا مسا ل‌بـه حیث معلمه ایفای وظیفه مینماید — آرزو دارد که درسا حه سپور ت — فعالیتی ازخودنشا ن بد هد واز این راه مصدر خد متی گردد از وی — که‌تا هنوز در صنف ١٥ دارالمعلمین عالی تحصیل میکند خواستم تا در باره نواقص و خو بی های سپورت آن لیسه چیزی بگو ید ؟

وی چنین لب‌به سخن کشود:در لیسه آریانا دوتیم ورزشی و جود داردتیم باسکتبا ل وو الیبا ل امــا ساعات درسی این ورزشکاران کمو ناکا فی است از اینرو کمتربه‌مشق وتمرین پرداخته‌میتوانندشما میدانید عدم وقت کافی برای ورزشکارباعث عقب افتادن ورزش میشود ورزشکار اگر کار نکند به‌نواقص واشتباهات خود پی برده نمی توا نند حالااداره لیسه و تر نیرها به همرا هی‌معلمین مسلکی تلاش دارند تا ورزشکاران این‌لیسه بقدر کافی تمرین کنند تادر رشته های مطلوبه شا ن پیروز ی‌به دست آورند و تربیه بهتر شوند.

گفتم ممکن‌استدرباره مسا بقا ت کمی بیشتر صحبت کنید؟ گفت: بسیــا ر خــو ب لیســـه آریانا امسال چند بار مسابقه نمود، امـــا مسابقه ایکه برای بار اول ایــــن لیسه با لیسه جمهو ریت‌انجام‌دادند فوق العاده خوب بود من از استعداد وبازی همه ورزشکارا ن بخصو ص پیغلو زر مینه ،سلطانه ،ذاکره وثریا که‌از لیسه عایشه درانی آمده یـاد نموده آنانرا قابل تمجید میدا نم‌اما دیگران رابه نسبت که بازیهــــای بی مزه و حسا ب نشد نی دارند نام گرفته نمی توانم.

باز از این معلمه سوال میکنم: که برای اینکه مسابقه بهتر و خو بتر جریان پیداکند کدام نکا ت با یــد مدنظر باشد ؟

فورا میگوید : برای جریا ن بهتر مسابقه نخست اعضای هر تیــــم اتحاد و همفکر ی داشته باشند و سپس در مسابقه باید از تاکتیك های‌سپور ت استفاده شود آنهـــم تاکتیك های جدید تا ورزش شکل بهتر رابخود اختیار کند و مسابقه‌به شکل دوستانه و رفیقانه بمیدا ن کشیده شود .

پر سیدم که آیا با سابقــه (۹) سا له ورزش به‌دریافت کدام جایزه نایل شده یی؟ به‌پاسخ گفت: بلی یکبار در مسا بقه با سکتبـــا ل که‌بین تیم سر خو آبی دایر شده‌یك مدال نقره یی بدست آورد م‌همچنان در مسابقه دو می عین مدال ازطرف پوهنتون بمن داده شده است کــه برایم ارزش نهایت بزرگ داردوبان افتخار میکنم . و قتی می بینیم‌تاحال همه سوالاتم در پیرامو ن ورزش‌بود لذابی مقد مه از او می پرسم: اوقات فراغت تانرا چگونه می گذرانید ؟

سیما لحظه چشما نش را به میز رنگ ورو رفته میدوزد و بعــد میگوید:

بقیه در صفحه ٥٣

سیما واحدی

الکساندردوما

الکساندر دومایکی از مشهورترین رمـا ن نویسان فرانسه استکه درسال ۱۸۰۳ در ویلرکوترت بدنیا آمد. وی پسر یکی ازجنرال های فرانسه بود .

دوما چون دارای خط زیبایی بود پس از اتمام تحصیلات ابتدا دریك دفتر خانه بکار منشیگری پرداخت وسپس به عنوان منشی وارد خدمت یکی ازبزرگان آندوره گشت .

الکساندردوما در حا لیکه بیش ازبیست فرانگ پول نداشت به پاریس رفت وشغـل معلمی دستگاه دوك اولسان رابه عهده‌گرفت، ولی ذوق نویسندگی اورا بنوشتن داستانهای کوتاه کشانید واولین کاروائرش نمایشنامه «هانری سوم ودربارش» بودکه درسال۱۸۲۹ درپاریس به معرض نمایش گذاشته شد. ازآن به بعد داستانهای زیادش بچاپ رسید ودوما ازفروش وازدرآمدش زندگی مجلل وبا شکوهی ترتیب داد .

مهمترین آثار دوماعبارت انـداز : سـه تفنگدار، گردن بندخانم موسورو، ملکه مارگو، ژوزف بالسامو، پاسداران چهل وپنج ساله، آموری، لالهٔ سیاه، تاثرات سفر، گودال جهنم خداوسیله سازاسـت ، تبعید شدگـان ، ابوالهول سرخ ، برجکج وکنت مونت‌کریستو رامیتوان نامبرد .

دومادرسال ۱۸۷۰ باجهان فانی وداع گفت.

ارسالی : احمد اجمل امین

عبدالرشید ایوب

گل وبلبل

گلـی در باغ میکرد خود نمائـی — سرش مست از غرور های جوانی
هزاران عاشـق دیرینـه دارم ... — به ناز و عشوه وهم دلـربـایـی
نسیم هر صبح آید بر طـوافـم — به مثل شمع وپروانه فـدایـی
همیشه عـا شـق من است بلبل — گـر فتار منست او جـاودانـی
صـدای نـالش بلبـل بگو شـم — که میخواند سـرود مهـربـانی
ولی هر گـز بگوشم ره نـدارد — همه رازو نیـاز زار خـوانـی
طنین نغمه اش خـوانـد وفـا را — ولی از مـن نبینـد بـا وفایی
در آن ساعت کـه‌گل میگفت باخود — وزید از بوستان بـاد خـزانی
فسرده شد از آن بـاد وغمی شد — تنش لرزید ورنگ شـد زعفرانی
بگفتا : آه ! افسوس ودریغـا! — که زود رفتم ازین دنیـایـی فانی
تنش لرزید و برگهایش بر افتاد
دلش سرد شد زآب زنـده گـانی

نوشته صامد
پیوست به گذشته

هنگام‌غروب

به‌اینجاوآنجا ،فلان‌وزارت‌خانه وفلان فابریکه و فلان موسسه ، ولی از آنجائیکه بی چیز بودیم همه در ها بروی ما بسته بود دیگر آهستـه آهسته نامید میشدم که یکـی از دوستان پدرم به یاری ام شتا فـت ودر اثر کوششهای او استخـدام شدم .

و آنروز که در اخیر برج معاشم را گرفتم خوشی عجیبی برایم دست داد .

درست غروب روز بود ، نسیـم بهاری روی بر گها و شاخـه های د رختان میخزید و من در حالیکه همه چیز را بخود آشنامی پنداشتم باشوق وعلاقه خاصی روانه خانـه بودم ، عکس آنروز های که ازرفتن به خانه احساس خجالت میکردم.

زندگی بخور و نمیری داشتیـم وبدینترتیب روز ها و ماه هـا می گذشتند .

صبح سر کارم می رفتم وغروب‌ها آنوقت که خور شید با تن خسته به بستر می رفت من‌هم‌یکنواخت بخانه میرفتم .

یکی از روز ها در دهلیز وزارت با دیدن یك جفت چشمان سیاه کـه نگاه اش از عشق می در خشیـد، احساس کردم ، ستاره هستی ام در آسمان چشم (او) نهفته است . از آنروز به بعد دیگر شبها و روز ها به‌دومی اندیشیدم.

هـر طو ری بود یکی دو بـار خود را به دیدارش که دریکی ازشعبه های وزارت کار میکرد می رسانیدم لذا نگاه (او) بود که درد سوزنده ام را تسکین می بخشید . تا بالاخره روزی از(او) دعوت کردم تا باهـم ملاقاتی کنیم .

دیگر باگذشت هر روز خود رادر کنار فخریه موفق و خوشبخـت میدانستم .

تصمیم داشتم هرچه زود تر بااو ازدواج نموده حلقه محبتم را فشرده تر سازم .

میخواستم او شمع زندگی مـن شود ومن با استفاده ازنور آن‌تاریکی های زندگی‌ام را در یابم. می‌پنداشتم او چون فانوسی‌هست‌که مرا ازظلمت ها نجات میدهد .

• • •

درست آنروز را بخاطر دارم.هوا گوا را بود و نسیم بهاری لای‌موهای سیاه و قشنگ او را نوازش میکرد، در حالیکه نرمی صورتش را روی موهایم حس میکردم . گـفت : آه خداوندا نمیدانم دست سرنوشت‌باما چه خواهد کرد ؟».

پرسیدم چرا، چه شده ؟

دست به مویش کشیده گفت : «نمیدانم چطور برایت بگویم،دیشب پدر و مادرم راجع به من صحبـت میکردند ، آنها میخواهند مرا به یك مرد پول دار کـه اصلا مـن او را نمیشناسم بد هند ، صحبت شـان خیلی جدی بود ، از آن لحظه به بعد من می ترسم از همه چیز میترسم‌فقط درکنار توست که احساس آرا مـی میکنم ».

سکوت آزار دهندهٔ بین ما ایجاد گردید .

من اصلا سرم گیج میرفـت ، احساس تنهایی میکردم، احساس میکردم که (او) را از من خواهنـد بردند .

فخریه که حالم را دگر گون دید خندید ، لبخند ساختگی و بی رمقی لبان سرخ گونش را از هم گشود و گفت :« هنوز که چیزی نشده و اگر هم شد بدان که من جز تو هیـچ موجودی را در کنارم نمیخواهم .»

در حالیکه از جدایی میترسیدم ا زهم جدا شدیم . او رفت و من‌دقیقه ها بجایم ماندم به (او) نگاه‌میکردم .

ترس ودلهره ام از جدایی آنروز بجا نبود ، زیرا دیگر او را ندیدم تنها رؤیا شیرین و هم آزار دهنده اش بود که ساعت ها مرا گـرم میداشت .

هر قدر اینطرف و آنطرف‌جستجو کردم و لی (او) چون قطره آبی‌دربحر ناپدید شده بود .

ناتمام

خو چه‌خس ټول کړو

سریزه

پدی مقالی کی هغه موثق اسناداوهغه عینی کتنی او مشاهدات‌ستاسو له نظره تیریږی چه دانگریزی‌لیکوال‌ښاغلی ارسلکین چیلدرز له خوابرابر شویدی چه هغه دیوی ژوری څیړنی‌په وسیله برابر کړیدی . چیلدرز په عربی اشغالی سیمو او په تیره بیاپه بیت المقدس کی دهغو خونړیو وژنو او جنایتونو څخه پرده پورته کوی چه صهیو نیستانو ترسره کړیدی. دخلکوله منځه وړل اوو ژل‌بدنی شکنجی ، ځانګړی ،قتلونه ، گوابښ او دویری خپرول اودکلیوالوډله ایزی قصابی او داسی نور هغه صحنی دی چه شرحه یی پدغی کتنی‌کی راغلی دی .

دمالکیت سلبو ل، له ښار او کوراو پلارنی سیمی څخه دعربانوشړل، په تنگ راتګ دبندیزونو لګول ، تیری او تجاوز ، دخلکو دحقوقو لوټل، دصهیونیستی زده‌کړودمرکزوجوړول او په عربی سیمو کی دصهیو نیزم خپرول ټول هغه‌مسایل‌دی چه دغه انگریزی لیکوال‌تشریح کړیدی . دا تاسو او دا مقاله .

یو فلسطینی پار تیزان دتمرین په‌حال کی

په‌نیول شوی فلسطین کـــی د صهیو نیستانو دجنا یا تو یـــوه لنډه کتنه

دصهیو نیستی نهضت له پیـل څخه بیا تر اوسه پوری ، جنایت‌هم گام په گام ورسره راغلی دی او جنایتونه ورسره جوخت ترسره‌شوی دی . ددی خبری وجه داده چـــه دصهیونیستی نړی لید (ایدیالوژی) په طبیعت کی تر وریزم څرگند دی او دغه خبره څه دتئو دور هر تسل دلیکنو له ترځ څخه اوڅه دهغو ډلـه ایزوجنایتونوڅخه چه‌دصهیونیستانو دداخله وزیر «م. بگن» په امر سـره ټر وریستی ډلو له خوا کیږ ی ، څرگندیږی . صهیو نیستی تروریزم په لومړی سر کی هم دعربو او هـم یهودیانو پرضد ترسره کیده. دغـه هدف ددی لپاره په نظر کی نیو ل شوی ؤ چه داروپا یهودیان دخپلـو هیوادو پریښو دو ته اړ باسی‌اوپدی لاره کی صهیو نیستانو په دویمی جهانی جگړی کی دپولنډ دنیولو په اوږدو کی ددری سوه زره یهودیانو دوژلو ا ونشت کولو لپاره‌له نازیانو سره لاس اړونه او همکاری وکړه .

داکتر استوف بلیوفسکی چـــه دهغی کمیتی یومهم غړی دی چـــه دجگړی په اوږدو کی دهیتلـــری جنایاتو دڅیړنی لپاره منځ ته راغلی وه ، په خپلوخاطرو کی ددغی‌موضوع یادونه کړیده . هغه همدا شان‌زیاتوی چه « صهیونیست ساز مان» د« بی وزلو او نیستمنو یهودانو په وژ لو کی» له نازیانو سره همکاری اولاس اړونه کوله . او دا پخپله دپام‌وړخبره ده چه «م. بگن» پخپله یو نـــازی منصبدار ؤ .

هغه یو زیات شمیر کتا بونه چه پدی برخی کی خپاره شویدی . دنه رد کیدونکو اسنادو سره دا په ډاگه کوی چه دنړیوال امپریا لیزم دصهیونیستی پانگولی قوتونو پـــه لهستان اونورو اروپایی هیوادو کی دبی وزلو یهودانو دتصفیی او چاڼ کولو اووژلو په کار کی له هیتلریانو سره مرسته کړیده. هغه معتبر ی مقالی چه پدی برخی کی خپری شوی دی ، دا خبره په ډاگه کوی چـــه صهیو نیستانو په هیتلری کمپونوکی دپټو پولیسو تشکیلات منځ تـــه راوستلی ؤ. هغوی په «گتو» گا نو «گتو» گا نی داروپا یی ښارونو دبی وزلو یهو دانو داستو گنی سیمـــی بللی کیدلی) دگشتا پو وظیفی په‌غاړه درلودی .

«گتو په خپلی مبارزی کی» نومی مقالی کی چه دبوند (بوند په روسیی او لهستان کی دیهودی‌کار گرانو عمو می اتحادیه وه ، دغه اتحادیه په ۱۸۹۷کی رسما جوړه‌شوه اودکوچنی بورژوازی گوند ؤ) دمرکزی کمیتی له خوا خپره شوی وه، دا خبره پـه ډاگه شویده چه هیتلر یانو داســی وپتیله، چه دیهود یانو آژانس دی یواځی دوارسا په گتو کی ددوه سوه زرو تنو یهودیانو دوژلو اســـناد لاسلیك کړی .

هرتسل په خپل « دیهودودولت» نومی کتاب کی خپلو پلو یانو ته لاز ښوونه کوی چه « ددغو ځناورانـــو ترمنځه بمونه وچوی» او دصهیـــو نیستانو ډلو ټپلو دغه سپارښتنه دهرتسل له وخته بیا دموشه دایـــان اوتر هغه را وروسته پو ری عملـــی کړیده .

انگریزی‌لیکوال « ارسکین‌چیلدرز» ډیر کلونه هڅه وکړه چه دا خبـره ثابته کړی او په پای کی یی د۱۹٦۱ کال دمـی دمیاشـتی په ۱۲ نیټـــه د«سپکتاتور» په جریدی کی خپـــور کاندی . او دا هغه مقاله ده چـــه نوموړی لیکوال په ډیر زیار زحمت سره برابره کړیده . دا هغه مـوثق رپوټ دی چه د صهیو نیســــــتی تروریزم دډلو ټپلو له عملیاتو څخه برابر شویدی . دا چه دغه ډلـــــی څنگه په نیول شویو سیموکی دخلکو په ډله ایزه توگه دنشت کولو عملیه پرمخ بیایی :

• • •

« ما دا اتکل وکړ چه د۱۹٤۸ کال په اکتوبر کی خپری شوی داکو نو- میست مجلی دویمه گڼه دمجلو لـه منځه را وکاږم . هغه متن چه بی له درواغو اغراقه څـخه په ټو لـــه نړی کی خپور شویدی او احتمالاً هغه متن په همدی گڼه کی ؤ. خو ما پخوا په هغه کی ډیر عجیب شی لیدلی ؤ او هغه ددیر یاسین دعام قتل‌توصیف دی دیوی « پیښی» په وسیله. هیڅ با انصافه کتونکی او شا هد چـــه د ۱۹٤۸ کال په فلسطین کی یی‌ژوند کړیدی هغه څه چه دهماغه کال پـه ابریل کی ددیر یاسین په کلی کښی پیښ شول « پیښه» نه بولی . دایو

غیر پوځی او عربی بی طرفه کلی ز. له ۲۵۰ تنو څخه زیات نارینه، ښځی اوماشومان د« ایرگون زوای لعوم» دصهیونیستی ساز مان دغړو له خوا قتل عام شول او له لوټ ماری سره سره یی دهغو لاس او پښی پر ی کړل او په کوهی‌گانو او ځا گانو کی تو یی کړی شول .

په ها گانا ، باندی دبرید څخه خلور ورځی دمخه ایرگون دښاری خلور ورځی دمخه ایرگون (ښاری عربی ټولنو) ته اخطار وکړ چه داپریل په میاشتی کی به تیفوس‌وبا، او هغو ته ورته ناروغی خپری شی. نتیجه څرگنده ده ، دوه اونی‌وروسته همدغه ایرگون ـ چه ظاهراً یی‌دومره نسبت عربانو ته زړه سواند ښوده، ددیر یاسین دکلی او سیدونکی قصابی کړل . وروسته بیا ایرگون یوه مطبو عاتی مرکه ترتیب کړه څو پدی توگه له هغی پیښی څخه نوز خبر کاندی چه دوی منځ ته راوړی وه . او بیا یی ښکیل شوی عرب ن یهودی سیمو ته په اور شلیم کښی ولیږدول . څو چه خلك د هغوی په مخ باندی لاړی ورتو کړی. او بیا یی هغوی خوشی کړل څو هغه خبره خپلو خپلوانو ته وکړی چه پدوی باندی دهغی « پیښی» په نتیجه کښی تیره شوی وه . آرتور کوستلر ددیریاسین د«ونیو حمام» دایر کون دډلی روحی عا مل وباله. نو موړی په خپل کتاب کی لیکی چه دهاگانو راډیو قول ور کاوه چه دهغه ښار یعنی حیفا اوسیدونکی عربان به دهغوی د اسکورت تر را رسیدلو ښار ساتی . ډیر شا هدان شته دی چه له لودسپیکرونو څخه‌داستفادی پدغسی نمونو باندی شاهدی‌ورکوی. په اور شلیم کی هغه اخطار چه په عربی ژبه دلودسپیکرونو په وسیله خپریده داسی و چه : « مخکښی تردی چه تاسو ټول ووژل شی ء تښتی او اور شلیم پریږدی.دجر بشو لاره خلاصه او پرانیستلی ده .»

او هغه منصبدار چه ددغه جریا ن مسؤول قو ماندان او بولند وی ؤ ، موشه دایان په سینا باندی دبرید بولندوی په ۱۹۵٦ کی او داسرائیلو دکابینی ددفاع وزیر دی. کمیشه تشریح کوی چه‌څنگه د۱۹٤۸دجولای په ۱۱ نیټه موشه دایان دخپلی قوماندی لاندی قوتو نو سره دلیدا

دفلسطینانانو دفدا یانو وپارتیزانانو یوه ډله

دښار خواته ولاړ او هلته یی دخلکو تر منځه و یره خپره کړه ښار ته یی دټو پکو نو څخه له پرانیستله او پدی توگه او دهمدغی پیښی په جریان کی دیرش زره تنه عربان لدغه ښار څخه وتښتیدل .

وروسته تر دغی ورځی یوه ورځ پس د « رمله» ښار هم تسلیم شو اودهغه عربی استوگن په همدی سر نوشت باندی اخته شول . او دغه دواړه ښارونه داسرائیلیانو له خوا ولوټل شول .

صهیو نیزم دټولو یهود یانو دصهیو نیست کولو لپاره په خپل تلاش کی مخکښی تردی چه دیوه ډله انسا نانو دخلاصون په فکر کی وی، غوښتل یی چه یو زیات شمیر یهودان دډله ایزو گډوالو په توگه فلسطین ته ولیږ دوی . دغه‌سیاست دامپریا لیستی گټو سره چه صهیونیزم له ډیره پخوا څخه‌ورپوری نښتی ؤ، سمون در لود. او سمون لری .

پدغسی شرایطو کی ؤ چه دیهودی بیړی ، پاتریا دمسا پرو سورلیو دسر نو شت په‌باب تصمیم ونیول شو .

ددی بیړی دسر نوشت پای ټولو ته څرگند دی . کله چه بیړی‌غوښتل چه فلسطینی بندر حیفا ته دننو تلو غوښتنه و کړی‌نو انگریزی‌استعماری مقاماتو دغی بیړی ته دننو تلوداجازی له ور کولو څخه ډډه‌وکړه . اوله بیړی څخه یی وغوښتل چه له خپلو مساپرانو سره دما وریکا ټاپو نه ولاړه شی . او په هماغه کش اوکړپ کی د صهیو نیزم انتلیجنس‌سرویس دبیړی او دهغی دسورلیو دوژلو او نشت کولو تصمیم ونیو ... سم به همدی وخت کی ځینو محافلو او صهیو نیستی ډلو ټپلو دامریکی په متحدو ایالاتو کی دهمدی هدف لپاره کار کاوه. (جان دوید کیم چی) ته زغرده سره لیکی چه « هغه‌علتونه چه دپاتریا دبیړی دچاودنی سبب شول ، هیڅکله په ډاگه نشول څو ټول پدی خبره پو هیږی چه ددی پیښی شاته د « هاگانا ساز ما ن ولاړ ؤ.»

مسیحی خور ماری ترز دشپږ ورځنی جگړی په هکله په خپلو خاطراتو کی چه د«تیمو نیاژکرستین» دمجلی په ۱۲۰۳گڼه کی خپاره شوی دی دیوی مقالی په ترځ کی چه‌د۱۹٦۷ دجولایی په ۲۷ نیټه یی د« هغه‌جگړه چه‌ما په اورشلیم کی تیره کړه» تر عنوان لاندی لیکلی ده وایی :

« ټول ددغو جریا ناتو په علتو نو ښه پو هیږی :

نړیوال امپریالیزم او دهغه‌کوچنی دولت احمقانه او له تظاهر څخه ډك اعمال چه ځان دخاوند دارادی غوره عناصر بولی . .. ځوانمردی‌اوشرافت په انسان باندی حکم کوی چه له حقیقت سره مخا مخ شی نه چه ځان ترینه تیر کړی».

مسیحی خور ماری ترز لیکی: «دتذکری دپاسه دری تنه ماشو ما ن دځنکندن په حال کی دی، اسرائیلی الوتکی اسلامی سیمی بمبار ما ن کوی . دهغه سړی ښځه اوښځه ماشومان چه له «پول» سره راغی ټول مړه شویدی . دغه دری‌ماشومان په یوی بلی کورنی پوری اړه لری. موږ هغه‌روغتون ته بیایو. یوډارونکی بوی او لو گی له‌کومی خواترسپږمو کیږی. زه دځنگ دروازه خلاصوم دانسانی جسدو نو یوه کو ټه‌ؤ نیمه ور بیرته ترم او اسرائیلی سپاینو ته وایم چه دا روغتون دی مسلخ‌ندی تاسو دلته څه کړیدی ؟»

ـ نوربیاـ

ترجمهٔ رشید پور

چهره هایی از جهان سینما و هنر

هنرمندان، نویسندگان، و فلمبردارانی که هنگامه ها ایجاد کردند

چار لی چابلن

شاید در میان علا قمندان‌سینما وآنهائیکه در جهان سینما و هنر ، مطالعاتی دارند کمتر کسی و جود داشته باشد که بانام (چـــا ر لی چا بلن) آشنا یی نداشته با شـــد، او یکی ازطراحان بزرگ‌وسازندگان جهان سینما ست و شخصیت بـــا تعقل و صاحب مغز خلاقهٔ هنری و سینمایی بحساب می آید ، ا متیاز بیشترش درین نقطه است کـــــه انسانیت را بصورت عام موردخطاب قرار میدهد و همه را با حرف‌ولغت واحدی ، طرف صحبت خـــو یش می‌آورد ، در شخصیت او مظا هر گوناگونی از آ دم های گو ناگون ، بظهور میرسد واحوال هر فرد ر ا مطابق باصل درجه و مقا می کـــــه داشت ، در ضمن هنر نمایی های کمیدی خو یش ، تعبیر و تـــمثیل میکرد ، تلخی های ز ندگی‌وخاطرات زنندهٔ حیات را ، ما هرانـــه مجسم میسازد ودیدگاه آ مو زنده ای د ر برابر انظار همگان قرار مید هد . زندگی را تعبیر میکند ، تعبیری که از خلال حرکات و حـــر فهـــا ی آموزنده‌اش ، بیرون می جهد و در مقابل نگاه مردم ، قدمی کشید و می درخشد، بنا بران (چارلی چابلن) که یك نام بزرگ و یك شخصیت ممتاز جهان هنر بشما ر میرود ، شخصیتی که تو جه مراکز نشرات واندیشهٔ نویسندگان‌رابخودمعطوف ساخت تا از وی حر فهایی بگو یند وچیز هایی بنو یسند ، چنانچـــه اخیرا کتابی بنام چابلن) بر شتـهٔ تالیف در آمد و در معرض همگان اشاعه گردید ، این کتاب از طرف یکی از نو یسندگان معروف موسوم به(دینس جیفورد) تالیف گرد یده‌و دران ، نویسنده با همه چیره‌دستی ومهارتی که‌دارد، زند گی (چا بلن) را با همه مزایا و خصو صیت‌هایش مورد بحث قرار میدهد و در هـــر جهت از جهات مختلف حیا تش ، روشنی خوبی می اندازد . ا یـــن نویسنده تنها کرکتر وارزش های معنوی او را در کتابش بطور مجرد وخاص ، تحت بر رسی قرار نمی – دهد بلکه مو ضو عا ت را طـو ری طرح میکند و به شیوه ای قا لب و چو کات جملات و عبارات را شکـــل میدهد که خواننده نخست ر و ی طرزکار و فعالیت های اودرکارنامه های فلمی و سینمـــایی اش چشم میدوزد و سپس خود بخـود ا ز خلال عبارات و کلمات ، به خصایل وارزش های معنوی او میـــرسد و عمیقانه باوی‌آشنا میشود، نویسندهٔ کتاب که در شمار نویسند گـــا ن بنام و سر شناس انگلستان قرار دارد ، مزید بـــرین تو ضیحـــات ، بخش های دیگری نیز در کتا بش افزوده که سراسرش بارنگ ها ی کمیدی ر نگ آ میزی شده است وبدین تر تیب ، رو حی از کمیدی وتاریخ دران د میده است .

جزیلا در تیاتر «غبار ارغوانی»

جان‌واین

این نو یسنده تنها نویســـــنده نیست و مطلب را فقط از طـــر یـــق تحریر سطر ها شرح نمید هـــــد ، بلکه او یك رسام پر قدرت و بـــا مهارت انگلیسی نیز شمرده‌میشود، علاوه از آ نکه مو ضو عات را ا ز طریق طرح و رسم کار تون هـــا ، تعبیر و تشریح میکرد ، مسلسلات تلویز یو نی انگلیسی‌را نیزدرظرف ده‌سال نوشته است و غیر ازاینها کتابها و آثار دیگری نیز ا ز یـــن نویسنده تالیف گردیده وهر کدام در جای خو دش حایز ا همیـــت بزرگی میباشد و مشهور تـــر ین کتابهای او کتابی است بـــنـــا م (فهرست فلم های بر یتانیا یی از سال ۱۸۹۵ـ۱۹۷۰) و این یك‌مرجع ومنبع خو بی است برای آ نها یی که بخوا هند در مورد سینما و فلم های انگلیسی مطالعاتی و معلوماتی داشته واز طرز کـــار و شیـــو هٔ سینمایی طراحان و کار گر دا نا ن سینمای بر یتانیه ، چیزی در یابند ویا بیا موزند .

این نو یسنده در باره (چا بلن) می‌نویسد : قصه ها و فلم های او یك ادراك واقعی است : او حقا یق تلخ را در زیر پردهٔ کمیدی ، ارئه میکند و فلم هایش همه آ مو زنده وتکان دهنده است . آ مو زنده‌برای همه و تکان د هنده برای آ نها یی که حقایق و مو ضو عا ت ر و ی پردهٔ سینمـــا را تنـــها از چهره‌ای ظاهری قالب و چو کات بندی‌جملات

سعاد حسنی

وعبارات ،رانمی خوانند ...

عنقریب فلم بر داری وکارتهیهٔ یك فلم عر بی که درصحرای المغرب ساخته میشود ، آغاز میگردد ، د ر تهیهٔ این فلم در هر باری ده تن از ستاره های بنام اشتراك می کـــنند وستارهٔ معرو ف سینمای فرا نسه

الن دولن در فلم صحرایی فربی

«الن دو لن» نیز از جمله ایـــن ستاره هاست ... قرار اطلاع منابع سینمایی . حوادث و رو یداد های این فلم در اطراف پدیده‌ها وواقعات سال ۱۹۵۹ می چرخد و د ر ست هنگامی را تحت نظر قرار میدهد که نیروی آزادی المغرب بـــنا م (السا قیة الحمراء) بمو فقیت میرسد و قوای هسپانوی را ازآنجا بیرون میرا ند وبسوی جـــنو ب سوقش میدهد ... این فلم ازطرف یکی از طراحان و فلم‌سازان معروف المغرب بنام (عبدالله المصباحی) تهیه وساخته میشود ، سنا ر یو ، قصه و گفتگوی فلم نیز تـــو سط خودش نوشته شده است وهمچنان این‌فلم بردار شهیر، با یکعـده از ستاره های سینمای‌مصر، قراردادی عقدکرد تادر فلم (معر کهٔ صحراء) نقش های قهر مانی و نقش هـــای مهم فلم را بعهده بگیرند و ا یـــن ستارگان عبارت اند ازسعادحسنی، محمود یا سین ، محمود الملیجی ، فرید شو قی ، نیللی و نجوی‌فواد ، عادل ادهم ، عماد حمدی و لیلـــی حمادة ، در پهلوی این هنر مندان وستاره های مصر ی، این دو لـــن) نیز رول برازنده‌ای درین فلم بعهده دارد .

این فلم بر دار چیره دست وپر کار ، تهیهٔ فلم دیگری را با یکی از هنر مندان و فلم بر داران ایتا لیا، رویدست گرفته است و این فلـم نیز بیشتر مو ضو عا تش‌دراطراف معرکه های صحرا که دربین قوای فرانسه و نیروی آزادی الـمغرب ، است می چرخد .

* * *

(ناتالی وود) یکی ازجمله‌ممثلین سرشناس فلم های سینمایی است، او اخیرا در یکی از فلم ها بیکه‌تازه بنام (فر صت طلایی) تهیه‌گردیده به تمثیل و هنر نمایی پر دا خت و درین تمثیل ، ر قیب د یگری هـم داشت که بنام (مایکل کین)معروف بود ، هر چند او در فلم های‌زیادی با زی نکر ده و ایـــن دو میـــن فلمی است که دران هنرش را روی پردهٔ سینما میکشد ، ولی بد لیل اینکه او یك هنر مند عادی مثل صد ها هنر مند عادی دیگرنیست، بلکه در کار و طرز تمثیل و شیوهٔ هنر نما یی اش ، استعداد و سلیقـــهٔ خاصی نمایان است که تمثیل دریك فلم کافی است تاشخصیت وارزش هنری او را بیشتر از هنر مندانی که‌ده‌ها مرتبه یك مشت هنر شان را روی پر دهٔ سینما نثارتماشاگران کرده اند ، وانمود کند .

(جا ن وین) نام ممثل پر کـــار وبرد باری است که اکنون به سن پیری رسیده است و باآنکه از نگاه سن و سال ، پیر شده و لی بازهم حاضر نیست اعتراف کند که پیر شده است و اعتراف نمایدکه دیگر ذو قش ، طرز کار و فعالیت‌های او به سردی گرائیده است ، او که در میان ستار گان سینمای‌اروپا خودش را کمتر از هیچ هنر مندی نمی - شمارد درین روز ها سال هفـــتاد زندگی اش را جشن گر فته ، د ر فلم ها ما نند همان دوره هـــا ی نخستین جوانی اش ، با نشاط و حماسه بازی میکند و مو فق با زی میکند وآخرین فلمی که جان ویـــن

تریفور ها ورد

دران تمثیل وبازی کرده است فلمی است بنام (برانیگان) و د ر یـــن فلم نقش یك جا سوس را بـعهده گرفت ، جا سو سی که یکعـــده اشخاص مورد نظر را زیر مرا قبت گرفته مخفیانه در شهر های ارو پا آنها را دنبال میکند و در نـــتیجه موفق میشود ووظیفهٔ خـویش ر ا انجام مید هد .

* * *

(فشار و پراگندگی) نام فلمی است که اخیرا یکی از ستاره های شهیر هالیود بنام (لانتیر نر) در انگلستان رول عمده‌ای را بد ست میگیرد و بازی های ما هرانه اش‌را در پر ده سینما ظا هـــر میسا زد ودرین فلم نقش یك زن ثر و تمند را بازی میکند و هنرمند د یگری‌بنام (تریفورهاورد) نیز باوی‌همراه‌بوده وفلم توسط یکی از طرا حان و فلم برداران مو سوم به (دون شا فی) تهیه و کار گر دانی شده است .

* * *

(فرید الا طرش) فلم برداروکار گردان شنا خته شده سینما عربی اخیرا فلم تازه ای میسازد که در میان‌فلم های دیگر ازنگاه طرز و محتوا امتیاز وبر ازند گی دا رد، قرار است سه تن از آواز خوانان معرو فـجهان عر ب در آن آو از بخوانند واکنو ن یك بخش آن در لبنان فلمبر داری شده و قسمـــت دیگرش نیز در شر ف آمادگی و اکمال است وتصمیم اواین است که باید کار فلم تاعید قربان بپا یـــه اکمال برسد ورو ی پرده سینما بیاید.

* * *

صلاح ابوبو سف که در جملـه فلم سا ز ن دنیای عر ب دست کم از دیگران ندارد، اینك درراه تهیه فلمی بنا م(کذاب) است ، قصه‌و داستان فلم ازاثر نویسنده معروف عرب مو سو م به(صا لح مو سی) گرفته شده واو خودش نیزاثر ش راتحت همین عنوان نوشته است، درین‌فلم ممثلین از قبیل محمود یاسین، نجوی ابراهیم، شو یکار، فایز حلا وت وبر خی دیگر، نقشـی های عمده رابدست دارند و صلاح موسی اکنون در ستو د یـــو ی (نخاس) کار فلم را پیش می بردو میگوید که عجالتا درین کار ش‌مبلغ سه هزار یوند ضرور ت او لی مـی باشد.

* * *

نجوی فواد یکی از ستاره های

جوز وفین بیکر

معرو ف سینما ی عر ب است کـه اخیرا ازطر ف فلم ساز شهیر - المغر ب موسو م به (عبدا للـــه المصبا حی) دعو ت شد تا درفلمی که در دست تهیه دارد نقش د ختر هسپا نوی رابازی کند وهم عو ض ستاره مشهور ایتالیا جینا لو لـــو بریجیدا کار رقص راهم بدو شـ بگیرد المصبا حی وقتی ازاو دعوت کرد که رقص وهنـــر او را در یکی از محافل مشا هده کردوزیبایی وقدرت هنر نمایی اش اورا مفتو ن سا خت‌و هم بسا از شبا هـــت و خصو صیت های دخترهسپانوی دروی پیدا بود .

* * *

محمو د یا سین که در جهـا ن سینمای عر ب نام اورا همه کـس میداند، چند هفته قبل بـــرای اشتراك در جشن سینما یی که‌در

لطفاً ورق بزنید

رانایتر نر دریکی از فلم ها

چهره‌هایی از جهان سینما و هنر

قرطاج دایر گردید وارد تو نس‌شد ویك هیت سینمایی که متشکل از محد الد سو قی و غیره بود نیزبا وی همراه بودند و باید متذکر شد که‌فلم معرو ف مصری بنا م(گلوله همیشه در جیب من است) از فلم های پرسرو صدای این جشن‌خواهد بود.

ملیون ها نفر از زنان جهان - همینیکه به‌سن(جوز فین بیکر)می

محمود

رسند حتی قدر ت و توا ن از جا برخاستن وراه رفتن را از دست‌می دهند لیکن جوز فین بیکر . همواره آواز میخواند وازنشاط وطـرا و ت کا مل برخور دار است ، هرگاه انسان‌اورادر هنگام آواز خوانی اش عمیقا نگاه کند ، فکر میکند که او هنوز در سن بیست سا لگی‌خواهد بود.
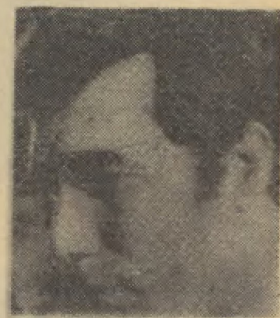
مبصرین جهان هنر، او رابحیث پیشتاز ترین آواز خوا ن، دراوایل قرن ما نمیدا نند و شهر ت او را متعلق به‌سال های پیش ا زوقت‌ما نمی شمارند ، زیرا جوز فین بیکر هنوز میسرا ید، باحماسه مـی سراید ونشا طدر سرا پای آوازش نمایان است و در معرو ف ترین مجا مع وسر گر می‌های پار یس آواز اورا می پسند ند واو رابحیث آواز خوان با ذوق وبا نشاط عصر

نانا لی وود

دعوت میکنند ، جوز یف ز ما نـی یکعده کو دکانی را که در اثرجنگ درآن روز گار ، پدر ومادر خو یش را از دست داده و یتیم و بی سر پرست مانده بودند ، باقبول‌زحمات سنگین ایشان رانزد خود آورد واز آنها بدرستی ومهربانی پرستاری وحفاظت نمود، تاآن مر حله کـــه ایشان به سن رشد و بلو غرسیدند ودرین مرحله نیز از آنها د ور ی نگرفت بلکه مو ضو ع ازدواج شان رابادخترا ن و پسرا ن مورد نظر سربراه سا خت وزند گی هر کدام رابدست تشکیل‌اماده‌ساخت آنها نیز هیچگاه اورا ازیاد نمی بردند وبـا قدردانی واحترام از وی پذ یرا یی بعمل می آوردند . هنگامیکه‌جوزفین روی‌ستیژ قرار میگر فت ، بعقب‌او یك تاریخ انسانی تبا رز میکرد.

اگر از(ولا دی میر سپیفا کو ف)در باره جوایز ومو فقیت‌هایش که‌حایز گردیده بپرسیم، درنظر او ل ا ین پاسخ رابما خواهد داد :

او اولین جایزه هنری اش رادر مونتر یال سا ل ۱۹۶۹ بدســت آورد، جایزه دو می اش‌رادرمسابقات چا یکو فسکی که درسال ۱۹۶۷در مسکو دایر گردید، کمایی کر دو همچنان در مسابقا ت(پاکینی)که‌در سال ۱۹۶۷ در ژنیو بر گذار شد، جایزه مهم وبا ارز ش دیگری‌بدست آورد. این هنر مند چیره دســت، بزرگترین جایزه هنری خو یش‌رادر سال ۱۹۶۵درپاریس ،حا صل کرد واین مسابقه بنا م(مار گر یــت لونك)و-(جاك شیبو) برگذ ار - گردیده بود .

ولادی میر سپیفا کو ف کـه از نوازندگا ن پر قدر ت وما هری‌به شمار میرود درسا ل۱۹٤٤ د ر لیننگراد چشم بجهان گشود و فرا گیری مو سیقی را در مر کـــز آموزش موسیقی (کـوسر وا توار لیننگراد) شرو ع کردو د ر یـــن وقت‌بیش از هفت سال ند اشت.او نخست تعلیما ت خویش رازیرنظر پروفیسور (سیکا ل) سپس تحت مراقبت وو ارسی پرو فیســـور (شیبر) آغاز کردو هنگامیکه‌مسابقات درجشن لیننگراد سا ل ۱۹۶۱آغاز یافت .

موفقانه اشترا ك کـــرد وآوازه بلندی بدست آوارد .مسابقه‌درتحت عنوان (شبهای سفید) دایر گردید واو درین وقت بیش از سیـــز ده سال نداشت . سپس از آنجا وارد مسکو شد تا تعلیما ت عا لـــی خویش‌رابر هبر ی ومرا قبـــت پروفیسور (یکا نگلیفتش تکمیـــل نمایـــــد. امر وز ا ین‌نوازنده چیره دست، در (ویلا هار مـونیك مسکو) به تنهایی کار میکند. اوکه در جشن سالگرد چا یکو فسکی که برای بار چهارم به سویهٔ بین‌المللی دایر گردید اشتراك کرد و درین بار که دو مین مر حلهٔ اشتراکش د رین جشن بود ثابت‌کرد که اویك‌نوازنده ویك هنر مند پر مو هبت د نـیا ی موسیقی است ، هنر مندی کـــه همواره رو به پیش درهنر نمایی‌اش گام بر میدارد و هر گاه‌تبارز میکند درخشنده تر وگیراتر جلب نظـــر

صلاح ابو یو سف

مینما ید چنانچه یکی از ناقدیـــن موسیقی و هنر بنام (ف.کلیموف) میگوید: موسیقی وهنر این هنرمند را نمی توان در پهلوی هر موسیقی وهر هنر دیگر قرار داد ، چه هنر اودر میان نوازندگان و موسیقـــی دانان ، مقام برازنـــده و مخصو ص بخودش را دارد .

(شین او کیزی) کـــه در ۱۹ فبروری سال ۱۹٦٤ چشم از جهان پوشید ، یکی از مشهور تر یـــن ونا مور ترین نو یسندگان تیا تـــر ایر لیند بشمار میرود و ایر لیندی ها او را یکی از پیشتا زان نوآوری ونویسندگی در جهان تیاتر ا رو پا بحساب می آورند و مخصو صا در تیاتر های المان دیمو کرات ، بیش از هر جای دیگر ،-مورد پسند و تقدیر قرار میگیرد و المانی ها نیز

او را ستاره‌ای میدانند در آ سمان تیاتر اروپا ومخصو صا آلمـــا ن، واز هر حلقهٔ هنری ارو پا ا یـــن حرفها بلندمیشودکه (شین‌اوکیزی) سازندهٔ تیاتر معاصر باید شنا خته شود .

درسال۱۹٦٦ یکی از نـو شته هایش را که تحت عنوان (غـبار ارغوانی) تر تیب کرده بود ، د ر تیاتر (بر لیز انسا مبل) ر و ی ستیژ ر یخت که توسط دوهنرمند نامی تیاترالمان‌بنام های(جزیلامای) و (هیرمان هیز یکن) کار تمثیل و نمایش آن اجرا گردید و نمایش‌این اثر ، سر و صدایی در زمینهٔ‌شهرت او و پیروزی ممثلین ، ایجاد کرد و محبو بیت و شهرت او را دو چند ساخت ... پس از چندی این اثراو توسط تیاتر (بر لین انسا مبل) روی ستیژ آ مد و همچنان تیا تـر (کارل ما ر کس) این اثر را تقاضا کرد و مورد نمایش قرار داد .

درامه‌ها واثر های هنری ، بسی زیاد بودند ، و لی از میان همه، این استقبال و این علاقمندی از ا ثـر (اوکزی) نمودار بلندپایگی‌ونمایانگر ارزش عالی هنری وشاهد خوبـی برای اثبات قدرت ومهارت صاحب اثر وبالنتیجه هنر مند بشمار می- آید و دلیل دیگری که‌این نویسنده را نسبت بدیگران برازندگی میداد آ میختگی اثر وی بود بـــاروح و مزایای انسانیت وجوانب مختلف زندگی .

(سعاد حسنی) جایزهٔ تمثیل سینمایی را نپذیرفت و آن را ر د کرد بخاطر اینکه او را در برا بـر مقایسه با (نجلا فتحی) د ر جهٔ دو داده بودند واو این درجه‌را برای خودش اهانت و تحقیر میـدانست از آنرو بخاطر اینکه این تو هین را از سر خود عقب زده باشد، جایزهٔ

بقیه در صفحه ۵۳

نجوی

بحران گرسنگی

بخشند انتخاب نـــو ع محصول ، روش نو ین کاشت وبر دا شت استفاده از کود کیمیاوی ، تکمیل زیر بنای اقتصادی بهبود کیفیت و کمیت تو لید ، تو سعـــه ارا ضی زراعتی ، انکشاف سکتور مالداری، استفاده از جنگلا ت بصو رت‌معقول در تزئید تو لید وافزایش مولدیت تولید مواد غذائی خیلی موثراست.

تاحال از ابحار واو قیانوس هــا استفاده خوبی نگر دیـده ا ست ، بکار انداختن این منبع مهم غذائی بخوبی می تواند کمبود وقلت مواد غذائی را رفع بسازد . برای کشور های رو به انکشاف کـه سطـــح فهمیدگی آنقدر بلند نر فته است،

میکانیزه کردن سکتور زراعت‌درممالك صنعتی

سر مایه گذاری انسانی و تهیـــه پرسونل فنی مهمتر و مفیدتراست وامید واریم که نابرابری های کـه در جهان وجود دارد از بین بـرود وحادترین و درد ناك ترین مسئـله امروز سیاره ما با اتخاذ تصا میم معقول و مطلوب نمودن جریان‌تولید چاره جوئی گردد .

گر سنگی وبی سر پنا هی

ماجرای اختطاف

آخرین نفرکه داخل سالون ترانزیت گردیدمن بودم بعداز چند دقیقه انتظار طیاره که من باآن پرواز میکردم آماده گردید .

من درسالون ترانزیت دومردی راکه لباس ملکی به تن داشتن ملاحظه کردم که خیلی به عجله اینطرف وآنطرف میروند یکی از آن دوان دوان به طرف محلی رفت‌که طیاره مادر آن جا توقف داشت بعدا برگردیده وبه‌رفیق خودچیزی گفت وآنها درسالون ترانزیت‌منتظر ماندن .

من خیلی عصبانی گردیده بودم من فکر میکردم که آنها آدولف هایشمن رامیپالند و آیااینکه برای دستگیری ماآمده اند .

من سوار طیاره شدم اماهنوز هـم ترس داشتم طیاره حرکت‌کرد ولی افکارمن هنوزهم ناراحت بود .

من درچوکی خودنشسته چشم های خودرا بسته بودم وقتیکه طیاره ازخط رنیوی بلند شدمن چشمان خودرا بازکرده شهر چراغانی بوینس آیرس رادیدم چنددقیقه بعد ماازقلمرو فضایی ارجنتاین خارج گردیدیم .

به این ترتیب بزرگترین وپرهیجانی ترین اختطاف عصرخاتمه پذیرفت .

چند روز بعد دستگیری آدولف هایشمن ازطرف اسرائیل اعلام گردید آدولف هایشمن دراسرائیل به مرگ محکوم گردیده وبه دار آویخته شد . (ختم)

به‌استقبال کانگرس جهانی زنان

درین جلسه که برای آمادگی کنگره عمومی بخاطـــر بزرگداشت سال بین المللی زن دایر شده بود هیات نمایندگان بین المللـی آنی‌اشترالاورزیده بود: فدراسیون بین‌المللی زنان‌جهان، فدراسیون زنان‌افریقا، فدراسیون زنان عرب، هیات نمایندگان کلیسا هـــا، فدراسیون دیموکراتیکی جوانان بین المللی، هیات جوانان ومحصلین سرتاسری جهـــان، هیات نمایندگی ملل متحد، هیات کمیتهٔ ملی جوانان اروپا، هیات اتحادیه محصلین جهانی، هیات سازمان صلح جهانی، سازمان جهانـی کاروکارگر، هیات سازمان همبستگی خلقهای آسیاوافریقا، هیات فدراسیون بین المللـی فامیل پلاننگ وهیات فدراسیون بین المللـی حقوق بشر .

کمیتهٔ اجرائیه بمنظور تنظیم کار کنگـــرهٔ جهانی تاسیس کمیسیون های آتی رابه‌کنگرهٔ جهانی پیشنهاد نمود :

اول :ـ تساوی حقوق زنان مطابق قانـون وتطبیق آن در تمام ساحات اجتماعی .

دوم:ـ دادن حقوق مساویانه در اجرای کار وتعین نوع‌کارزنان درصنعت وزراعت .

سوم:ـ ارتقای سویهٔ علمی، دستمزد کار، حفظ صحت وسلامتی وحقوق بازنشستگی .

چهارم:ـ زنان ورول آنها در پیشرفت و اصلاحات اجتماعی .

پنجم:ـ فامیل واجتماع، حمایه طفل ومادر، مسوولیت فامیل هاواجتماع در تربیهٔ اطفال.

ششم :ـ حق تحصیل برای زنان ومجادله بخاطر بیسوادی وارتقای سویهٔ کلتوری .

هفتم :ـ زنان ومبارزه بخاطر بقای صلح، امنیت جهانی، تخفیف کشیده‌گی ها بخاطـر صلح وخلع سلاح عام وتام وحفـــظ محیـط زیست .

هشتم :ـ زنان ومبارزه بخاطر آزادی ملی وهمبستگی خلقهای جهان .

نهم:ـ تاثیر ورول وسایط اطلاعات دستـه جمعی، هنر وادبیات برای ارتقا وبوجودآوردن مفکوره های خلاق اجتماعی در ارتباط زنـــان بااجتماع .

بقیه درصفحه ۶۲

درزیر آبهای آرام

درکنیا،

توفان دگرگونی هادر خروش است

از: سندی تایمز ترجمه : رهپو

طی بیست چهار ساعت اخیر، باورنــاکی مراقب کاریوکی بود. شب پیش به‌کازینوی بین المللی جاییکه کاریوکی مشغول قماربود تلفون کشید، همچنان صبح همانروز بخانه‌اش سرکشید وبالاخره به مسابقه اسپ دوانــی بااوبود . در هوتل گیتی به صورت مختصر باکاریو کی حرف زد وخارج شد.

دراطراف هوتل گروهی‌از پولیس‌وکانگستر هاپراگنده شده بودند. کاریوکی خودش این مسأله رادید . شاهدی می گوید که کاریوکی فکر کردکه اینان بخاطر مساله بمب باز به دنبالش می گردند . کاریوکی نیز بدنبــال گیتی خارج شد . دونفر مستخدم هوتل دیده بودکه هردوباهم برآمدند .

کاریوکی رابه موتر مرسدس بنز سپیدی همانند موتر خودش سوار کردند . و گیتی ازدور مراقب حادثه بود. این برای آخریــن باربودکه کاریوکی رازنده دیدند .

یك ساعت بعد یعنی درست ساعت۸شام سه بچه ازقبیله ماسای نور چراغ‌های‌موتری رادیدند که نزدیك می شد. آنان خارج حلقه خیمه های قبیله خودکه برکنار کوره راهــی برتپه های تگونگ واقع ۳۰میلی نایروبــی کشیده شده بود قرار داشتند .

خیمه هارا بته های خار محاصره کــرده بود. هواتاریك بود .

موتر بالاتر رفت . لحظه ای خاموشی بــر همه جا بال گسترد وسپس فریاد انسانــی باصدای پنج گلوله این سکوت رابرهم زد . آنان گریختند .

کاریوکی رابادست های بسته به آنجاآورده بودند . اورا لت وکوب کرده بودند . زیــرا آثار آن برتمام بدن کاریوکی دیده شــد. اودر قتلگاه هم جدال کرده بود زیرا تافردای آن‌حلف های محل پایمال باقی مانده بود. گلوله اول اورا نکشته بود. ولی با سومین گلوله روی زانویش افتاد . دوتفنگدار دیگر که از عقب آتش کردند به شانه وپشــت گردنش ضربه زدند .

بعد جیب هایش راخالی کردند و فقــط دستمال بینی اش آویزان باقی ماند. جسدرا پنج یارد دورتر ازراه انداخته بودند .

درآن محل جویی روان بوده وهرشب کفتار هابرای نوشیدن آب بدانجامی آمدند .

این مطلب رابخوبی می دانستند زیرا بــه گفته افراد قبیله ساسای تاحال سه جسد را به‌آنجا آورده بودندکه از جمله روسای آ ن توسط کفتار هاازبین برده شد. ولی جســد کاریوکی همچنان باقیمانده بود .

وکیلی در پارلمان بیان‌کردکه : (کفتارها بخاطری به جسد کاریوکی دست نزدند کــه مردپاکی بود) ولی علت اصلی را بایددرترس کفتارها ازشنیدن صدای گلوله باید دانست .

ازبلندی هاتپه نگونگ بسوی دره مرکزی کینیا باز می شود . در شمال کوه هــای آتش فشانی سربرافراشتند ودر افق دوردست دریچه نایواشا دیده میشود .

زمین این که تا۳۰میل امتداد دارد بــه پترپسر، مارگرت دختر وسه وزیر کابینــه کینیاتا تعلق داردکه ساحه ۱۱۹۱۴۰ اکرزمین رادربر می‌گیرد. درآنسوی این زمین دهقانانی وجوددارند که بانیم ایکرزمین‌گذاره‌شباروزی می‌کنند .

ازهرده نفر کینایی نه نفرآن ازراه کشت زمین زندگی می‌کند. برای آنان مشکل کمبود کارنیست بلکه کمبود زمین است .

زمینداران نخبه :

زمینداران نخبه دردوساحه دره ایقت و کیامبو، قلب کینا تسلط دارند . خودکینیاتا بیش ازده هامزرعه دارد .

بزرگترین آن در اوتگای ۳۵۰۰ اکر مساحه دارد . اوباکمپنی نفتی ایشوه سی. اس.اس سالانه تا ۸۰ هزار پوند درآمد دارد .

ولی زمین طرف علاقه‌اش ، زمین های سر سبزکیامبو واقع شمال نایروبی اســـت . دراینجا دهقانان متوسط دواکر زمین دارنــد درحالیکه زمین ۱۱ـاکری خانواده کینیاتااکنون به ۲۰ اکر توسعه یافته است . در اواسط سال ۱۹۷۰ زمین های شرقی کنار دریا راز جورح کریتو کوس یوناني خرید .

درساحل غربی دریای تیریکبا، خود کینیاتا ۱۴۶۳ـاکر زمین داردکه به آن ۱۰۰ـ اکــر کشت چای رامی توان علاوه کرد. درجنوب نایروبی ۲۵۰۰ اکرزمین داردکه برای اپارتمان سازی خیلی مناسب است .

درپهلوی او، اعضای خانواده اش نیــز زمینداران بزرگ می باشد .

مامانگینه کینیاتا زن ۴۲ ساله اش یکــی ازجمله زمینداران بزرگ بحساب می آید . اوازبخش ازکینیا ۲۶۰۴۷ـاکر زمین دارد کــه به آن ۱۱۹ـاکر دیگرراکه در کنار دریــای تیریکبا موقعیت دارد، می توان اضافه کرد.

درکیامبو ۲ زمین کشت قهوه دارد ودراوتگای ۲۳۶۳ اکر دیگر در سر حد تانزانیازمین‌به مساحه ۷۰ میل مربع رااداره می کند .

پترهرکینیاتا وپدرش دارای بیش ازچندین فارم اند .

مارگرت دخترش دراوتگای فارم دیگــری دارد .

مبیوپسر دیگر کینیاتاکه وزیر داخله است ۱۵۲۴ اکر زمین دارد .

بت مکك خواهر زاده اش با شوهرش ۴۹۵ اکر زمین دارند .

این لست رامی توان باافزودن زمین هــای اعضای کابینه طولانی ترکرد .

نکته جالب این است که بسیاری خریدها توسط پول مالیه دهندگان انگلیسی صورت می‌گیرد . زیرا دولت انگلیس برای بازخرید زمین های انگلیس هاییکه سابق مقیم کینــا بودند به دولت کینا ۴۵ میلیون پوند داده است این پول بجای بازخرید زمین بجیــب نجنگان کینیا رفته وآنان برای خود زمیــن می خرند .

سازمان بین المللی‌کار که بادقت اوضاع کینایا رابررسی می‌کند در آخرین گزارشش می نویسد .

(برای جلوگیری از فقربیش از حددر دهات باید صدها هزار کاردیگر روی زمین ایجــاد کرد .)

در پارلمان کینیا نیز از توزیع عادلانــه زمین حرف زده میشودولی عمل درك نــدارد یگانه لایحه درسال ۱۹۶۵ به پارلمان بــرای تحدید مالکیت زمین بمیان آمد پادرهواماند.

این نشان میدهدکه چگونه شکل حکومــت پارلمانی درکینیا مسخ شده است .

کاریوکی یگانه قربانی ازپارلمان اســت درسال ۱۹۶۹ تامبویا یکی ازدانشمند ترین وزرای کابینه دریکی ازخیابان های نایبروبی توسط یك آدم بی سروپا کشته شد. ایــن مرداعدام شد ولی کسیکه واقعادر توطئه‌دست

بین کیتی رئیس پولیس کینیا

داشت زنده ماند .

وهمچنان در سال ۱۹۶۵ پیوپنتو یــك سیاستمدار آسیایی کشته شد .

پارلمان کمیته خاصی رابرای یافتن قاتلین کاریوکی تعیین کردولی اینان قدرت آن راتا ازدیوار های خاموشی‌که براطراف قضیه قــد برافراشته است ، نفوذ کنند .

تنها کاری‌که کمیته یادشده انجام داد آن بودکه لست مشکوکین راترتیب کرد ولی در همانروز اعضای کمیته بنزد کینیاتا فراخوانده شدند وازایشان خواهش شد تالست راتغییر بدهند . اینان مقاومت کردند وفقط دو نــام ازآن برداشته شد .

یکی آرترتانگو محافظ نزدیــك کینیاتا و دیگری کویانگ شوهر خواهر ووزیر داخله بود .

حتی عکس العمل خودکینیاتا دو گانه بود. دراول بیان‌کردکه : (هیچ سنگی بدون جستجو برای یافتن قاتل‌کاریوکی نادیده نخواهنــد ماند) وبعد ها هنگامیکه بزبان کیکوی بیان کرد :

(یکی ازفرشتگان نافرمانی کردو خداونــد آنرا از دربارش راند .)

که این کلمات بخوبی آگاهی اورا در مورد توطئه قتل نشان میدهد .

چهره هایی از جهان...

که برایش قایل شده بو دنــد ، نیذ یر فت و مسترد کــرد ، اودر فلم : (محبتی که بود) بازی‌کرد واین جایزهٔ درجه دوم را برا یش دادند و لی او که میخواهد به قله های بلند هنر سینمایی با لا رود از قبول آن سر باز زد .

سعاد حسنی که از هنر مندا ن بنام سینمای جهان عرب است بر طرز کار و نظر دهی هیئت بررسی وارزیابی مسابقات هنری سینما ، انگشت گذاشت و گفت که اعضای هیئت چون از اشخاص‌غیر مسلکی وناوارد در کار سینما و هنــر ، تشکیل گردیده ، لذا ظهور نظریات غیر هنری و دور از وا قعیت های هنر سینما ، يك چیز پیشبینی‌شده است واین درست نیست که هیئتی متشکل از اشخاص نا آشنا بــه مسلك سینما ، در محل ار زیابی کار های سینمایی قرار داده شوند واز همین جهت است که من حا ضر نیستم از طرف چنین عناصری‌مورد ارزیابی وتقدیر شنا خته شوم وهم تأ کید کرد که هر گا ه هیئــت

(خواهش من) و (تانگو درپاریس) را میتوان از فلم های پر شهر ت او بیاد داد ، او درین اواخر فــلم دیگری را تهیه کرد که بنام (فــقط ۱۹۰۰) یاد میشود ، این فلم که از يك مز رعه سا خته شده ا ست در اطراف چگو نگی د هقانان‌وگوناگون حیات دهقا نی ایشان که باز گــو کنندهٔ روز گار دو قرن قبل‌آن‌منطقه است، دور می زند وقصه هاوصحنه های فلم بسا اسرار و نهفته های زندگی ایشان را فــاش میسازد و شرح میدهد که دنیای فا شیزم و پیروان آن ، چه روز گاری را د ر ایتالیا ایجاد کرد و قدرت و نفو ذ بی حد و حضر فیو دالیزم تا کدام اندازه به تا خت و تاز خو یش‌ادامه بخشید و تا آنکه به تاریخ (۲۵) اپریل سال ۱۹٤٥که‌ایتالیاتوانست گلیم خویش را از زیر زا نــو ی فاشیست ها بــدر آورد ، چسان او ضاعی را درزندگی مردم آ نــجا

ایجاد کرده بود ؟

خودش میگو ید کــه این فلمش نسبت بهمه فلم ها یش و حتــی بمقایسهٔ بسا از فلم های د یگران،

فرید

فلمی است ممتاز و در خور تقدیر واین فلم در نگاه من باید بــنا م (نشنیدهٔ حیات) شنا خته شود .

بررسی سینما بهمین سویه د وام نماید او دیگر از کار های هــنری سینما و بازی در سینمــا د ست خواهد گرفت . در روز های پیش، این هنر مند زیبای سینمای عــرب به بیروت دعوت گردید و این‌دعوت از طرف یکی از طرا حان وفلــم سازان معروف آ نجا بنام(محمدعلی الصباح) صورت گرفت و از و ی خواهش کرد تا در چهار فلمی که ساخته و طرح شده خو دش بود ، بازی کند و نقش قهرمانی را دران بعهده گیرد او ایــن دعــوت ر ا پذیرفت ووعدهٔ هر گو نه فعا لیت را داد .

(بر ناردو بر تو لوشی) یکی‌از طراحان معروف جهان سینما بشمار میرود ، او فلم های متعددی‌که همه مضا مین و مطالب احتوا کــنندهٔ انسانیت را در خود دارد ، ساخته است که برای مثال فلــم هـــای:

آیا کار مانع دزدی کودك میشود

اثر معکو سی دارد و عمل راتشدید می نماید .

فایده مشت و لگد چیست؟ این تنبیهات بدنی وایجاد رعب برا ی مدت کو تاه ممکن است مــو ثــر باشد ا ما مو قتی استّ و بــطور کلی این نوع تنبیه نه تنها مفید نیست بلکه مضر نیز می باشد .

پس بهترین راه در مان آن دست یافتن به ا صل و منشهٔ آن است‌که چه چیز کودك را تحریك به دزدی مینماید . و بعد بکار بردن روش موثر است که این عمل را درکودك نابود سازد . برای یافتن ا یــن نقیصه او لتر از همه درك کر د ن اخلاق کودك است . اگر نتوانید که اخلاق کودك را درك کنید هــر گز امکان ندارد که مو فق شوید کــه کودك را از این عمل نا پسند بــاز دارید .

بهترین و نخستین

ازانکه علاقه و ذوقم به ور زش‌روزبروز زیاد شده میرود و بــی

این هم شا گردانیکه تحت‌تربیه‌محتر مه واحدی گرفته شده اند.

نهایت به آن علاقمند هستم غا لبا اوقات رابه تمرین سپور ت ، مطالعه کتب اجتماعی و اخلاقی و دیدن‌یگان فلم خوب سپری میکنم .

متشکر م اگر ممکن باشد د ر ــ قسمت مود لباس حر ف بز نید؟وی عقیده اش راچنین اظهار میداردبه نظرمن دختران باید با درنظر داشت اقتصاد فامیل وو طن شا ن‌ازتولیدات ملی لباس‌تهیه کنند چه امتعه داخلی ازیکطر ف ارزان و مقبو ل بوده واز جانبی هم ازنگاه کیفیت ومرغوبیت بامحصو لات خار جی رقابت کا مل مینماید دخترا ن اگر رشد وانکشاف اقتصادی و مطلو ب کشور را درنظر اقتصادی و مطلو ب کشور را درنظر بگیرند در آنو قت بدو ن ترد یــد کیفیت وزیبی که از پو شید ن‌لباس های که موادخا م‌آن ازخود و طــن تهیه شده باشد بیشتر وبهتر ا ز لباس‌هایست که‌ازخارج برای‌مامیرسد

ترجم : ژرف بین

خصوصیات کودکانه

راکت من به مر یخ نزدیك شد درسفینه‌دیگر برادر بزر گم سونی پهلوبه پهلوی کشتی فضایی من‌در حرکت بود وی به شد ت هر چه تمامتر اشتر نگ سفینه راچرخاند وعجله داشت که درین سیاره نا آشنا اولتر از من قدم بگذ ارد.

بر او فریاد زد م:

-زحما تت بهدر می رود مشکل است از من جلو بیفتی .

ودرحالیکه دستهایم را محکم‌تربه بیلر سفید بالای سر خود چسپانده بودم اشترنگ رافشار داد م .

سونی‌طاسی مسی‌راکه در سر ش گذاشته بود چر خی داد مثـ ل‌ایکنه شیلم (کلاه مخصو ص فضا نوردی) خود رادر سر عیار میکند و دوپایه به متکای چو کی کوبید و گفت:

- از تو جلو میافتم : سفینه من فوق‌سر عت نور حرکت می کند.

بداخل اتاق بیشتر از گردوغبار (کیهان) گرد وخا ك بالا شده بود درهوای اتاق میتو رایت ها(سنگ های آسمانی به وضا حت معلو م میشد وپر های بالش همه نوك‌زده بودند. تاسیاره خیالی ما فقـط قدری فاصله داشتیم و عنقر یب می رسیدیم .

من‌ترتیبا ت‌بر ك راسو چ نمودم واین ترتیبا ت راما شین گو شت تشکیل میداد. عینك های ذره‌بین دار مادر کلانم را بچشم گذ اشتم‌و فقطمیخواستم که‌به سطح سیاره - افسانو خویش فرود ایم که صدای مادرم را از عقب شنید م:

-از برای خدا، این چه حـال است ؟

ودرحا لیکه مادرم را ازبین گردو خاك به مشکل تشخیص میدادم - گفتم:

-به مریخ پرواز میکنم .

-عجیب فضا نور دانی چـه عجیب؟

حالا پدر ت میاید و سبق تانرا میدهد..

تمام سا مان ها رابجا یشـ بگذارید :

هنوز موفق نشده‌بودیم که‌راکت های خودراجمع و جور کنیم کـه پدر ما از دفتر سر رسید و مـادر کلان مانیز از مغا زه بـر گشت ، تقریبا یکسا عت مکمل هر سه‌شان سرنصیحت را برای ما باز کردندو پر گفتند .

پدرم گفت :

-برای آخرین بار برای تان می گویم خجالت بکشید آد مهای کلان، متعلمین مکتب کار هایی میکنیدفقط درکودکستا ن باشید .

راجع به اینکه حا لا ما بزر گ شده ایم و چگونه رو شی را باید انتخاب نماییم هزار ها بار برای‌ما گفته شده واز یك گوش داخل‌واز گوش دیگر خار ج شده است .حتی درشیر خوار گاه و کود کستان‌هم به‌مامی گفتند : شو خی نکنید ،قیل وقال نکنید ، جنگ نکنیـد زدوخورد نکنید ..

صدای سو نی را از گوشه اتاق شنیدم که میگفت :

-بیا که بعد ازین مانند بزرگان رفتار کنیم . برای یك هفته هم‌اگر شوداین کار را میکنیم ، چطور؟

روز دیگر در اپار تما ن ماخاموشی مطلق حکمر وایی داشت . تمـام اشیا در جای خود قرار دا شت .

مادرکـلان مانمی توا نست جلو خوشی خودرابگیرد ر فت و برای ماچاکلیت خرید . زیرا ما بکلـی روش مطابق میل او رانتخا ب‌کرده بودیم . ولی مادر حالیکه آب دهن خودرا قور ت میدادیم بایك صدا فریاد براور دیم که ماحالا طفـل نیستیم که ما را فریب بد هیدویا چاکلیت برای ما بخرید واز گرفتن چاکلیت سر باز زدیم .

مادر کلانم شب به مادر م مـی گوید:

-فکر میکنم که بچه ها را چیزی شده ، نشود که مریض شـده باشند ؟

پشت میز نان برای اولین با در زند گی کو تاه خودبحا ل(تیارسی) نشستیم یك مر تبه هم حتی یکدیگر خودرا چند ك هم نکندیم مادرکلانم بهت زده گا هی بطر ف مـن وگا هی بسوی سو نی نگاه میکرد میخوا ستم که با پایم پای سو نی راتیله کنم که دفعتا قرار داد من‌و سونی بیادم آمدو جلو این کاررا گرفتم. پیشا نی ام را ترش کردم وهمانطور آرام نشستم. بعد ا ز صرف غذا پدر م گفت :

-میتوانید حالا سا عت تیری - کنید و باچیز ی‌بازی کنید ...

سونی در حالیکه بکس کتابهای خودرامیگر فت جواب داد:

-بازی کردن چه مفهو م دا رد باید به کار هارسید گی کرد .

روز دیگر بخا طر این رو شما مادر کلانم من وسو نی رانزددکتور برد.

دکتور به بسیار دقت مارامعاینه کرد برای ما پو لی ویتا میـن نوشت و تو صیه کرد که ما رانزد دکتور اعصاب ببرند .

دکتور اعصا ب به مادر کلانـم گفت:

-مثل اینکه آنها ازمادر مالیخو لیا خویها بدنیا آمده اند .

-چقدر آنها بی حال و افسرده اند.

برای اطفال این، حالت غیـر طبیعی است.

روز چهار م پدر م دو دنده‌هاکی باتوپ آن آورد وبه ما گفت که‌بعد ازین هاکی بازی کنید .

یکی بطر ف دیگر نظری‌انداختیم چقدر دلم ما میخوا ست هاکی بازی کنیم من گفتم :

-ما کار های جدی تر ی داریم که‌به بازی هاکی و قتی نداریم‌من میروم تا در شستن ظرو ف مادر کلانم راکمك کنم.

سونی گفت :

-میروم تابو ت های تما م‌اعضای خانواده مارا واکس بزنم .

پدر م طا قت نیاورد و فر یاد زد:

-پس بیایید فضا نورد شو یم‌و باکشتی های فضا یی خود با زی کنیم از چو کی هاکشتی فضا یی‌و راکت بسازیم ، ماشین رخت‌شویی وچراغ سر میز ی ... را هر چه دل ما میخواهد جور کنیم سو نی جوابداد:

-این سخنا ن تا ن جدی‌نیست بهتر است اخبار مطا لعه کنیم ..

پدرم پشت سر ش راخار اندو از اتاق ما خار ج شد . دراپارتمان ماآنقدر خامو شی بود که حتـی صدای نجوای پدر ومادر م درمطبخ بگوش میر سد وصدای تك تـك ساعت‌سر میز ی مرتبا وا ضـح شنیده میشد .

پدر م گفت نمی دانم که اولاد هایم را چه شده است. بکلی آنها عوض شده اند.

مادرم حدسی زدو گفت :

-شاید اعصا ب آنها لطمه دیده

پدرم گفت :

-هر بلایی است به سر آنها آمده این خا مو شی قریب است مرا دیوانه بسازد ... خوا ب از چشمانم پریده نمی دانم چه کنم.

پدر م‌گفت:

-من هم همینطور .

دلم بحال والدنیم سوخت .پس پس کنان به سو نی چیز ی گفتم :واو هم ازگوشم گر فت وبه مستـی شرو ع کردیم گا هی من او رازیر میگرفتم وز مانی او مرا . لحظـه‌ای بعدمتو جه شدیم که پدر ، مادرو مادرکلانم بالای سر ما ایستاده اند ولبخند شیر ینی دور لبا ن شا ن نقش بسته است .

کوتاه. دلچسپ. خواندنی

زندانی ثروتمند

رئیس محکمه آغاز جلسه‌را اعلام کرد و بعد رأی محکو میت«سوفیا باسی» خوانده شد . و او که دامادخودرا بضرب گلوله بقتل رسانیده بود به یازده سال ز ندان محکو م گردید .

« سو فیا » باشنیدن رأی‌بگریه‌افتاد وزار ، زار گر یست درزندان مدتها حالتی دیوانـه وار داشت ومرتب گریه میکرد . اتفاقاً رو زی کا غذ وقلم خوا ست وبه نقاشـی‌شروع کرد .

وبعد ر نگ خواست و تا بـا‌ـوکشید . اولین تابلوی او راپولیس زندان به بیست دالر خرید و تابلوهای بعدی اش را که در ز ندا ن کشید ، شهرت‌یافتند و ازیـن راه‌پول زیادی فراهم کرد و پول خرید تابلو هایش را در حساب‌پس‌اندازاو وارد کردند. «سو فیا»که اکنون ۵۳ سال از عمرش می گذرد و بایدهنوز هم در زندان باشد تا بحا ل ۵۰۰ تابلو کشیده وبفروش‌رسانیده‌است . ودر حساب پس انداز اودر بانك بیش از ۴۵ ملیون ا فغا نـی‌پول پس انداز شده است و بد ین ترتیب ز ندان او را تبدیل به یك‌ملیونر سا خته است .

مدال نجات دهنده

کمیته حمایت کودکان‌در«پادربورن» واقع در انگلستان چندی‌پیش مدالی را سا خته است که باوجود ز یبا بودنش میتواند کو دکانرا درهنگام خطر نجات دهد .

مدال ابتکاری جدید دارای‌اوراق کوچکی است که در آن اطلا عا ت فوری ولازم راجع به‌کودك‌درموارد بروز حوادث واتفاقات نو شته شده است و هنگا می یك دکتور در یك حادثه ناگوار خو دش را ببا لیـن کودك میرساند، نام ، نام‌خانوادگی، آدرس ، نمره تیلفون ، مشخصا ت خون و غیره کودك را می یابد واز چگونگی تزریق واکسین و مریضی هایش در گذشته اطلاع حـــاصل میکند ، می‌تواند او را به آسا نـی تداوی کند و دیگر احـتیاج بـــه معاینات و آز مایشهای قبلی نیست از همین سبب مدال های ابتکا ری در تمام انگلستان مورد استعمـا ل دارد . و همه فامیل‌ها ازآن‌استفاده می‌کنند .

موتر پاك شد .حالا نـو بـــت‌توست تاخوب شستشو بد هم.

رادیوی نجات‌دهنده

همسایه های خانم ژ نـــو یـو مسکو نه پاریس و قتی د یدند که رادیوی آ پارتمان او از صبح‌روشن شده و حال که نیمه شب ا ست هنوز خاموش نگردیده به عـــنوان اعتراض بدر اپارتمان او رفته و هر قدر درزدند کسی در را باز نکرد. آنها در اول فکر کردند که خا نـم ژنو به اساس عادت همیشگی ا ش لجبازی میکند و در را باز نمیکند .

لذا به پولیس خبر دادند و درنتیجه پولیس آ مد و در آپارتمان را بـاز کرد و دید خانم ژنو بیـهوش د ر گوشه د هلیز افـتـاده و سراسر وجود او را خون فرا گرفته ا ست. خانم ژنو یو را به شفا خانه منتقل کردند و بز حمت ز یاداورا ازمرگ نجات دادند . بعدا معلوم گر د ید که دزد ها به خانه او رفته بـرای آنکه همسایه ها سر و صدای‌آنها را نشنو ند ، صدای رادیو را بلند کردند و لی سر انجام همین رادیو باعث نجات خانم ژنو یو گردید .

وکیل مدافع

خانمی وارد دارلو کاله یی شده ازآقای وکیل مدافع پر سید:

آقای وکیل ، جریمه یك بچه یی، که باسنگ شیشه پنجاه افغا نی گی راشکسته چقدر است ؟

وکیل لحظه یی فکر کردوگفت:

ــ پنجاه افغانی از پدرش مطا لبه نمایید .

خانم گفت :

ــ بسیار خوب ،پس خوا هش می کنم، پنجاه افغانی مر حمت کنید ،زیرا این هنر را پسر شما کرده است .

وکیل بلافاصله گفت :

ــ خانم ،ببخشید ،شما با ید پنجاه افغانی لطف کنید زیرا حق مشاوره قضایی من در هر نو بت صد افغانی است .

چه‌کنم آب بسیارسرد است ورنه‌می خواستم چند سا عت دیگر را نیز باآب بازی بپر دازم

خرس‌ودزد

صاحب باغ انگور وارد باغ شدودیدیك‌خرس‌ویك‌دزد مشغول‌خوردن انگور است‌صاحب باغ،دزد را گرفته‌به در خت بست ،وخرس‌را بیرو ن کرد وچوب را برداشت که دزد ر ابزند .

دزدگفت :

ــ چرا تبعیض قایل شدی ؟کاری به خرس نداری و مرا لتوکوب می کنی؟

صاحب باغ جواب داد :

ــبرای‌اینکه خرس میخورد و می رود ،اما تو می خوری و می بری.

بدون شرح

کار سازی

عیب مختصر

مردی پس از ماه ها یکی‌ازدوستان خود رادید . دو ستش‌باخوشحا لی به او گفت :

رفیق خبر داری که در یـــن تاز گی هازن گرفته ام ؟!

پرسید :

راستی ؟ پول از کجا کردی ،حتما زن بدبخت وبیچاره یـــی‌را به‌دام انداخته‌ای ؟

گفت :

ــ نه پول دار هم هست و خود شان خرج کردند .

رفیقش گفت :

البته پیر است .

جواب داد :

ــ جوان هم است ، نجیب هـــم است!

گفت :

البته گر فتار بیمای مز مـــن‌و خطر ناکی است ،یابد رش بد نـــام است .

جواب داد:

ــ اتفاقا چاق و چله وخو ب است از خانواده خیلی‌محترمی هم هست، وهیچکس در باره آنها تا کنون‌حرفی نزده است .

رفیقش تعجب کرد و گفت :

پس البته دست و یاپا یش فلج است یا کور است، یاعیب بزر گــی دیگری دارد .

جواب‌داد :

ــ نه هیچ نقص و عیبی هم ندارد هنر مند هم‌است،زیباهم‌هست، وبا سواد هم هست،چیزی که هست‌فقط مختصری اثر حمل دارد !

تاثیر کتاب!

شخصی گفت :

ـ زنم که طفل زاییده،واتفا قاً هنگام حمل هم کتاب سه تفنگدار می خواند !

ازاین قرار تصور می کنم سه‌تفنگدار مؤثری است !

شنونده لبخندی زده گفت:

ـ اگر مطالعه کتاب تااین حد مؤثرباشد ،پس باید خدا راشکر کنید که کتاب چهل طوطی نمی خوانده‌است .

بدون شرح

غسل گنجشک

دیوانه‌ای گنجشکی را در آب می‌شست شخصی به او نزدیک شده گفت :

گنجشك در وقت شستن میمیرد دیوانه به سخن اوتوجه‌نکرده به کار خود ادامه داد بعد از مدتی آن شخص بر گشت دید گنجشك مرده است . به دیوانه گفت‌من نگفتم گنجشك در و قت شستن می میرد دیوانه جواب داد : دروقت شستن نمرد بلکه در و قت فشردن مرد .

شوهر یا آقا

آقاوقتی‌وارد خانه‌شد وبه اطا ق خودرفت، پیش خد مت نزد خانم رفته گفت

خانم شوهر شما ازاداره آمد

خانم گفت:

شوهر شما یعنی چه؟ باید بگویی آقا،،

پیش خدمت جواب داد،

ـخیلی ببخشد ،معذرت می‌خواهم من تاحال خیال می کردم که شمابا هم از دواج کرده اید.

کار سون: گفتید غذا رااینجا بگذارم

لبخند

در مجلس رقصی که گروه‌کثیری از جوانان ا شتراك دا شتند ، مرد جوانی ، از نامزدش که با او می‌رقصید پرسید :

ـ چرا شما هیچ حرف‌نمی‌زنید مگر از من قهر کرده اید ؟

دخترك گفت :

چرا ... چرا ... مگر هر د فعه که‌پایم رالگد می کنید نمی گو یم « آخ » .

پیراهن جدید

درویش بی‌سر وپا، خوا جه یی‌راگفت :

ـ اگر من بر در سرای توبمیرم،بامن چه می کنی ؟

خواجه گفت :

ـ ترا کفن کنم و به گور سپارم.

درویش گفت :

ـ امروز به‌زندگی، مرابیر اهن‌پوشان، وچون بمیرم، بی کفن به خاك بسپار .

خوا جه بخندیدو او را پرا هن‌بخشید .

دستور
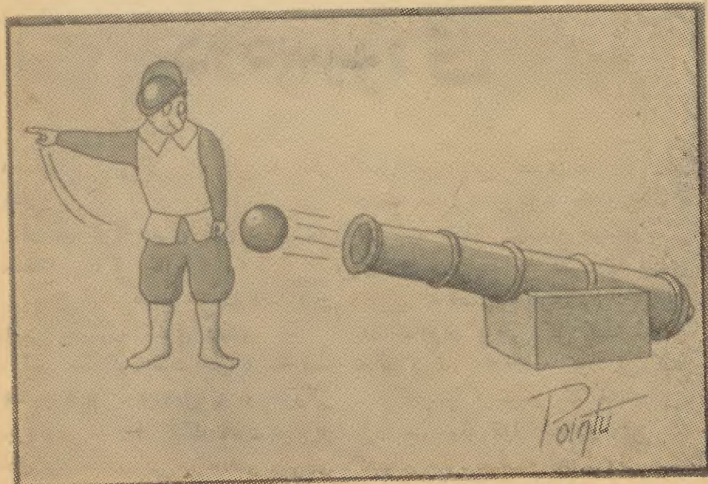
فال حافظ
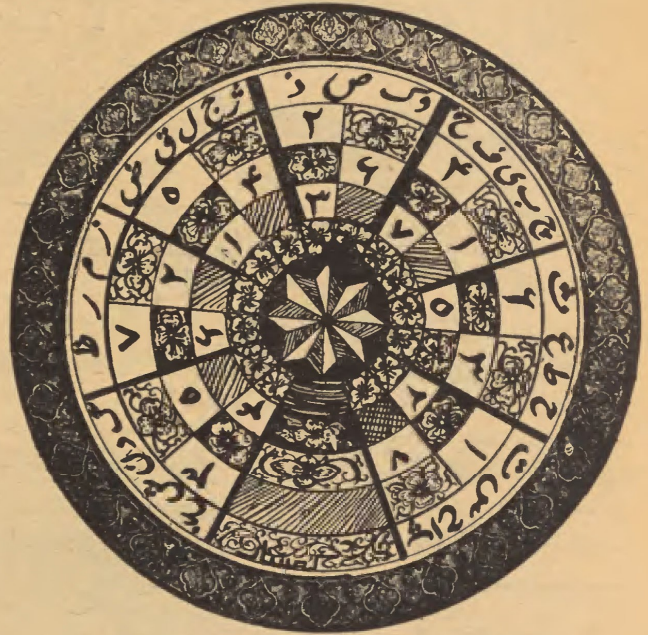
درهر روزاز هفته که میخواهید فال بگیرید‌به‌تصویر بالا توجه نموده یك‌حرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایرهٔ‌بزرگ‌پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حـرف اول باشد‌یادوم‌باشد‌یاسوم‌یاپنجم) درزیر همان‌حرف‌مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل‌خانه‌های سفید آن‌سه‌عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وآنگاه‌به‌همان شماره در زیر نام همان روزاز هفتـــه مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافــظ‌شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه‌حرف چهارم نام‌خودراکه‌میم است انتخاب واز جمله سه عددی که‌در زیرقوس مربوطه به این حرف دیده می‌شودبیت «۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحهٔ مقابل‌مراجعه کنید وبخوانید لسان الغیب بشما چه می گوید !

دوه‌سیوري

په‌خپلی نوکری کی واو کلی ته ندی راغلی .

اوپدی توگه ببری ځان دخلکــیو دخندا وړ وگر ځاوه .

ببری نه پوهیده چه دا دنیا ولی داسی نسکوره شوی ده .

آخر دده اود ملك خو یارانه وه. په‌شپو شپو به‌یو دبل په او جروکی دیره وو. ساز او ټنگ ټکور یی یو ځای و. خبری یی سره شر یکی‌وی

اوچه هغه ملك کیده‌هم ده ډیره مرسته ور سره کړی وه اوپه ځوانی کبنی هم‌یو دبل ملگری و. خو پدی حکمت هیڅ نه پوهیده چه ولی ټول کلی یوه خوا اودی بله خوا دریدلی دی. او وروسته په گلبت با نــدی دعرض له قصی نه‌ببری ډیر ځوریده نه‌د ساروان په‌هټی کی کینا ستــو خوند ورکاوه اونه په کور کی کینا ستو اوبهر گرځیدو .له ځانه سره یی‌دا سوچونه کول چه دی ولی لــه کلیوالو سره میشته ندی؟ ولی یــی کلیوال درناوی نه کوی ولی‌یی ځای پەواده او خیرات کی بر سر ندی او په‌سلگونو نوری داسی ولی؟

خو یوه شپه چه له خپلی مشری ښځی یعنی دگلابی له مور سره پــه کوټه کی ناست وهغی په ویره‌ویره پوښتنه ور ښخه وکړه چه:

ـ«آخرزه خودگلبت دماندینی‌له لاسه دوه سپږمو ته رسیدلی یم ... نــه پوهیږم چه څه وکړم؟»

ببری ښه شیبه چرت ووا هه.او بیایی سر پورته کړ او ښځی ته یی وویل:

ـ«دماټو تنخواه به څو مـــره وی؟»

ـ« نه پوهیږم. خو ډیر ښه‌هلك دی وایی چه‌په ښار کی ډیر عـزت لری. خلك یی ډیر قدر کوی.»

او بر ته لدغو څوخبرو ببری نور هیڅ خبره ونکړه .

اوشپی ورځی همداسی تیریدلی.

* * *

یوه ورځ چه‌په کلی کی مړی‌شوی واو ټول کلیوال دکلی په هدیره‌کی‌و وروسته دمړی تر خښولو، ټو لــو ولیدل چه ببری دگلبت لاس ونیواو دهدیری بل گوټ ته ولاړل .هلته‌په مړو باندی شناختی ولاړی وی.

دواړو مړو ته دعاوی وکړی اوبیا دهدیری بلی خواته ولاړل هلته یو څو وران قبرونه وهغو مړو ته یی هم‌لاسونه پورته کړل. ببری لومړی خپل مړی چه شنا ختی یی ولا ړی وی گلبت ته وښودل او بیا گلبت ببری ته .پداسی حال کی چه‌یودبلی مړی ښه پیژندل. او چه دمړی دعــا خلاصه شوه هماغسی دواړه کلی‌ته راکوز شول .

ټولو کلیوالو تعجب کاوه چه‌دوی څنگه یو له بله سره گر ځـــی او خبری کوی .اوچه ددوکان خوا تــه راورسیدل باز گل او ساروان هــم په‌تعجب سره هغوی ځارل .

چه‌څو دساروان سترگی په گلبــت ولگیدلی ولاړ شو اوبه غبر یـــی پوښتنه ورسره وکړ او یی وی ل:

ـ«بیگاه یی تیل یووړل. ما دی زوی ته وویل چه که پیسی نه وی پروا نلری!»

اوبیا یی دخپلو خبرو عکس‌العمل دببری په څیره کی چه موسکی وه ولټیاوه. هغوی هما غسی په خبــرو خبرو کی دواړه دگلبت دکور خواته وخو ځیدل .

هماغه شپه کله چه ببری دگلبت سره ډوډی وخوړله نو سره له هــر یکینه اود گلبت له کشره زویه د هغوی له کوره راووت اود خپل‌کور خواته روان شو .په خپلو زهیـــرو سترگو یی آسمان ته وکتل .دمنــی شپی وی دمیزان ستوری یی پـــه آسمان کی ولید. اوله ځانه سره‌یی وویل:

ـ« دا کلونه عجب ژرژر تیریږی!

اوبیا یی ځان په ځادر کی ونغښت. یوه تنده سیلی مخ کښته دگلبـــت دکور په خوا الوتله. همدا سی یی‌چه په‌ځان پوزی ځادر سماوه، سر یی دلاری په خوا کی په ولاړ توت‌ولگید تندی یی ژوبل شو. خو څه یی‌ونه ویل اود گلبت کشر زوی‌یی رسخت کړ.

* * *

دوه هفتی تیری شوی .یوه ورځ مازدیگر چه بازگل او ساروان‌ناست وواو دهر وخت په شان یی‌په خپلو کی خبری کولی، دتوپکو دډزو غږوا وریدل. اود ډزو سره غبرگـــك ددی سندری غږ چه!

ـکجاوی او شا لیلا ورو! کجاوی .. کجاوی !یو بل ته یــی سره وکتل دلو مړی ځل لپاره دببــری ځای په دوکان کی تش و.دواړو دیو بل‌له سترگو نه په یوه فکر با ندی پوه شول:

ـببری خپله منځومی لور گلا به دگلبت زوی ماټو ته ور کړی وه!

همدا سی هم وه. همدا چه بیگاه ساروان او بازگل دوکی محفل تــه ورغلل نو‌یی ولیدل چه ببری اودهغه زوم ماټو دواړه سره ولاړ دی.دببری ملاتر پخوا زیاته کړو په شوی وه خو ماټو دځوان چنار په شان دنگ اوموسکی ولاړ دی .

ددیواله خواته په لوبو دیگیوپسی اورونه بلیدل او داورونو رڼا دببری اوماټو سیوری دکلا په دیوا لـــه باندی نځول .یو کوږ سیوری اویو هم سیخ او دنگ سیوری !

کابل_ شاشهید . د۱۳۵۴ دتلی(۵) ۵

شنبه

۱ـ صبا به لطف بگوآن غزال رعنا را
که سر بکوه وبیابان تو دادهٔ مـا را
۲ـ شکر فروش که عمرش دراز باد چرا
تفقدی نکنـد طوطـی شکـر خـا را
۳ـ به‌خلق ولطف توان‌کردصید اهل نظر

به بند ودام میگیرند مـرغ دانـا را
٤ـ جزاینقدر نتوان‌گفت درجمال توعیب
که وضع مهرو وفانیست روی زیبا را
٥ـ سرکش‌مشوکه‌چون شمع‌ازعزتت‌بسوزند

دلبرکه درکف اوموم‌ست سنگ خـارا
٦ـ آئینه سکندر جام می است وبنگر
تا بر توعرضه دارد احوال ملـك دارا
۷ـ حافظ ازباد خزان درچمن دهر مرنج
فکر معقول بفرما گل بی خار کجـاست

یکشنبه

۱ـ عنقا شکار کس نشود دام بازچیـن
کـانجا همیشه بـاد بدستست دام را
۲ـ ساقیا بر خـیز و درده جـام را
خـاك بر سـر کـن غـم ایـام را
۳ـ رونق عهد شبابست دگر بستانـرا

میرسد مژده گـل بلبل خوش الحان را
٤ـ درخرابات طریقت ما بهم منزل‌شویم
کاین چنین رفتست در عهدازل تقدیرما
٥ـ عقل اگرداندکه‌دل دربندزلفش‌چون‌خوشست

عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر مـا
٦ـای فروغ ماه حسن‌ازروی رخشان‌شما
آب روی خوبی ازچاه ز نخـدان شمـا
۷ـ عزم دیدار تو دارد جان برلب آمده
باز گردد یابرآید چیست فـرمان شما

دوشنبه

۱ـ بخت خواب‌آلودما بیدارخواهدشدمگر
زانکه زدبر دیده آبی روی رخشان شما
۲ـ بادل سنگینت آیا هیچ در گیردشبی
آه آتـش ناك وسوز سینه شبگیرمـا
۳ـ ساقی بنور بـاده برافروز جـام ما

مطرب بگو که کار جهان شد به کـا ما
٤ـ مادر پیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بی خبر ز لـذت شرب مـدام ما
٥ـ تیرآهٔ ما زگردون بگذردحافظ خموش

رحم کن برجان خود پرهیزکن ازتیرما
٦ـ هرگزنمیردآنکه‌دلش زنده شدبه‌عشق
ثبت است در جریدهٔ عالـم دوام مـا
۷ـ چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان
کاید به جلوه سرو صنوبر خـرام ما

سه‌شنبه

۱ـ ای باد اگر به گلشن احباب بگذری
زنهار عرضه ده برجانان پیـام مـا
۲ـ گو نام ما زیادبه حمدا چـه می بری
خود آید آنکه یاد نیـاری ز نام مـا
۳ـ مستی به‌چشم شاهددلبند ماخوشست

زانرو سپرده اند بـه مستی زمـام ما
٤ـ حافظ به دیده دانه اشکی همی فشان
باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما
٥ـ دل خرابی می کند دلداررآگاه کنید

زینهار ای دوستان جان منو وجان شما
٦ـ ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت
وی مرغ بهشتی که دهد دانـه وآبت
۷ـ خواهیم‌بشدازدیده درین‌فکرجگرسوز
کاغوش که شدمنزل آسایش وخوابـت

چهارشنبه

۱ـ درویش نمی‌پرسی وترسم‌که نباشد
اند یشه آمرزش و پـروای ثـوابـت
۲ـ راه دل عشاق زد آن چشم خماری
پیداست‌ازین شیوه‌که مست‌است‌شرابت
۳ـ تیریکه زدی بر دلم ازغمزه خطارفت

تاباز چه اندیشه کند رای صوابـت
٤ـ هر ناله وفریاد که کردیم نشنیدی
پیداست نگـارا که بلند است جنابـت
٥ـ دوراست سرآب ازین بادیه هوشدار

تا غول بیا بـان نفـریبد بسرابـت
٦ـ تا دورهٔ پیری به‌چه‌آئین روی ای‌دل
باری به غلط صـرف شد ایـام شبابت
۷ـ خمی‌که‌ابروی شوخ‌تودرکمان انداخت
به قصد جان من زار وناتوان انداخـت

پنجشنبه

۱ـ سینه از آتش دل‌درغم‌جانانه‌بسوخت
آتشی بوددرین خانه که‌کاشانه‌بسوخت
۲ـ تنم از واسطهٔ دوری دلدار بگداخت
جانم از آتش مهر رخ جـانانـه بسوخت
۳ـ خرقهٔ زهـد مرا آب خـرابات ببرد

خانهٔ عقـل مرا آتش میخـانه بسوخت
٤ـ چون‌پیاله‌دلم‌ازتوبه که‌کردیم‌بشکست
همچولاله جگرم بی می ومیخانه بسوخت
٥ـ ماجراکم کن وبازآ‌که مرامردم چشم

خرقه ازسر بدر آورد وبشکرانه بسوخت
٦ـ ای نسیم سحر آرامگهٔ یارکجاست
منزل آن مهٔ عاشق کش عیار کجاست
۷ـ هرکه آمدبه جهان نقش خرابی دارد
درخرابات مگوئید کـه هوشیا کجاست

جمعه

۱ـ دل دونیم شدودلبربه ملامت‌برخاست
گفت باما منشین کزتو سلامت برخاست
۲ـ هرسرو موی مراباتوهزاران‌کاراست
ما کجائیم و ملامتگـر بیکـار کجاست
۳ـ باز برسیدزگیسوی شکن درشکنش

کاین دل غمزده سر گشته‌گرفتارکجاست
٤ـ عقل دیوانه‌شد آن‌سلسله مشکین‌کو
دل زما گوشه‌گرفت ابروی دلدارکجاست
٥ـ خوشترزعیش‌وصحبت‌وباغ‌وبهارچیست

ساقی کجاست گوسبب انتظار چیست
٦ـ بنال بلبل اگر بامنت سر یاریست
که مادو عاشق زاریم وکار مازاریست
۷ـ دلش بناله میازار و ختم کن حافظ
که رستگاری در کـم آزار یست .

ترجمه و نگارش : پوهنـدوی گوهری

واکسین وادامه حیات

درائنای انکشاف نوزاد یکتعداد حجرات جسم وی بادوران خون وارد غده تایمو س میشود . حجرات جسم، برخی حجرات غـده تایموس رافعال ساخته و سپس حجرات فعال توسط حجرات باقیمانده غده مـذکور بلـع گردیده وازبین میرود. بدین صورت بعدازمدتی درغده تائیموس تنها حجراتی باقی میما نند که قدرت فعال شدن رادر مقابل حجرات جسم ندارند . درموقـع تولد طفل ،حجرات تائمیك که غیر فعال اند به سایر نواحی جسم مهاجرت نموده وعکس العملی رابه مقابل حجرات جسم همان فرد ازخود نشان نمیدهند که این حا لت رادر اصطلاح علم بیالو ژی ،بنام امیونولوجیکل تالیرنس گویند.

دربرخی حالات غیر عادی ، بعضا چنا ن اتفاق می افتد که حجرات غده تایموس در مقابل پروتین جسم همان شخص غیرفعال شده وبلکه علیه پروتین وی انتی بادی هارا میسازند . این حالت غیر عادی را بنام اوتو امیونیتی گویند. انواع واشکال مختلف ا ین مرض وجود دارد که یکی آن عبارت از مرضی میا ستینیا گراویس می باشد، که در آن در مقابل پروتین عضـلات جسم انتی با دی ها ساخته می شود . شخص مـریض همیشه عـضلاتش بصورت عادی فعالیت نکرده وهم عـضلات جریانات عصبی رابدماغ انتـقا ل نمیدهد . برخی ها عقیده دارند که ممکن یکی از علل بیماری های روماتیزم ومرض گرده وغیره نیز او توایمیو نیتی باشد .

اقسام آنتی بادی ها:

انتی بادی چیچك ودر مقابل انتی جین کولرا، خواص مختلفی راازخود نشان میدهند . یعنی به عبارهٔ ساده تر، درمقابل انتی جین چیچك

انتی بادی هادرمقابل انتی جین های مختلفه انتی بادی کولرا ساخته میشود جسم انسانها قادر به اینست که درمقابل تعداد کم انتی جین، مقدار زیادی انتی بادی رابسازد، که قسمتـی ازین انتی بادی هابرمیکروب حمله نموده وآن راازبین می بردبقیه درجسم باقیمانده ومعافیتی راتولید وسپس درمقابل ورود میکروب هـای جدیدفورا عمل نموده وآنهاراغیرفعال میسازند. هرگاه شخصی مدتی پس ازگذشتاندن یـك مرض دوباره بامیکروب آن مواجه شود ـ درین صورت انتی بادیهای که درخون بجا مانده اند، فورا برمیکروب وارده اثرنموده وآنرا درهمان مرحلهٔ اول نابود میسازد. البته درچنین موارد شخص درهمان لحظات اولیه از خطرات انتی جین رهائی یافته واصلا علایم مرض در اوآشکار نه میشود .

انتی بادی هااز لحاظ طرزالعمل و فعالیـت خویش انواع زیادی دارند . چنا نچه برخـی انتی بادی ها مـواد سمعی راخنثی ، عده ای انتی جین های منحل رامترسب وگروهـــی انتی جین های زیادی را بهمدیگر وصل نموده وبصورت پارچه ها یالخته هادر می آورد . لذاانتی بادی ه را بنابر طرز فعالیت شان بنام های ذیل مسما مینمایند .

انتی بادی هـی ترسب کننده،انتی بادیهای خنثی کننده، انتی بادی های حل کننده، انتی بادی هـی لخته کننده وغیره .

کسب فعالیت درمقابل مواد بیگانه وپروتینی درطول عمریك شخص بتدریج زیاد شده میرود. مثلا وقتی طفلی برای باراول پروتین تخـم را می خورد ـ جسمش درمقابل آن معافیت حاصل میکند سپس به مرور ایام در مقابل انـواع پروتین گوشت ها، باکتری های محیط زیست وسایر مواد کسب معافیت می نماید .

کسب معافیت ذریعهٔ زرق واکسین ها در جسم :

علمای سائینس، طرقی مختلفی را امـروز کشف نموده اندکه به اثرآن میتوانند ازبرخی امراض، قبل ازوقوع آن جلـوگیری نمایند. یکی ازین طریقه ها، واکسنیشن بوده کـه دراثر آن حجرات پلازمافعال گردیده و تولید انتی بادی رامی نمایند .

واکسین هادرحقیقت مولدین امراض مختلفی هستند که به نحوی درلابراتوار غیر فعـال ساخته شده ولی تنهاخاصیت تحریك نمودن حجرات پلازمارا میداشته باشند. تخنیك هائیکه بواسطه آن میتوانند انتی جین هاراغیرفعال سازند، مربوط به نوع میکروب، می باشـد. طور مثال عده انتی جین ذریعه حرارت، گروهی بواسطه مواد کیمیاوی وپاره ای توسط شعاع ایکس وغیره غیرفعال ساختـه می شونـد .

عکس العمل جسم بعد ز تزریق واکسین کولرا درمقابل انتی جین کولرادر مثال ذیل بوضاحت بملاحظه میرسد .

هرگاه شخصی راواکسین کولرا نمائیم ، در هفته اول بمقابل میکروب واکسین ، حجرات پلازما فعال شده ودر اخیر همان هفته به تولید انتی بادی کولرا مبادرت می ورزند. بالاخـره بعداز ده الی چهارده روز تعداد انتی بـادی درخون به سرحد اعظمی میرسد وسپس بعداز چندهفته ازتعداد انتی بادیها کاسته شده و آهسته آهسته ازبین میرود . هرگاه چنیـن شخصی بعدازچند هفته دوباره واکسین مذکور را زریق نمایـد درآنصورت طوریکه دیاگرام ذیل نشان میدهد، مقدار انتی بادیها دفعتادر خون زیاد شده وهم مدت دوام آن تابه چند ماه میرسد ازهمین سبب است که دربرخـی حا لا ت بعد از تزریـق چنـدیـن واکسین شخص میتواند معافیت دایمی رادر مقا بـل مرض کسب نماید . دلیل عمده ای راکه چرا جسم درمقابل واکسینشن های بعدی عکس العمل بیشتر نشان میدهد اینست که اکثر حجـرات پلازمای که درجسم دراثر واکسین های اولی تولید وتحریك شده اند بعـد از مـد تی به اثرعوامل نامعلومی از فعالیت بازمانده اند، بعدازتزریق واکسین دوم وسوم، خیلـی هـا فعال گردیده ومقادیر هنگفتی انتی بادی هارا بوجود می آورند .

اطفال خویش راذریعه واکسینشن از امراض نجات دهید :

طرزدرست وقایه صحت اطفال نوزادبمقابل امراض، نه تنها ازوظیفه طبیب میباشد بلکـه مادران نیز باید ازآن اطلاعی درستی داشتـه باشند . امروز در سراسر جهان تعداد کثیری اشخاص علیل وبیچارهٔ ای وجود دارند کـه به نحوی درایام طفولیت از پرستاری صحیح مادران خود برخوردار نه گردیده اند .

ازمباحث گذشته میدانیم که وقتی فـرد ی واکسین گردیده وبه مقابل مرض، معافیـت کسب می نماید ، طورخلاصه حالات ذیل دروی پدیدار میگردد :

۱ـ انتی بادی هادردوران خون او تشکیل میگردد .

۲ـ دربرخی واکسین هائیکه از طریق دهن وارد جسم میشوند، (خورده مـی شـوند) معافیت ناحیه وی درامعا دروی بوجود میآید . بدین معنی که امعا برخی تغییراتی را متحمـل میگرددکه دراثر آن میتواند که امراض مذکور رابخوبی کنترول نماید . این حادثه رادر علم طب بنام معافیت امعاوی میگویند.

۳ـ هرگاه شخصی مرتبه اول واکسین شود سپس واکسین های بعدی درمقابل همان مرض تزریق گردد .

درین صورت اگر میکروب زنده همان مرض بعداز چندی وارد جسمش شود درداخـل دوران خون اوانتی بادی هابسرعت وبه تعـداد زیادتشکیل میشود .

اطفال نوزاد بعداز تولد به تعداد زیـادی میکروب هامواجه میشوند . جسم وی علیـه هجوم این میکروب های محیطی مقاومت کمـی داشته وتنهابرای مدت کوچکی بتواند علیـه

بقیه درصفحه ۶۲

درس زندگی

شود. وانسا ن فکر میکند که در اینجا گنا هی ندارد وقانو نعمومی حتمی حکمر وایی داردکه مناسبات رابی نور ونمك می سازد .

اعتراف‌درد آور یکی ازآشنایانم رابخاطر می آور م:

ـبس چه باید بکنم؟شمابگویید درصور تی که عشق ازبین رفته‌چه باید بکنم؟عشق یك جانبه نتیجه‌ای ندارد درست است که من طفلم‌را دوست دارم ولی با او بدو نعشق نمی توانم زند گی کنم ومهم تراز همه اینکه من اصلا کس دیگری‌را دوست دارم ؟

درهمچو احوال دایما چنین‌جواب میدهند: :

بدون درنظر داشت عشق با ید بسوزی و بسا زی و لی آیاهمیشه این‌سخن درست است که میگویند عشق‌مانابودشده دیگر ماهمدیگر را دوست نداریم . عشق نابود نشده ولی مراود ت شکل دیگر ی رابخود گرفته و تغییر خورد ه.

زن وشو هری که خانواده‌خویش راوهمدیگر را تا اعما ق پیر ی‌و کهولت نگهدا شته اند بخو بـــی میدانند که چه کجگرد شی هـــای مهلك وخط رناکی درشا هراه‌زندگی وجود دارد . دورا ن جنگی گری‌ها تاچه اندازه ای مهربانی هاو عطو فت زنا شو هری را متا ثر سا ختـــه است. آیا هیچگا هی نشده کـــه درین دوران آنها همدیگررا بخشیده باشند وبخاطر رسو م و عنعنا ت خانوادگی از گنا هان‌و اشتباهات یکدیگر صر ف نظر کـــــر ده باشند.

بلی اینها همه گذ شته اند و ـ صفحاتی از تاریخ زند گی اشخا ص وخانواده ها راسا خته اند. آینده به گذشته ارتباط دارد اطفالی که‌باید بدنیاآیند وبالا خره نواسه ها که بدون آنها زند گی برای پدرا ن‌و پدرکلان ها لطفی ندارد نباید ـ اشتبا هات اسلاف خود را تکرار کنند تمام این سخنا ن رابه‌کسیکه عشقش بز عمش نابودشده بودگفتم وعلاوه کردم: بسی اوقا ت‌ازدواج های دو می وحتی سو می هم‌دراثر ظهورعشق های مجا زی ساز گار واقع نشده است . دایم فکر شده است که همینست آنچه را جستجو میکردم ولی بعدا مشکلا ت ا مور منزل وزند گی خانواد گی ظهـور میکند طفل پابه عرصه‌وجود مــــی گذارد و مشکل اساسی زند گـــی کردن در دوخانواده به میدان‌میاید. واین ازدواج جدید راصر ف بخاطر آن‌لغو قرار نمی دهند که گو ا را نیست باو جوداین هم نظر مرد مو ووجدان مو جوداست .

ـزند گی بدو ن عشق ادا مه پیدا میکند و پیش میرود بعضی اوقات ازدواج دو می الغا می‌شودو یك‌طفل دیگر از محبت پدر ی‌بدور می ماند وبه هرسو یی دست وپامی اندازد تا پرنده ه آبی خود را بدست آورد.

لزومی دیده می شود که تمام این مسایل را بایسرا ن در بیـــن گذاشت ؟

به‌عقیده من ـ ضرور یست‌زیرا (کسیکه با خبر است مسلح‌است) این اسلحه نه‌تنها درسا عا ت ـ ادبیات و یا مضا مین اجتما عی‌در دست شا گردان داده شود بلکه باید بصور ت سیستما تیك از طریق دانش مکمل فلسفه تحلیل گردد وبا استفاده از آخرین‌نظریات وپیشرفت های علم رو انشنا سی‌با آنهاپیش آمده شده به معني واقعی آن شا گردان تنویر گردند .به‌این اساس هدف اساسی تعلیم وتربیه حاصل شده احساسی مسو لیت احساس ایفای و ظیفه ، احسا س نجابت و احساس عشق درانسانها تولید میگردد .

تلاش در راه عملی سا ختن این امور جار یست مثلا در لیننگراد مضمونی بنام (مسایل مناسبا ت شخصی و آماد گی برای زند گـی خانوادگی) مدت بیست سا عـت درسی در مکاتب جریان دارد .

احتمالا ممکن است که این‌تجزیه رابه‌مقیاس بزر گتری و سعت داد لازم است شرایطی برای پسرجوان ودختر جوان که از مکتب فا ر غ التحصیل میشوند ایجاد نمودتا ـ آنهانه تنها هنـــگام فراغت ذخیر ه ای‌از دانش فز یك جغرافیه‌و تاریخ داشته باشند بلکه در مورد آداب ونزاکت ،آداب زند گی خانوادگی، امور ازدواج و معلـــــو ما ت کلی درمورد اینکه چگونه با مشکلا ت خانوادگی دست و پنجه‌نر م کنندو ازآن فایق بد رایند داشته باشند

فکر کنیم وبه مسایل زندگی‌توجه نمایم...

این مو ضو عات‌نه تنها برای خود اشخاص حایز اهمیت اند بلکـــه دولت‌نیز از ان بهره مند مـــــی گردد.

شیک پوش

کنیم وژرفتر بیاندیشیم در خواهیم یافت که مود بذات خود زشت وزننده نیست، بلکه این پیروانان وگرویدگان آن اندکه با انتخاب مودنامناسب ونه چندان زیبا وافراط درآرایش سروصورت و پوشیدن لباس های رنکارنگ ازمود یك هیولا ساخته اند .

مود، آنچه ماتصوری ازآن داریم، غیرازآن است . مودعبارت است ازتغییردر طرح های قبلی وارائه طرح تازه، مود عبارت از نمونه هاومدل های نویست که توسط طراحان لباس چهرهٔ‌گیسوو.... طرح وبه بازارعرضه‌میگردد. مودهمان نمونه های متنوع وگوناگونی است که به دسترس مشتری قرار دارد تاازیـــن همه مدل هامطابق به سلیقه وضرورت خود هریك رامیخواهد بپذیرد .

این مدل های گوناگون ورنگارنگ برای این است تا پیروانان ازلابلای آنها بهترین ومناسبترین را برای رفع ضرورتش انتخاب نمایدنه اینکه کورکورانه هرچه بدستش‌رسید ولوجلف وزننده مود روز گفته بپوشند وفخر هم بفروشند ! بی اینکه توجهی به اقتصـــاد ضعیف خانواده اش بنماید .

زرغونه انا

نادرستی گفت :

« بری او ماتی دتقدیر به‌لاس‌دی مکر « احمد » خان وژنی او ما تی نکوی !»

زرغونه انا در حدود سال۱۱۸۶ هجری قمری در حالی پدرود حیات گفت که فر زند رشید ش برر یکه یك امپراتوری بزرگ شرق تـکیه زده بود .

ـجنازه زر غونه انا با تجلیـــل بی‌سابقه و کم نظیر در قلعهٔ کو هك واقع کنر دریای ارغنداب مـد فون شد .

اطلاعات و کلتور

رئیس تحریر : محمد ابراهیم‌عباسی

مدیر مسؤل نجیب رحیق

معاون : پیغله راحله راسخ

مهتمم: علی محمد عثمان زاده .

تیلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵

تیلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹

تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹

تیلفون ارتباطی معاون ۱۰

تیلفون منزل معاو ن۴۰۷۶۰

مدیریت توزیع ۲۳۸۳۴

سوچبورد ۲۶۸۵۱

آدرس : انصاری واټ

وجه اشترا ك :

درداخل کشور ۵۰۰ افغا نی

واکسین

(پلاسانتا) از خون مادر اخذ نموده اند . زیرا اطفال حین تولد خویش داشته باشد . تعدادکمی انتی‌بادی های دارندکه ازطریق‌خس از خون مادر اخذنمودهاند.

این انتی بادی هاعمر طویلی نه داشته‌وبعد ازمدتی ازخون طفل غایب میشوند . درین حال باید اطفال بمقابل امر اض مختلف واکسین گردند . امراض که درمقابل آن میتوانیم اطفال کوچك راوقایه نمائیم عبارت انداز :

۱- سیاه سرفه، دیفتری وتیتانوس :-

واکسین امراض‌مذکورراگاهی بصورت‌جداگانه وزمانی دریك واکسین (یعنی به شکل مختصر آن دی.پی. تی‌گویند) به‌طفل تزریق مینمایند. واکسین دی.پی.تی مرتبه اول درماه عمرنوزاد سپس درعمر دوماهگی وبعدا بعمر سه ماهگی به طفل تزریق میشود. یعنی هرسه واکسین اولی دی . پی. تی ابتدا بفاصله های یکماه ازیکدیگر به طفل تزریق میگردند، سپس واکسین چهارمی دی. پی. تی بعمر ۱۲-الی ۱۸ماهگی وواکسین پنجمی به عمر چهار سالگی به طفل بایدتزریق گردد . واکسین های چهارم وپنجم دی. پی. تی را بنام واکسین های (بو ستر) یا (ریسل) گویندکه درین حالت تعداد انتی بادی های خون خیلی هازیاد شده وهم طفل بمقابل هرسه مرض فوق مفافیت دا یمی کسب مینماید. عوارضی‌که ازاثرواکسین نمودن در طفل رونما میگردد عبارت ازبی اشتهائی ، تب وغیره میباشد که خیلی موقتی وپس از ۲٤ ساعت رفع میگردد. بخاطر باید داشت‌که همیشه کوشش شودکه حین تزریق واکسین ها، اطفال نه باید قبلا مریض باشند .

سیاه سر فه (پرتیوسیس) مر ض خطرناکی است‌که مجاری تنفسی را مصاب نموده وعلایم آن درهفته اول بشکل ذکام معمولی ودرهفته دوم به شکل سرفه های دوام دار درطفل دیده میشود . سرفه های دوام دار بعدی زیادوسیع میباشند که طفل دریك مرتبه نفس کشیدن، در حدود هشت الی ده بارسرفه های پیهم نموده وسپس حالت تهوع باودست مدهد. این مرض هفته هادوام نموده ودرحالات وخیم تابه دوالی سه ماه نیز ادامه میابد .

تیتانوس مرضی است‌که میکروب آن عبارت ازیکنوع باکتریای بنام تیتانوس باسلای می باشد. سپور باسلای تیتانوس معمولا در بین خاك وخصوصا درنواحی که مواد فاضله اسپ هاوگاو هاوجود داشته بکثرت وجود دارد. هرگاه سپورباکتریای مذکور روی زخم قرار گیرد درآنجا تکثرنموده وموادزهرآلودی تولید مینماید که مواد مذکور ذریعه انساج شخص جذب شده وباعث سخت شدن عضلات بدن مخصوصا عضلات الاشه ها می گردد. بهمین نسبت عدمای مرض مذکوررا بنام‌مرض (لاك جاو) نیز یاد مینمایند .

چون مرض تیتانوس درتمام مراحل حیات انسانها بوجودمی آید، بناء باید واکسین نمودن علیه آن رانباید فراموش نمود .

دیفتری مرض دیگری ا ست که ذریعه باکتری های دیفتری بنا م (دفتریاباسیلی) تولید میشود. از علایم بارزاین مرض، عبارت ازتولید یك غشای در مجاری تنفسی وبینی میباشد که درنتیجه باعث اختلا ل جریان تنفسی درمریض میگردد . میکروب دیفتری معمولا درحلقوم باقیمانده واز فعالیت آنها، یکنوع مواد سمی تولید میشود که توسط خون جذب میشود . مواد مذکور وقتی به سایر انساج بدن میرسند باعث عدم فعالیت اعضاء گردیده ودر حالت وخیم باعث فلج اعصاب جمجوی میشود .

۲- واکسین نمودن علیه مرض چیچك :

چیچك مرضی ا ست که دارای عوارض وخیم بوده وسالیانه باعث تلفات زیادی در سراسر جهان میشود. مجادله علیه این‌مرض ذریعه واکسینشن صورت میگیرد که شخص بعداز واکسین نمودن تقریبا صد فیصد بسه مقابل مرض معافیت کسب می نماید. ازعلایم مشخصه این مرض عبارت ازداشتن تب ، سردردی شدید درسه روز اول بوده سپس تب‌کم شده وابله های سرخی روی جلد ظاهر میگردد، که بتدریج بعداز چند روزخوب میشود .

قبل ازواکسین نمودن اطفال نباید بکدام مرض جلدی مصاب باشند. معمولا اطفال را درسن ۱۰-الی ۱۲ ماهگی واکسین چیچك مینمایند سپس واکسین هابعدی اگر درفاصله سه الی پنج سال تکرار گردند ، شخص معافیت دایمی‌به مقابل مرض چیچك کسب مینماید. اشخاصیکه در سنین بعدی واکسین چیچك راتکرار مینمایند ، باید متوجه باشند که واکسین تزریق شده خواص خودراازدست نه داده باشد . زیرانور واوکسیجن ازفعالیت ویروس واکسین ها میکاهد. برای اینکه‌بدانیم که آیامواد واکسنیشن شده خراب شده، باید شخص مذکور به نکات آ تی توجه داشته باشد.

هرگاه بعداز چندسال دو باره واکسین نمائید، درصورت‌که معافیت در مقابل مرض چیچك درشخص وجود داشته باشد ناحیة واکسین شده کمی سرخ شده وبعداز چندی بدون اینکه زخمی بوجود آید، علایم آن از بین میرود. هرگاه شخص واکسین کننده هیچگونه علایمی را در ناحیه واکسین شده دیده نه تواند ، درآنصورت باید دو باره واکسین نماید . زیرا مواد واکسین تزریق شده بدرستی محافظت نشده است .

زنان حامله واشخاصیکه‌امراض جلدی‌دارند ازواکسین نمودن به مقابل مر ض چیچك خودداری نمایند . علاوتا بخاطر داشته‌باشید که درموقع واکسینشن چیچك، سایرواکسین هاراتزریق نه نمائید .

۳- واکسین نمودن علیه‌فلج اطفال :-

فلج اطفال یا (پولیومولیتیز) مر ضی است‌که از اثر ویروس ها بوجود می آید . این مرض‌ازتماس بااشخاص مریض ویاتوسط مگسهای آلوده با موادفاضلهٔ که حامل مذکور باشد، ازیك شخص به شخص دیگر انتقال مینماید. بهترین موقع تزریق واکسین فوق دراطفال به سن دو الی سه ماهگی شروع میشود. معمولا واکسین مذکور راذریعهٔ مواد غذایی به طفل میدهند . درین صورت علاوه برتولیدانتی بادی هادر خون ، تغیراتی در سطح امعاء رانیزبوجود می آورد . تغییرات مذکور بعدا موقع‌که میکروب اصلی واردکانال هاضمه میگردد، مانع تکثر آنهامیشود .

باقیدارد

به‌استقبال کانگرس

دهم:- همکاری دسته جمعی زنان تمام‌جهان درارگان های دولتی وغیردولتی وارگان های موسسه ملل متحد برای تحقق اهداف سال بین المللی زن .

بمناسبت برگزاری مقدماتی کمیته اجرائیه کانگرس سال بین المللی زن‌ژورنالیست های بسیاری از ممالك جمع شده واز سکرترجنرال کمیته سوالات زیاد نمودند ازجمله سوالات سوالهای آتی که جنبهٔ بین المللی دارد یاد آوری میشود .

چه انتظاری ازکنگرهٔ بین المللی زنان که بمناسبت سال زن برگزار خواهد شد دارید؟

ایدیت پلانتین سکرتر جنرال کمیته‌درجواب این سوال گفت : که‌کارکمیتهٔ اجرائیه‌مقدماتی ورول آن درحل بعضی مسایل مورد علاقه جهانی خیلی ها مفید وباارزش بود درکانگره بین المللی‌زنان نمایندگان طبقات مختلف‌زنان اشتراك خواهند نمود. من آرزو دارم که‌کانگره بهمه اشتراك کنندگان این‌کمك را خواهد نمود تازنان تمام جهان موقف وموقعیت یکدیگررا درك کنند که این هدف البته بنوبهٔ خود امکانات آنرا میسر خواهد ساخت تا همبستگی زنان را درسرتاسر جهان بمنظور احیای‌حقوق شان وتساوی حقوق زن ومرد وبقای صلح هرچه بیشتر تحکیم بخشد .

ایدیت پلا نتن جلسات کمیتهٔ اجرائیه را خیلی مفیدوارزنده خواندموگفت‌که ماتوانستیم مسایل بس بزرگ وزیادرا حل وپلان کار کنگره راترتیب نمائیم . درجلسات کمیته بشکل خیلی جدی وعمیق روی موضوعات داخل آجندای‌کنگره وبوجود آوردن کمیسیون های فرعی غوروفیصله نمودیم .

همچنان بخاطر تجلیل وبرگزاری سا ل بین المللی درسرتاسر جهان مفکوره هاوپلان های اصلاحی زیاد به این منظور ترتیب و تطبیق گردیده وهمه دستگاه های نشراتی وتبلیغاتی ممالك درخدمت تبلیغات ودادن‌شعار های خلاق ومردمی بخاطر زنان جهان وخاصتا آن طبقه زنانی که روی تعصبات ملی ومذهبی کلتوری واجتماعی محروم ترین طبقه اجتماع خود بودند خدمت نمودند ا ین سال یعنی سال ۱۹۷۵ هنوزبه پایان نرسیده وفعالیت پی‌گیر ودامنه داری بمنظور اصلاحات بیشتر واحیای حقوق زنان دراجتماع صورت گرفته وسعی برآن است تادرهمه قسمت های جهان زنان ومردان دوش بدوش هم دورازهمه‌انواع تعصبات درپیشرفت اجتماع خود زحمت‌کشیده وفردای پراز شادی وآرام رابرای نسل های آیندهٔ شان میسر ومهیا بسازند .

زنان امروز در ساحهٔ ساینس وتکنالوژی سهم بارز دارند .

استاد سر آهنگ هنرمند مشهور کشور

دمینې سوغات

– تا ته وایم دغه راز ماشومانه لوبې مه‌کوه دا کارونه زما نه خوښیږي .

«سوفي» سوړ اسویلی وویسته‌او دموټر سرعت یې کم کړ او دټیلو دټانك په خنگ کښې یې موټر ودراوه . جو پلې شو او دموټر ټانکي ډکه کړه دټانك موظف ته که«سوفي» هرڅومره سترګړنه وهل او یا به‌یې اشاري کولې کومې نتیجې ته و نه رسیدله آخر په دې باندې وپوهیده چه یو شوم سر نوشت ورته لیاره څاري او په دې ترتیب به داړه‌مارانو دشو مو غرضونو نه‌قربان‌شي‌په زیات عصبانیت اود غوسې باندې یې‌دموټر په اکسلټر پښې ټینګې کړې داځکه هغه څه چه یې سنجولي وو ټول بې‌ځایه له لاسه وتلي وو او نور کوم دخلاصون ځای ورته نه ومعلوم خو کله چه دټیلو دټانك نه لرې شول هغه داړه مار چه دسوفي ترخنگ ناست ؤ ورته وویل :

– خیال کوم چه زموږ دپل دغلطولو دپاره به همدو مره منزل کافي وي که څه هم دغه اقدام‌احتیاطي شکل درلوده خو اوس باید موږ خپل شخصي منزل ته دعوت کړې‌که څه هم موږ دځان دپاره یو بل «پټ» ځای غوره کړی ؤ خو دهغه څخه هم ستاسې کور غوره او په زړه پورې دی او تر هغې مودې به هلته پاتې یو تر څو زموږ موضوع له یاده وایستل شي .

«سوفي» په وارخطا یې سره وویل :

– زما کورته ؟ یعنې تاسې‌غواړئ چه پاریس ته لاړ شي ؟

– نه نه – ته باید موږ هغه ځای ته بوزې چه تا پکښې خپلې دتعطیل ورځې تیرولې هغه ځای چیرې دی ، یوه لیرې او کوچنۍ کرونده نه ده ؟ څنګه همدا ډول نه ده ؟

وروسته داړه مار سړي و خندل‌او «سوفي» چه حیرانه پاتې وه دسترګو لاندې ورته وکتل، داړه مار خپل لاسي بکس راواخیست اویو کاغذ یې ترینه را وویسته هغه کاغذ چه «سوفي» دخپل دوست ور ونیك‌دپاره لیکلی ؤ او دوخت دکموالي په نسبت یې لا مخا براتو ته نه ؤ سپارلی داړه مار په لوړ آواز باندې لیك ولوسته «ګرانه وروڼیکه ! دغه څو کلمې مې ستا داطلاع دپاره لیکلې‌دي زه نن سهار درخصتیو دورځو بندو بست نیسم او غواړم چه دغه شپې ورځې په خپلې کرونده کښې په خوشالۍ سره سرته ورسوم‌داچه غوښتل مې اول هغه ټاپوته لاړ شم په کوم کښې چه ته استو ګنه لرې ترینه مې صرف نظر وکړه اوزه فقط یوازې خپلې کروندې ته اهمیت ورکوم چه دخپلې رخصتۍ ورځې په خوشالۍ پکښې تیرې کړم ته خوزما په طبیعت باندې پوهیږې زه په دغه وخت کښې له هرڅه نه زیات یوازیوالي او ګوښه ځای ته زیات اهمیت ور کوم . دسوفي «لاس لیك» .

داړه مارسړي څو لحظې چپ پاتې شو اوبیایې وویل :

داسې معلومیږي چه نه دچا په انتظار کښې یې اونه دې څوك په انتظار کښې وي نو ښه به داوي چه په دې څو شپو ورځو کښې خپله میلمه پالنه موږ ته وښئې . رښتیا چه څنګه نیك تصادف دی چه‌کاغذوی نه دی استولی ا ونن زموږ ګوتوته راغلی دی .

« دسوفي» امید نور قطع شو اوپه دې پوهیده له چه که چیرې دغه داړه ماران دځان سره کروندې ته بوزي‌نو هیڅوك به یې نوم‌هم په خوله‌وانخلي. اونه چاته دا ثابته شوې وه چه «سوفي» دې دغلو او داړه مارانو په منګولو کښې کښیوتې وي خودومره یوه هیله ورسره ملګرې وه چه «ښاغلی» «زیګو» چه دبانکو نو مدیر ؤ او دغلو او داړه مارانو دحملې لاندې نیول شوی ؤ « سوفي» به یې هم لیدلې وي دهمدغه ډاړه دز لودلو سره به یې دځان سره ویل :

(نوربیا)

دولتي مطبعه

مود و فیشن

یك نمونه ازتازه ترین مود های امسال برای علاقمندان لباسهای شیك ومدرن